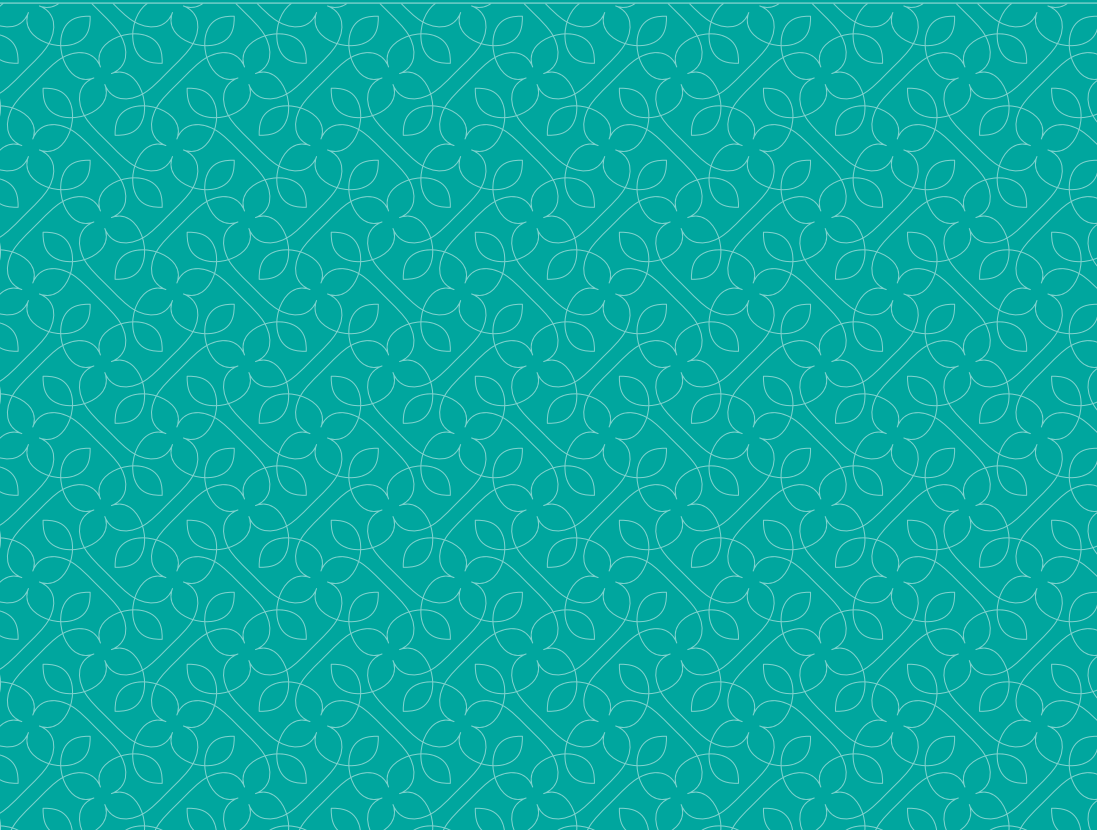


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خداي زكركمناش هر يقين ايدنا



• سرشناسه: صفاریان، امیررضا، ۱۳۶۴- • عنوان و نام پدیدآور: مستورا نویسندگان امیررضا صفاریان، امیرحسین صفاریان؛ ویراستار محمد کاظمی. • مشخصات نشر: تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت، ۱۴۰۲. • مشخصات ظاهری: ۱۸۰ص؛ ۱۴/۵×۲۷/۵سم. • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. • موضوع: قرآن -- بررسی و شناخت • Qur'an -- Surveys • موضوع: انسان (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی • Theological anthropology • Islam -- Qur'anic teaching -- شیطان -- جنبه‌های قرآنی • Devil -- Islam -- Qur'anic teaching • شناسه افزوده: صفاریان، امیرحسین، ۱۳۷۳- • شناسه افزوده: سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت • رده‌بندی کنگره: BP۶۵/۴ • رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹ • شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۰۰۰۲۸



سازمان اوقات‌آن الکریم

- نام کتاب: مستورا
- نویسندگان: امیررضا صفاریان و امیرحسین صفاریان
- ویراستار: محمد کاظمی
- ناشر: انتشارات تلاوت سازمان دارالقرآن الکریم
- صفحه‌آرا و طراح جلد: حسین غلامرضائی
- حروف نگار جلد: استاد مهدی سهرابی نصر
- نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۷۲-۷۴-۱
- قیمت: ۱۰۰ هزار تومان



سیدنا



فهرست

مقدمه ۱۱

۱. عهدهی که وفانشد... ۱۵

«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلاً فَبَيِّنْسَ مَا يَشْتَرُونَ» (آل عمران/ ۱۸۷)

و[یادکن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله ای کردند.

- | | |
|------------------------|-------------------------------|
| آیینۀ عبرت ۱۸ | انتظار خدا ۲۱ |
| بهترین برنامه ۱۹ | راه خروج از فتنه ها ۲۲ |
| جهاد تبیین ۱۹ | میلیون ها سؤال زندگی ۲۴ |
| باور غلط ۲۰ | در این کتاب ۲۶ |

۲. فریب خورده و عریان ۲۷

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/ ۲۷).

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد، چنانکه پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان برمی کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند. او و دوسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

- | | |
|---|----------------------------------|
| رمز وراز پُرترکرترین داستان قرآن ۳۰ | داستان زندگی همه آدمیان ۳۱ |
| تمرد ابلیس متکبر ۳۱ | دشمن قسم خورده ۳۲ |

- دشمنه کن ۳۳ ای بچه‌های آدم..... ۳۹
- وسوسه باشعارهای عوام‌پسند ... ۳۴ یک فرع فقهی در کنار هزاران فرع
- سیاست گام به گام و شروع از سبک ۳۹ دیگر؟!..... ۳۹
- زندگی ۳۶ سیاست ثابت اندلسی کردن ۴۰
- برهنگی؛ هدف اصلی ابلیس ۳۷ زن، زندگی، آزادی ۴۱

۳. حرف‌های خوشگل مزخرف!

«وَكذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ اِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَّلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَا مَا يُفْتَرُونَ» (انعام/ ۱۱۲)

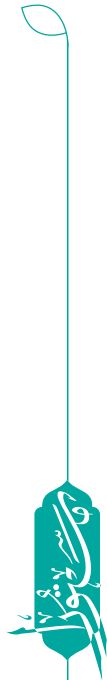
و این‌گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل، ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القامی کنند، و اگر پروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند؛ پس آنان و آنچه رایه دروغ به هم می‌بافند واگذار.

- آیا ابلیس تنهاست؟ ۴۶ امپراطوری رسانه‌ای ۵۱
- شبکه به هم پیوسته شیطان ۴۸ اغوا و خطای محاسبات ۵۲
- حرف‌های باطل مزخرف ۴۸ ما کجای این نقشه در عالم
- قوم پای کار ابلیس ۴۹ ایستاده‌ایم؟ ۵۵

۴. اتاق جنگ!

«وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَتَسَكَّنُوْا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ» (روم/ ۲۱)

از نشانه‌های او این است که برایتان از نوع خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان به آرامش برسید. بین شما هم، محبت و مهربانی قرار داد. در این، برای مردمی که فکرشان رایه کار بیندازند، نشانه‌هایی از یکتایی خداست.



- داستان بچه‌های آدم ۶۰ خنثی‌سازی پروژۀ ابلیس ۶۴
- اتاق جنگ با ابلیس ۶۱ وعدۀ فراموش شده ۶۵
- آرامش از دست رفته ۶۱ خانواده‌متلاشه ۶۵
- راه نجات از پریشانی شیطان ۶۲ زن، زندگی، آزادی ۶۷

۵. پدافند غیرعامل! ۶۹

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶)

ای مؤمنان، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند.

- نبردی به وسعت تاریخ ۷۲ رسالت مهم ۷۶
- شکر نعمت ۷۳ دژ مستحکم ۷۷
- حمله به خانواده ۷۳ اولویت‌های تمدن ۷۷
- آمارهای وحشتناک ۷۴ ایجاد دشمنی و اختلاف ۷۸
- جدايي ۷۵ پاتک مؤمنین ۷۹

۶. جنس در جدی‌ک! ۸۳

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

- نقطه‌آماج حملات لشکر شیطان ۸۶ متهم اتهام‌زننده ۸۷
- زن مظلوم ۸۶ انسانیت، جنسیت بردار نیست ۸۹



- چه مرد باشد، چه زن ۹۰ نگاه رحیمانه و مهربانانه خدا ۹۲
 الگوی همه مؤمنان ۹۱ سوغات غرب برای زنان ۹۳
 ملاک برتری ۹۲ این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ ۹۵

۷. برج آزادی... .. ۹۷

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)

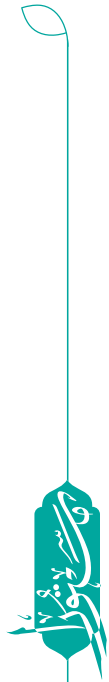
و در خانه‌هایتان قرار و آرام بگیرید، و مانند زنان دوران جاهلیت پیشین (که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید. همواره خدامی خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت برطرف نماید، و شمارا پاک و پاکیزه گرداند.

- محرمانه ۱۰۰ حجاب، حضور سالم و ضابطه‌مند زن
 منع دین از حضور اجتماع زنان!!! ۱۰۱ در اجتماع ۱۰۴
 وظایف تمدنی و اجتماعی زنان ۱۰۱ برج نشو ۱۰۶
 بیعت زنان با پیامبر ۱۰۳ عدالت یا مساوات؟! ۱۰۷
 زن میدان ۱۰۴ فرمانده خانه ۱۰۸

۸. حرام سیاسی ۱۱۱

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا ۵۹ لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المؤمنون في المدينة لتغربنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً» (احزاب/۵۹ و ۶۰)





ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران مؤمنین بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند؛ این کار به اینکه [به پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [ازسوی فاسقان] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۹). اگر منافقان و بیماردلان و آنانکه در مدینه شایعه‌های دروغ و دلپره‌آور پخش می‌کنند دست نکشند، تو را علیه آنان برمی‌انگیزیم، آنگاه در این شهر جز مدتی کوتاه در کنار تو نخواهند ماند (۶۰).

- شیاطین چه در سر دارند؟ ۱۱۴
- شایعه‌پراکنان ۱۱۹
- صرفاً فرهنگ! ۱۱۵
- تکمیل پازل دشمن ۱۲۰
- فضای نزول آیهٔ حجاب ۱۱۵
- حرام سیاسی ۱۲۰
- جنگ نرم ۱۱۶
- اگر بدانند پشت این قضایا چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند ۱۲۲
- سفارش ویژه به زنان ۱۱۸
- تهدید جدی منافقان و بیماردلان و

۹. حق برادری در پرتوی واجب فراموش شده! ۱۲۵

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه/۷۱)

مردان و زنان باایمان ولی یکدیگرند؛ به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

- بنچه در بنچه شیطان! ۱۲۸
- شدید مؤمنان ۱۳۰
- خانواده‌ای به وسعت ایران ۱۲۸
- ولایت عرضه ۱۳۱
- تقویت اخوت و برادری ۱۳۲
- به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال



- حق برادری ۱۳۲ امر به معروف و دو قطعی سازی! ۱۳۴
 طرح ابلیس ۱۳۳ واجب فراموش شده ۱۳۵

۱۰. ز دست دیده دل ۱۳۹

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ ۳۰ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضَصْنَ مِنْ أُنْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» (نور/ ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از حرام] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است. قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است (۳۰) و به زنان باایمان بگو چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مگر مقداری که [طبیعتاً] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند... (۳۱).

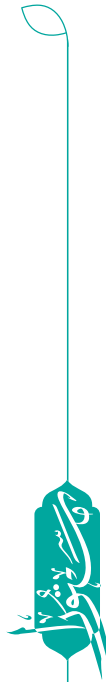
- ایستاده بجنگ ۱۴۲ وظیفه مشترک ۱۴۸
 طرح کلان آسمان ۱۴۲ حکم اختصاصی زنان و رمز و راز آن ۱۴۸
 شش گام راهبردی سوره مبارکه نور ۱۴۸
 برای تثبیت عفاف و حجاب ۱۴۳ عالم محضر خداست ۱۴۹
 نگاه و پوشش ۱۴۵ وظیفه حاکمیت ۱۵۰
 تمام راز فاجعه در اولین نگاه بود ۱۴۵ افتخار زنان ۱۵۰
 ازک ۱۴۷

۱۱. شهری بردامنه آتش فشان ۱۵۳

«وَ أَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/ ۳۲)

[مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهی دستند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست.





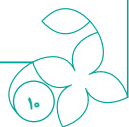
- مهندسِ ابلیس ۱۵۶ باور غلط ۱۵۹
شهری بردمانه آتش فشان گرایز ۱۵۷ شریک جرم ۱۵۹
راه حل خداوند «ازدواج کردن» نیست ازدواج آسان ۱۶۰
..... ۱۵۷ گفت آسان گیر بر خود کارها ۱۶۱
دو بال سلیه و ایجای برنامه خدا ۱۵۸

۱۲. من اگر بنشینم... تو اگر بنشین... ۱۶۵

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّاتِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»
(آل عمران/۷۹)

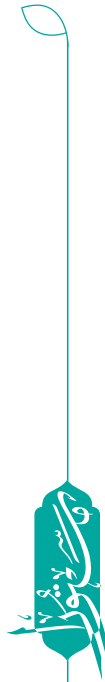
هیچ انسانی رانسزد که خدا به او کتاب و حکمت و نبوت دهد، سپس به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید. بلکه [تکلیف الهی و انسانی] او اقتضای کند به مردم بگوید: [از آن روی که کتاب آسمانی را به مردم می آموزید و نیز درس می گیرید، ربانی و الهی باشید و در عبادت و بندگی او سخت بکوشید.

- آلام دردهای بشر ۱۶۸ شش راهبرد اساسی ۱۷۲
وفا به پیمان خدا ۱۶۸ تنها میان میدان ۱۷۲
نزاع تاریخ شیطان برای برکندن لباس ربانے شو ۱۷۳
..... ۱۶۹ قرآنے شو ۱۷۴
معرکه گردانے دشمن ترین دشمنان حلقه های میانے ۱۷۴
با ابزار رسانه ۱۷۰ بنیان مرصوص ۱۷۵
حمله به زن ۱۷۰ انصار الله شویم ۱۷۵
خانواده های به وسعت ایران ۱۷۱ قوت قلب و یار نی ۱۷۶
حرام سیاسی ۱۷۲ پابه رکاب باشیم ۱۷۷



مقدمه

ایجاد تمدن‌های جدید بشری هنگامی ممکن می‌شود که جمعی از نخبگان و دانشمندان پیشرو، با اجماع نظر بر یک اندیشه‌ی پشتیبان، برای مسائل مهم جامعه‌ی بشری، پاسخ‌های کارآمد جدیدتری متناسب با آن جامعه بیابند و برای امتداد این نظریات و کاربردها در عرصه‌های مختلف زندگی، عزم خود را جزم نمایند. این اندیشه‌ها باید تاب رقابت با اندیشه‌های بدیل را داشته باشند و دچار تعارض‌های درونی و یا تناقض‌های بیرونی نشوند. این‌گونه است که این اندیشه‌ها کم‌کم از ساحت انتزاعی تفکر، به عرصه‌ی واقعی فرهنگ وارد می‌شوند و در ادامه نیز تبلور بیشتری یافته و در قالب تمدن، عینی می‌شوند. ارائه‌ی تصویر از جامعه‌ی آیدئال، برای انگیزش و سوق دادن جوامع به سمت مطلوب، یکی دیگر از بایسته‌های امتداد‌های تمدنی یک اندیشه است. چنین اندیشه و تمدن بنا شده‌ای، تا زمانی پابرجاست که مشکلات و ناکامی‌هایش بر مزایای آن پیشی نگرفته و اجماع نخبگان، از میان اندیشه‌های رقیب،



پاسخ بهتری برای سؤال‌های بشریت و تصویر ایدئال‌تری برای زندگی، نیافته باشد؛ وگرنه به محض اینکه مشکلات و هزینه‌های جابجایی به ساخت جدید تمدنی، کمتر از هزینه‌های نگهداری تمدن سابق باشد و قدرت‌ها با رسانه و دیگر ابزارهایشان، دست ملت‌ها و نخبگان را برای چنین چرخشی نبسته باشند، چرخش تمدنی -هرچند آرام و نامحسوس- اتفاق می‌افتد.

با این بیان، منازعات تمدنی حوزه ایران عزیز اسلامی ما با دیگر اندیشه‌ها و تمدن‌ها -و بخصوص تمدن غرب مدرن- واضح‌تر می‌گردد. از سویی اندیشه اسلامی به عنوان مهم‌ترین آبشخور تمدنی ایران معاصر، داعیه دارد -به مانند تمدن شکوهمند اسلامی در قرون پیشین- با تکیه بر قرآن و متون دینی، توانایی پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای بشر و ایجاد تمدنی بزرگ را دارد. این پاسخ‌ها از آن رو که برآمده از وحی حکیمی آگاه به همه جوانب زندگی بشر هستند، به بهترین نحو زندگی آدمی را به سوی زندگی نیک و آرام دنیوی و نیک‌بختی اخروی هدایت می‌کنند. بنابراین سایر اندیشه‌ها و الگوهای زندگی، کارآمد و همه‌جانبه نبوده و حیات آدمی را دچار ضررهای جبران‌ناپذیری می‌کنند که تأثیرات سوء آن دامن فرد و جامعه را خواهد گرفت.

از سوی دیگر تمدن غرب برآمده از دوران روشنگری در مغرب زمین با خوی استعمارگری و استفاده از قدرت نظامی و ابزار رسانه، ساحت‌های مختلف زندگی جوامع دیگر را در نورددیده و در قالب پروژه مدرنیزاسیون و نوسازی، الگوهای زیست خود را به آنها دیکته کرده است. در فرایند جهانی شدن، دوگانه‌ای معرفی می‌شود که بر اساس آن هر چه غربی و مدرن است، خوب و نیکو شمرده شده و هرچه بومی و سنتی است،

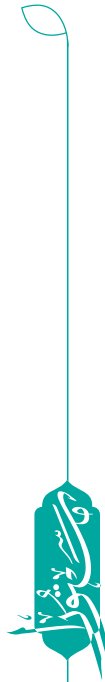


بد و زشت و نماد عقب‌ماندگی است. پس تنها متر و معیار پیشرفت جوامع، کنارگذاشتن داشته‌های بومی و سرعت پیروی از مسیر غربی توسعه است. غرب برای چنین تغییری مستقیماً حمله نظامی کرده است، با کودتا و یا حمایت سیاسی، طرفداران چنین دیدگاه‌هایی را در جوامع هدف بر سر کار آورده است، مشوق‌های مالی در قالب نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تعریف کرده است، پذیرش جوانان نخبه آن جوامع را با چنین هدفی در دانشگاه‌های غربی سرعت بخشیده است، تعریف علم و فرهنگ را منحصر در مدل غربی آن‌ها کرده است و با بمباران تبلیغاتی و رسانه‌ای و چشم بستن بر مشکلات تمدن غربی، اعتماد به نفس دیگر ملت‌ها را از بین برده و آن‌ها را مجبور به تبعیت از خویش کرده است.

در میانه چنین جهان بسته‌ای، انقلابی مردمی در ایران روی می‌دهد که شعار اصلی‌اش، عدم وابستگی به غرب و شرق و ایجاد تمدنی بر اساس الگوی نوین «جمهوری اسلامی» است. به عنوان نرم‌افزار اداره این نظام، باید الگوی پیشرفت دینی طراحی شود و متون دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مهم بشر در زندگی امروز، در قالب عنصر اجتهاد بازبینی شوند. «قرآن کریم» نیز به عنوان کتاب هدایت بشری، بالاترین سند راهبردی چنین نظامی است که باید همه عرصه‌های حیات جامعه بر اساس آن تنظیم شود. ایدئال این است که اندیشه و فرهنگ، قوانین، ساخت اجتماعی، نهادها، سبک زندگی، نحوه حکمرانی و... همه و همه برآمده از قرآن باشند.

اما سؤال مهم در مسیر ایجاد جامعه، نظام و تمدن اسلامی، چگونگی پیوند میان سؤال‌های امروزی و متن‌های مقدس دیرین است. به





عبارت دیگر متن واحد با حجمی به اندازه قرآن کریم، چگونه می‌تواند مسائل هزار و چندصدساله همهٔ جوامع مختلف از زمان نبی مکرم ﷺ تا امروز را عهده‌دار شده و برای آیندهٔ بشریت تا ظهور نیز همین ادعا را داشته باشد؟ راه ارتباط با قرآن و فهم نظام‌مند آن چگونه است؟ وظیفهٔ ما به عنوان افراد عادی جامعه در این باره چیست؟ و ...

در همین راستا، به عنوان قدمی بسیار کوچک، کتاب حاضر چنین نگاشته شده است که پس از بحث کوتاهی از وظیفهٔ ما در فهم و تبیین و تبلیغ کلام الهی، ابعادی از نزاع دیرینهٔ شیطان و انسان و تقابل امروزین آن‌ها در قرآن پیگیری می‌شود، تا در مواجهه‌ای واقعی برخی آیات دربارهٔ زن و خانواده - به عنوان یکی از مسائلی که امروزه جامعهٔ ما با آن درگیر است - مرور شود. سپس مدل پیاده‌سازی الگوهای برآمده از قرآن، در قالب حرکت حلقه‌های میانی بیان می‌گردد که خاتمه‌ای انگیزشی بر مطالب پیشین است.

در پایان ضمن تشکر از تلاش‌های رئیس محترم سازمان دارالقرآن الکریم، جناب حجت‌الاسلام تقی‌زاده در جهت آماده‌سازی این کتاب، از اساتید بزرگوار حجج اسلام قاسمیان، حاج ابوالقاسمی و آقایان بحرالعلوم، چیت‌چیان و همچنین همکاری آقایان حمیدرضا محمودخانی، محمدجواد ابراهیمی، محمدخلیلی، علیرضا محب‌الطاهر، ایمان آقائی‌زاده، امیرحسین قزل‌ایاغ، سیدمهدی تقوی، علیرضا آرمید، امیرحسین غفاریان، جواد جان‌نثاری، مصطفی‌سام، وحید اسلامی، سیدعلی سیدمؤمنی، سید محمدحسین نیکداریپور و امیرحسین بان‌پور نیز نهایت تشکر را داریم. همچنین پیشاپیش دست‌بوس و دعاگوی اساتید و بزرگوارانی که با ارسال نقد و نظر خویش، به رفع نقایص و تکمیل این کتاب کمک می‌کنند، خواهیم بود. امید است که همگان مشمول دعای خیر قرآن و صاحب قرآن باشند و باشیم.



﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتَشِيَّتَنَّهُ لِلنَّاسِ
وَلَا تَكْفُرُونَهُ فَبَدُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران / ۱۸۷)

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به
آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید
آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمان
نکنند. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند
و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه
بد معامله ای کردند.

۱. عهدهای که وفانند...

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ
 وَلَا تَكْتُمُونَهُ، فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَقُوا بِهِ ثُمَّناً
 قَلِيلًا فَيُبْسِ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا
 آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ
 بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
 خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ
 لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا
 وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحُنَا فَعِنَّا عَذَابُ النَّارِ ﴿١٩١﴾
 رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ، وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
 أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ
 ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
 سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ
 رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ ﴿١٩٤﴾



تلاوت کنیم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ کنیم

لُبِّيْنَتْهُ: که حتماً آن را بیان کنید
فَنَبَذُوهُ: انداختند آن را
لَا تَكْتُمُوهُ: آن را کتمان نکنید



بیاموزیم

یادداشت

Handwriting practice lines consisting of multiple horizontal dashed lines for writing.

آینه عبرت

این آیه مانند آیات بسیاری از قرآن کریم به مذمت برخی از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شده، پرداخته است. حال سؤالاتی مطرح می‌شود که کدام اهل کتاب و به چه علتی مشمول این آیات شده‌اند؟ این آیات به چه دلیل در کتاب جاودانه خدا قرار گرفته و مطالعه و تدبر در آنها به چه دلیل بر ما و امت نبی مکرم تا قیامت امر شده است؟ چه شباهت احتمالی میان دستور کار یا عاقبت امت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با امت‌های گذشته وجود دارد؟ برای روشن شدن جواب این سؤالات باید بدانیم داستان از چه قرار است. نخست باید از بستری که موجب نزول این آیات شده است، سخن بگوییم؛ ماجرابی که به صورت مکرر و تأثیرگذار در اقوام انبیای پیشین عليهم السلام پیش آمده است و موجب شده تا خداوند تذکرات شدیدی بدهد. این داستان آینه عبرتی است در مقابل دیدگان امت پیامبر ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا ما به این مشکل دچار نشویم.



بشنویم

بهترین برنامه

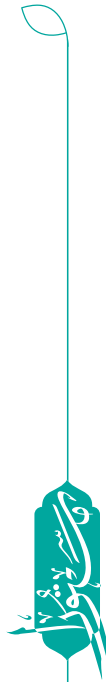
داستان از این قرار است که از سویی، خدا انسان را آفریده و به همین سبب، همهٔ جوانب خلقت او و نیازها و توانایی‌های او را می‌داند. از سوی دیگر، مطابق با ویژگی‌های انسان، برنامه‌ای راستین را برای هدایت و سعادت انسان در قالب کتاب، تدوین کرده که این برنامه از طریق انبیا فرورستاده شده است. در این راستا، به همهٔ خداپاوران توصیه می‌کند که این برنامه را تبلیغ کنند و به گوش دیگران برسانند و با تبیین این برنامه و دوری از پنهان‌سازی پاسخ پرسش‌های مهم زندگی بشر، مقدمهٔ اجرایی شدن آن را فراهم آورند.

جهاد تبیین

ماجرای امت‌ها و انبیای آن‌ها از آنجا آغاز می‌شود که خداوند متعال برای هر گروهی از مردم، برنامه‌ای را فرو فرستاده است که فقط با تبعیت از آن، هدایت آن قوم شکل می‌گیرد و هر بیراههٔ دیگری، به ضلالت ختم خواهد شد.^۱ پس وظیفهٔ محوری امت هر پیامبری، تبعیت از آن برنامهٔ آسمانی بود که توسط انبیا علیهم‌السلام برای این قوم آورده شده بود. طبیعی است که برای سامان دادن یک زندگی الهی، باید در این برنامهٔ آسمانی پاسخ به

۱. النحل / ۳۶: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّبْنَا عَلَيْهِ الضَّلَالَةَ فَمَنْ فِي الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ»

«و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که [اعلام کند که] خدا را بپرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس خدا گروهی از آنان را [که لیاقت نشان دادند] هدایت کرد و گروهی [دیگر] را به سبب تکبر و عنادشان [گمراهی بر آنان مقرر شد. پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بود.»



همه پرسش‌های مهم و تأثیرگذار زندگی آن قوم بیان شده باشد. در مقابل، خداوند متعال نیز از مردم انتظار دارد که با قبول رسولانش، این برنامه آسمانی را با جان و دل بپذیرند و آن را سرلوحه همه زندگی خویش قرار دهند و پاسخ سؤالات خویش را در آن جست‌وجو کنند و بر آن اساس، زندگی مؤمنانه خویش را بنا نهند و این پاسخ‌های نجات‌بخش را برای همه مردم تبیین کنند: ﴿لَتَيِّبَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْفُرُونَ﴾

متأسفانه در طول تاریخ، کم نبوده‌اند اقوامی که به این آیین زندگی مؤمنانه در عمل اعتنایی نکرده و به دنبال راه‌های دیگری رفته‌اند: ﴿فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ به گمان خود، چیزهایی را پسند و نیکو و چیزهایی را ناپسند و مذموم شمرده‌اند که هیچ‌کدام مطابق برنامه هدایت الهی نبوده است. این آیه و آیاتی شبیه به این، در مذمت این‌گونه افراد نازل شده است؛ آن‌هایی که برنامه گران‌بهای خدا را ارزان فروخته‌اند و چه بد معامله‌ای کرده‌اند! ﴿وَاشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾

باور غلط

ممکن است تصور شود که تنها بار مسئولیت رساندن و اجرای این برنامه آسمانی بر عهده انبیا عليهم السلام است. این باور غلط، خودش دامی از وسوسه‌های شیطانی برای خالی کردن عرصه مجاهدت فکری و تبلیغی دین خدا توسط مؤمنان است. طبق آیه شریف و منور آغازین این نوشتار، پس از فرو فرستادن این برنامه آسمانی، پیمانی محکم درباره «کتاب» از همه مؤمنان گرفته شده است که «همگان» باید به آن پایبند باشند و سستی یا کوتاهی در این پیمان، عقوبت سختی را در پی خواهد



داشت. در همین آیه، خداوند متعال این ناعهدی‌ها را مذمت کرده است. خطاب آیه با ضمیر جمع مخاطب نیز نشان‌دهنده همین مطلب است که این وظیفه تبیین و تبلیغ، نه تنها بر دوش انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بلکه بر عهده همه مؤمنان و صاحبان کتاب است.

انتظار خدا

جالب‌تر آنکه محتوای این پیمان نیز در همین آیه بیان شده است. خداوند متعال از اهل کتاب انتظار داشته است سخن خدا را با تأمل بفهمند و به‌شکلی پذیرفتنی برای همه مردم، «تبیین» کنند. اهمیت این تبلیغ و رساندن پیام الهی به دیگران به حدی بوده است که در این آیه با عبارت «**أَتَيْتَهُ لِلنَّاسِ**» با لام قسم و نون تأکید، بر آن پافشاری شده است. از بازگونکردن این مسائل مهم زندگی بشر توسط اهل کتاب نیز تعبیر به «کتمان» شده است؛ گویا کسانی که وظیفه تبلیغی رساندن محتوای کتاب الهی به دیگران را انجام نمی‌دهند، به‌نوعی به پنهان‌کردن فرامین الهی مشغولند. این قسمت از آیه نهی از چنین کوتاهی، قصور و یا تقصیری است: «**وَلَا تَكْتُمُونَهُ**»

گروه فراوانی از انسان‌ها، از این وظیفه شانه خالی می‌کنند و آن را پشت‌سر می‌اندازند و به این عهد و پیمان الهی وفا نمی‌کنند: «**فَقَبْدُ وَهُ** **وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ**»؛ بنابراین همه‌گیری این برنامه که متوقف بر تبیین و کتمان‌نکردن مؤمنان است، ناقص می‌ماند، مأموریت انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و امتشان به سرانجام واقعی‌اش نمی‌رسد، سؤال‌های مهم بشری

پاسخ‌های درخوری نمی‌یابد و مسیر زندگی بشر از هدایت و سعادت فاصله می‌گیرد.

امت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مانند اهل کتاب‌های پیشین، با سؤال‌های اساسی مهمی در زندگی روبه‌روست که پاسخ صحیح بدان‌ها و قدم‌نهادن در مسیر این پاسخ‌ها می‌تواند سعادت ابدی را برای او فراهم آورد. همین نکته، علت انزال کتاب آسمانی قرآن و بعثت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. بر این اساس، همان‌طور که خداوند متعال فرموده است، رسیدن به پاسخ‌های صواب، هیچ راه دیگری غیر از مسیر آسمانی‌اش ندارد.^۱ قرآن همان برنامه یکتای سعادت امت ختمی‌مرتبت است که بشر را به استوارترین آیین هدایت می‌کند^۲ و خداوند متعال در آن تمام مطالب مرتبط با هدایت بشر را بیان کرده است.^۳

راه خروج از فتنه‌ها

خود پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در موقعیت‌های گوناگونی ما را به تمسک به قرآن امر فرموده‌اند. یکی از مشهورترین آن‌ها حدیث شریف ثقلین است که گمراه‌نشدن و در وادی ضلالت قرار نگرفتن، به تمسک به قرآن

۱. النساء / ۱۱۳: «... وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا»
«و خدا کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد، و آنچه را هرگز نمی‌توانستی بیاموزی به تو آموخت؛ و همواره فضل خدا بر تو بزرگ است.»

۲. الإسراء / ۹: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَيِّنُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»
«بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است.»

۳. النحل / ۸۹: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»
«و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا] است.»

و عترت مشروط شده است.^۱ همچنین در روایت دیگری از این وجود مبارک، راه نجات از غبار فتنه‌هایی که مانند تکه‌های شب تاریک انسان را در بر می‌گیرد، قرآن معرفی شده است.^۲

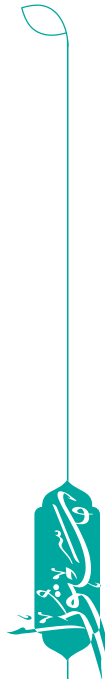
قرآن به‌عنوان کتاب هدایت، برای هر مسئله مهم و تأثیرگذار در عرصه‌های فردی و فکری و تمدنی، باید پاسخی درخور و راهنما داشته باشد؛ زیرا اگر پاسخ مسائل مهم بشری در کتاب خدا بیان نشده باشد، فرستادن پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و کتاب‌های آسمانی بیهوده خواهد بود و هدف او از آن محقق نخواهد شد.

باید بگوییم مانند اهل کتاب که خداوند متعال از آن‌ها عهد و میثاق تبیین و کتمان‌نکردن گرفته است، ما نیز مخاطب همین آیه هستیم. در نتیجه، این‌گونه نیست که وظیفه تبیین و تبلیغ برنامه آسمانی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فقط بر دوش او یا معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و یا حتی علما باشد؛ بلکه هر کدام از مؤمنان به تناسب بهره‌ای که از کتاب خدا برده است، وظیفه تبلیغ و تبیین آن را برای سایرین دارد. این همان عهدی است که خدا از ما گرفته و بر آن تأکید کرده و در این آیه و امثال آن، ما را از شکستن این پیمان، برحذر داشته است.

در نتیجه، این وظیفه همه مؤمنین است که خود را مخاطب آیات ببینند و سعی کنند مقصود آن را بفهمند و همچنین به‌گونه‌ای قابل فهم برای دیگران تبیین کنند. در مقابل، روی آوردن انسان به نسخه‌های

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۳).

۲. «فَإِذَا التَّبَسَّثَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَهَظِّ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹).



غیرواقعی که به جای پاسخ به سؤالات مهم بشر، او را سرگردان می‌کنند، و یا شانه خالی کردن او از تبلیغ کلام و برنامه خدا، به گونه ای بی‌وفایی به عهد و پیمان الهی است.

میلیون‌ها سؤال زندگی

این معنا در فرمایشی از رهبر معظم انقلاب چنین منعکس شده است:

اگر با قرآن اُنس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سؤالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سؤالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سؤالات درباره زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سؤال در مقابل ماست. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمان‌هایی دارد حرکت می‌دهد و حرکت می‌کند، با هزاران هزار سؤال مواجه است: در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضوع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ این‌ها همه سؤالاتی است که مطرح است؛ همه این سؤالات جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جواب‌های درست این سؤالات را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا و بشر به خاطر این است که جواب‌های درست را به این سؤالات بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخ‌های غلط، پاسخ‌های انحرافی، پاسخ‌های گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امتیّت ندارد، صفا ندارد، معنویّت ندارد،

آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیاست، همه دنیا این جور است... این‌ها همه به خاطر این است که سؤالات زندگی درست جواب داده نشده، غلط فهمیده شده. آن وقت این نظام‌های اقتصادی و سیاسی کج و معوج در دنیا به وجود آمده و بشریت، مبتلا است؛ میلیاردها انسان، مبتلای این وضعیتند... هدایت در قرآن است. اگر با قرآن انس گرفتیم، اگر قرآن را درست فهمیدیم، اگر در قرآن تدبّر کردیم، آن وقت پاسخ درست به سؤالات زندگی به ما داده خواهد شد. بایستی برویم دنبال این؛ این چیز مهمی است.^۱

برای این که مطالب روشن‌تر شود خلاصه‌ای از آن‌ها را در قالب چند جمله بیان می‌کنیم:

۱. خداوند، خالق انسان است و از همه ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی او آگاه است.
۲. خداوند متعال متناسب با نیازهای انسان، برنامه‌ای برای هدایت او در قالب کتاب‌های آسمانی فرود فرستاده است.
۳. پیروی از این برنامه که موجب سعادت و رستگاری انسان خواهد شد نیازمند تبیین برای همه مردم است.
۴. تبیین این برنامه الهی فقط وظیفه پیامبران و علمای امت نیست و هر کسی به میزان آگاهی‌اش باید در این رسالت شریک باشد؛ بر این اساس، خداوند با دانایان و آگاهان پیمان بسته است تا نقشی فعال در این زمینه داشته باشند.

۱. بیانات معظم‌له در محفل انس با قرآن کریم، مورخ ۱۳۹۶/۳/۶.

۵. گروه‌های زیادی از اقوام پیشین از زیر بار این وظیفه بزرگ شانه خالی کردند و این تبیین‌نکردن و کتمان، موجب شد تا جامعه در تاریکی جهالت قرار گیرد؛ از این رو، خداوند متعال به شدت آن‌ها را مؤاخذه کرد و با بیان داستان آن‌ها، آینه عبرتی برای امت پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد.

در این کتاب...

حال که سنگینی این عهد و پیمان الهی را بر دوش خود بیش از پیش احساس می‌کنیم، در این کتاب سعی داریم برای تمرین انس با کتاب، درباره موضوعی واقعی که در سال اخیر باعث فتنه‌ای جدید شده است، به صورت مسئله‌محور، با قرآن کریم مواجهه‌ای ابتدایی داشته باشیم و از این مسیر برای برخی از سؤالات که این روزها جامعه ما بیشتر با آن درگیر شده است، پاسخ‌هایی جست‌وجو کنیم. می‌خواهیم با بررسی گوشه‌ای از آیات پرنور قرآن درباره مسئله «زن و خانواده»، ابعادی از نزاع دیرینه شیطان و انسان و تقابل امروزین آن‌ها در قرآن را پیگیری کنیم و سپس چگونگی پیاده‌سازی و بهره‌مندی از الگوهای قرآنی را، در قالب حرکت حلقه‌های میانی بیان کنیم تا خاتمه‌ای انگیزشی بر مطالب پیشین باشد.



﴿يَا بَنِي آدَمَ﴾

لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا

أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا
لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ
إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف، ۲۷).

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد، چنانکه پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند. او و دارودسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

۲. فریب خورده و عریان...

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَعْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
 مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ لَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا
 تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ
 لِبَاسًا يُورِي سَوْءَ تَكُمُورِيشًا وَرِيشًا وَرِيشًا وَرِيشًا وَرِيشًا وَرِيشًا
 ذَلِكَ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ
 الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا
 لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تِهِمَا إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ
 حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَإِذْ أَعْلَوْا فَحِشَّةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
 بِهَا قُلْ إِنَّا لِلَّهِ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ
 ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
 وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾
 فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا
 الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾



تلاوت کنیم



نکات حفظ

ترتیل



حفظ کنیم

رمزوراز پُر تکرارترین داستان قرآن

ماجرای خلقت آدم عليه السلام از داستان‌های پُر تکرار در قرآن کریم است تا آنجا که در چند سوره از سوره‌های قرآن، به آن پرداخته شده است و به تناسب، قسمت‌هایی از این ماجرا در هر سوره نقل شده است.^۱ اینجا نیز با همان سؤال مهم قسمت پیشین روبه‌رو می‌شویم. با اینکه قرآن کتاب داستان و تاریخ نیست، چرا ماجرای خلقت آدم در آن مکرر مطرح شده است؟ این ماجرا چه آورده‌ای برای بشر داشته است که در قرآن ذکر شده و از سوی خداوند متعال، به مطالعه و تدبر در آن دستور داده شده است؟ چرا برخی زوایای داستان به جزئیات و تکرار بیان شده‌اند و برخی قسمت‌ها در قرآن بازتاب نیافته است؟ ویژگی این جزئیات بیان شده، در مقایسه با دیگر ابعاد ماجرا چه بوده است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها و سؤالاتی از این دست، خوب است به برخی از این آیات به صورت گذرا مراجعه کنیم.



بشنویم

۱. در سوره مبارکه بقره، اعراف، حجر، اسراء، کهف، طه و ص.

تمرد ابلیس متکبر

در سوره مبارکه بقره، ماجرای خلقت خلیفه الهی، از آیه سی‌ام آغاز می‌شود. سپس خداوند متعال اسمائی را به آدم تعلیم می‌دهد که موجب سجده ملائکه به او می‌شود. شیطان با خودبرتربینی، از فرمان سجده به انسان تمرد می‌کند.^۱ این عصیان، موجب دوری او از درگاه حق و آغاز دشمنی دیرینه شیطان با آدم می‌شود. تا اینجای داستان را بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم؛ اما شاید کمتر به ارتباط این ماجرا با خودمان اندیشیده‌ایم.

داستان زندگی همه آدمیان

رمزگشایی از این مسئله، با مقایسه این آیات با آیات سوره مبارکه اعراف مقدور خواهد شد. در آیات سوره بقره، مطابق آنچه در سطوح آغازین نیز ارائه می‌شود، دریافت بسیاری از مردمان، از زبان قرآن نزدیک به این است که در حال بیان ماجرای خلقت اولین فرد انسان، یعنی حضرت آدم علیه السلام است؛ اما وقتی به آیه یازدهم سوره مبارکه اعراف مراجعه می‌کنیم، همین قسمت از ماجرا با «خطاب جمع» بیان شده است. خداوند متعال در این آیه فرموده است:

و شما را آفریدیم، سپس شما را صورت‌گری کردیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: «بر آدم سجده کنید؛» بی‌درنگ همه سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود.^۲

۱. البقرة / ۳۴: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»
«و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد.»

۲. الأعراف / ۱۱: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»

این مقایسه، آغاز جرقه‌ای در ذهن است که در حقیقت این آیات، داستان خلقت «حضرت آدم علیه السلام» به‌عنوان یک فرد نیست و شأن قرآن به‌عنوان کتاب پاسخ به مسائل مهم زندگی بشر هم بیان داستان و تاریخ صرف نیست؛ بلکه این دسته از آیات، ماجرای خلقت «آدمی» و ابعاد وجودی او را بیان می‌کند. این‌گونه هر انسانی با سفر در اعماق خویش، در لایه‌هایی از وجودش با این داستان ارتباط می‌گیرد و با این‌گونه تلاوت، معنای دیگری دریافت می‌کند. علامه طباطبایی در این باره فرموده است:

سجده ملائکه برای بنی آدم و در حقیقت خضوع برای «عالم بشریت» بوده و اگر حضرت آدم علیه السلام قبله‌گاه سجده ملائکه شده است از جهت خصوصیت شخصی وی نبوده، بلکه از این باب بوده است که آدم علیه السلام نمونه کامل انسانیت بوده و در حقیقت از طرف افراد انسان به‌منزله نماینده بوده است.^۱

دشمن قسم خورده

اگر این مسیر فهم قرآنی را در آیات و سوره‌های دیگر نیز دنبال کنیم، جنبه‌های دیگری از ماجرا برایمان آشکار خواهد شد. برای مثال در آیات پایانی سوره مبارکه ص، چنین ذکر شده است که شیطان بعد از رانده شدن از درگاه الهی، عداوت و دشمنی خود را تا روز قیامت، نه با شخص حضرت آدم علیه السلام، بلکه با همه آدمیان آشکار می‌سازد. او به عزت خداوند سوگند می‌خورد که همه بندگان خدا غیر از مخلصین را فریب

۱. محمدحسین طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۰.

خواهد داد. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» چنانکه مشاهده می‌شود عداوت و دشمنی او نه با شخص آدم، بلکه با آدمیان است و این شاهد دیگری بر همین ادعاست که این‌گونه آیات، بیان مراحل خلقت انسانیت است.

دشمنی کن

طبیعی است در مقابل چنین دشمنی قسم خورده که تا اغوا و فریب دادن ما از پای ننشیند، نمی‌توان بی‌خیال و بی‌دفاع نشست. به همین دلیل خداوند متعال در قرآن کریم از عهد و پیمان دیگری یاد می‌کند که از بشر گرفته است و آن، اطاعت نکردن از شیطان به‌عنوان دشمن آشکار آدمیان است. خطاب اندازگونه این آیه به «بنی آدم» است تا دشمنی دیرینه شیطان با آدم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به همه فرزندان آدم نیز یادآور شود.^۲ بنابراین وظیفه همه ماست که با دقت نظر، رابطه‌مان را با شیطان به‌گونه عداوت و دشمنی تنظیم کنیم.^۳ وگرنه چه کسی از دشمن خویش و مکر و نقشه و حمله او غافل است...؟ رهبر معظم انقلاب در همین باره فرموده است:

اولین مستکبر در تاریخی که قرآن برای ما ترسیم می‌کند، ابلیس است: «أَبِي وَاشْتَكَبَ». او اولین مستکبر است. ممکن نیست فرض کنیم که يك مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی يك روز یا يك لحظه، از

۱. ص / ۸۲ و ۸۳.

۲. یس / ۶۵: «أَلَمْ نَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»
«ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را پرستید که او بی‌تردید دشمن آشکاری برای شماست؟»

۳. فاطر / ۶: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»
«بی‌تردید شیطان، دشمن شماست، پس او را دشمن خود بگیرید»

دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان.^۱

پس با این زاویه دید، واضح شد که داستان خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَام، در حقیقت داستان خلقت آدمی است و سجده نکردن شیطان و دشمنی او با آدم عَلَيْهِ السَّلَام، در واقع عداوت او با «بنی آدم» تا روز موعود است. اصلاً برای همین بود که موقع رانده شدن از درگاه الهی، از خداوند متعال درخواست کرد به او مهلت دهد تا او نیز دست به فریب بنی آدم بزند.^۲ بنابراین نزاع میان شیطان و بنی آدم همیشگی است.

وسوسه با شعارهای عوام پسند

سؤال دیگری که مطرح می شود این است که شیطان چگونه به هدف خود در فریب دادن بنی آدم می رسد؟ چرا آدمیان فریب او را می خورند و چگونه تن به مکر و حیلۀ او می دهند؟ برای یافتن پاسخ، باز هم به سراغ داستان خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان نماد بنی آدم در قرآن می رویم. پس از ماجرای سجده ملائکه و تمرد شیطان، خداوند متعال آدم عَلَيْهِ السَّلَام را در بهشت سکنی داد و فقط از نزدیک شدن و تناول از درختی منعشان کرد.^۳ شیطان که به عزت خداوند برای فریب آدم قسم خورده بود، در پی

۱. بیانات معظم له در جمع دانشجویان و دانش آموزان، مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۰.

۲. الحجر / ۳۶: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»

«گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که [همگان] برانگیخته می شوند، مهلت ده»

۳. البقره / ۳۵: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا

مِنَ الظَّالِمِينَ»

«و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر جای آنکه خواستید فراوان و گوارا بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید که [اگر نزدیک شوید] از ستمکاران خواهید شد.»

انجام هدف خویش برآمد و در اولین قدم، واقعیت آن درخت را دگرگون جلوه داد. او با سوءاستفاده از امیال فطری آدم علیه السلام و گرایش او به زندگی جاوید و فزون طلبی قدرت، به آن‌ها گفت که خوردن از این درخت، حیات و فرمانروایی جاودانه برای شما به همراه دارد^۱ و از همین روست که خداوند، خوردن آن را ممنوع ساخته است. سپس قسم خورد که من از سر خیرخواهی چنین پیشنهادی به شما می‌کنم.^۲ این‌گونه اولین دروغ در تاریخ هستی شکل گرفت و آدم علیه السلام از آن درخت ممنوعه چشید.

البته برای برملاشدن بیشتر نقشه شیطان و پاسخ کامل‌تر به این سؤال که چرا آدمیان از او تبعیت می‌کنند، باید دقت کرد که طبق گفته خودش، او هیچ تسلطی بر ما ندارد و نمی‌تواند هیچ‌کدام از آدمیان را مجبور به تبعیت از خودش کند.^۳ همچنانی که آدم علیه السلام را نیز مجبور به خوردن از آن درخت ممنوعه نکرد؛ ولی مسیر فریب‌دادن او از «وسوسه» می‌گذرد. در وجود انسان صداهایی است که ما را به انجام کارهای

۱. طه / ۱۲۰: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدَّبْتُكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلِّكُ لَاتِيلًا»

«پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت جاودان و سلطنتی که کهنه نمی‌شود، راهنمایی کنم؟»

۲. الأعراف / ۲۱: «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَنَاصِحِينَ»

«و برای هر دو سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم [و قصد فریب شما را ندارم].»

۳. ابراهیم / ۲۲: «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ

مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتَكُمْ فَأَسْتَجِبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ...»

«و شیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می‌گوید: یقیناً خدا به شما وعده حق داد، و من به شما وعده دادم و [من] در وعده‌ام نسبت به شما وفا نکردم. مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی نبود، فقط شما را دعوت کردم و شما [دعوتم را] پذیرفتید، پس مرا سرزنش نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید...»



مختلفی فرا می‌خواند؛ اما تشخیص اینکه این دعوت، صدای شیطانی است یا ندای رحمانی است، وظیفهٔ سخت آدمی است که گاهی غفلت یا تشخیص غلط او، موجب لغزش انسان و سلطهٔ شیطان بر او می‌شود.

سیاست گام به گام و شروع از سبک زندگی

نکتهٔ جالب دیگر در برنامه‌ریزی‌های شیطان، دوراندیشی و حوصلهٔ او در اجرای سیاست «گام به گام» است. او برای رساندن انسان به نقطهٔ تاریکی که در نظر دارد، اندک‌اندک او را با وسوسه‌هایش از مسیر اصلی دور می‌کند تا در نهایت به بیراهه بیفتد. به همین جهت قرآن کریم در چند سورهٔ مختلف ولی با تعبیر یکسان، ما را از دنبال کردن خطوات و گام‌های شیطانی برحذر می‌دارد و اعلام می‌کند که هدف او از همین گام‌های ابتدایی نیز فحشا و بدی و سیاهی است.^۱ گاهی حتی لقمهٔ کوچکی از ناپاکی که وارد سفرهٔ ما می‌شود، آغاز ورود به مسیر سیاهی است که شیطان برایمان برنامه‌ریزی کرده است. برای همین خداوند متعال در آیاتی، عمل صالح و دوری از گام‌های شیطان را به دنبال «طعام نیکو» ذکر کرده است.^۲ از همین جا اهمیت سبک زندگی دینی، برای نورانی شدن

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»
 «ای مؤمنان! از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ و هرکه از گام‌های شیطان پیروی کند [هلاک می‌شود] زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می‌دهد.»

۲. البقره / ۱۶۸: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»
 «ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است.»

المؤمنون / ۵۱: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»
 «ای پیامبران! از خوردنی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم.»

مسیر زندگی انسان معلوم می‌شود. کم‌کم واضح می‌شود چرا شریعت، برای لحظه‌به‌لحظه زندگی ما و لباس پوشیدن و غذا خوردن و نشستن و مهمانی رفتن و... آدابی دارد؟ با این توضیحات این روایت شریف نیز بهتر فهمیده می‌شود؛ امام صادق علیه السلام فرموده است:

خداوند عزوجل به یکی از انبیا علیهم السلام وحی فرمود: «به مؤمنان بگو لباس دشمنان مرا در بر نکنند و طعام دشمنان مرا نخورند و بر طریقه دشمنان من نپویند که بدین سبب آن‌ها نیز دشمن من شوند، همچنان که آنان دشمن من هستند.»^۱

آنچه تاکنون درباره برنامه اجرایی شیطان برای فریب انسان بیان شد این بود که او با «وسوسه درونی» و «سوءاستفاده از تمایلات فطری انسان»، واقعیت را تغییر می‌دهد و موضعی «خیرخواهانه» را به نمایش می‌گذارد تا انسان را با «سیاست‌های گام‌به‌گام» خود به ورطه سیاهی بکشاند. حالا تطبیق همین مطالب را در داستان خلقت آدم دنبال می‌کنیم.

برهنه‌گی؛ هدف اصلی ابلیس

شیطان که با وسوسه کردن آدم و قسم به خیرخواهی برای او و همچنین با سوءاستفاده از میل فطری او به حیات و قدرت بی‌حد، انسان را فریب داد و به سمت خوردن میوه درخت ممنوعه کشانید، در حقیقت چه هدف بعدی را از این سیاست‌های گام‌به‌گام دنبال می‌کرد؟ خداوند متعال چگونه این ماجرا را در قرآن مطرح فرموده و چه هدفی برای

۱. «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَيَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي» (شیخ صدوق، کتاب

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۵۲).



شیطان در این لایه از داستان برمی‌شمرد؟ ذکر کدام جزئیات در این داستان، تأثیرگذارتر و تأمل‌برانگیزتر است و هدف خداوند از ذکر این جزئیات چیست؟

در دو آیه از قرآن کریم، بعد از مطرح کردن خوردن از درخت ممنوعه، برکندن لباس و پدیدار شدن شرمگاه را به‌عنوان نتیجه آن خطا برمی‌شمرد.^۱ همچنین در آیه بیستم از سوره اعراف، هدف شیطان از وسوسه آدم را عریانی و آشکارشدن شرمگاه او بیان کرده است.^۲ پس طبق آیات قرآن گام‌های نخستین شیطان در فریب آدم، مقدمه‌ای برای تحقق برهنگی و عریانی بود. به همین علت است که در آیه بیست‌وششم از همین سوره، خداوند فروفرستادن لباس برای پوشاندن عریانی انسان را نعمتی از سوی خویش بر «فرزندان آدم» می‌داند و البته لباس تقوا را که زشتی‌های ظاهر و باطن را می‌پوشاند، نعمت والاتری می‌داند: «یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا»^۳

۱. الأعراف / ۲۲: «...فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا...»

«هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد»

طه / ۱۲۱: «فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا...»

«پس هر دو از میوه آن خوردند، در نتیجه شرمگاهشان بر آنان پدیدار شد.»

۲. الأعراف / ۲۰: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا...»

«پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاه بدنشان بر آنان پوشیده بود نمایان کند»

۳. الأعراف / ۲۶: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِثَاؤَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ

آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

«ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می‌پوشاند، و لباسی فاخر که مایه زینت است، برای شما نازل کردیم؛ و لباس تقوا [که از آلودگی ظاهر و باطن بازمی‌دارد] بهتر است، و این از نشانه‌های خداست، باشد که متذکر شوند.»

ای بچه‌های آدم...

حالا برگردیم به آیه‌ای که در آغاز قسمت دوم مطرح شد. خداوند در آیه بعد در همین سوره اعراف، به صورت واضح‌تری ماجرا را از داستان خلقت یک نفر به نام آدم عَلَيْهِ السَّلَام، به ماجرای خلقت همه آدمیان تسری می‌دهد. در این آیه باز هم خطاب به «بنی آدم» است تا یادآوری آن لایه از داستان را نیز در خود داشته باشد. در ادامه هم فرموده است: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا» «شیطان آنچنانی که پدر و مادر شما را از بهشت قرب حق بیرون راند، شما را نفریبد. شیطان لباس آن دو را برکند تا شرمگاهشان را بر آن‌ها بنمایاند.»^۱ شما مراقب باشید!

یک فرع فقهی در کنار هزاران فرع دیگر؟!

پس ماجرای خوردن از درخت ممنوعه و عریان شدن و رانده شدن از بهشت و هبوط بر روی زمین و...، همه جزئیاتی تأثیرگذار و سلسله‌وار از داستان خلقت آدم و در افقی وسیع‌تر، از خلقت آدمی است؛ بنابراین تکرار این ماجرا در قرآن و تکرار این جزئیات در آیات و سوره متعدد نشان می‌دهد «پوشیدگی انسان»، آن‌گونه که برخی ادعا کرده‌اند، یکی از فروع کم‌اهمیت در کنار هزار فرع فقهی دیگر نیست؛ بلکه یکی از راهبردی‌ترین اهداف ابلیس است که نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده دارد. با توجه به اهمیت این آیات، اصول کلی زیر به دست می‌آید:

۱. برهنگی و کشف حجاب، عامل خروج از جایگاه قرب الهی است؛

۱. الأعراف / ۲۷: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا» «ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد چنان که پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می‌کشد تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند.»

۲. هرگونه برنامه و تبلیغاتی که به برهنگی بیانجامد، شیطانی است؛
 ۳. هدف شیطان، برهنگی زن و مرد در برابر یکدیگر است؛
 ۴. برهنگی، نشانهٔ عدم ایمان و سلطهٔ شیطان است.^۱

سیاست ثابت اندلسی کردن

به عبارت دیگر، بسیاری از گام‌ها و برنامه‌های شیطان طراحی شده است برای رسیدن به «عریانی انسان و دوری او از بهشت قرب الهی». حتی اصرار شیطان و یاران جنی و انسی او به تغییر سبک زندگی جوامع مختلف، به نوعی نقشهٔ او برای انحراف انسان به سوی همین اهداف است. رهبر معظم انقلاب در همین باره فرموده‌اند:

سیاست امروز [آمریکایی‌ها]، سیاست اندلسی کردن ایران است! ... روزگاری مسلمانان در جنوب اروپا و در اسپانیا تا جنوب فرانسه، کشوری اسلامی به وجود آوردند. این کشور مهد تمدن شد و علم در اروپا از همان تمدن اندلسی قرون اولیهٔ اسلام شکوفا گردید... اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آن‌ها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا، انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستان‌هایی [مزارع انگور] را وقف کردند تا شراب آن‌ها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آن‌ها را به

۱. نک: محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۶.

شهوات آلوده کنند. گذشت زمان راه‌های اصلی برای فاسد یا آباد کردن يك ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آن‌ها همین کار را می‌کنند.^۱

زن، زندگی، آزادی

خلاصه آنکه این‌گونه با مرور دوباره آیات خلقت آدم و تدبیر در ارتباط این آیات با وجود خودمان، با نور هدایت آیات قرآن، افق‌هایی در برابر دیدگان ما گشوده شد که جزئیاتی از وسوسه شدن و خوردن میوه درخت ممنوعه و آشکار شدن شرمگاه و... معنایی گسترده‌تر یافت. آموختیم یکی از اهداف راهبردی ابلیس، کشاندن انسان به برهنگی و برکندن لباس از اوست. حال خیلی بهتر می‌توانیم علت اصرار غرب در ترویج فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی را درک کنیم. دشمنان فهمیده‌اند که راه سلطه بر ما نظامی، اقتصادی و سیاسی نیست لذا با طراحی یک جنگ تمام‌عیار ترکیبی با بهره‌گیری از انواع سلاح‌های فرهنگی و رسانه‌ای در تلاش هستند با تعریفی مبتذل از «زن، زندگی، آزادی» جسم و دامن مادران و زنان ایرانی را از حجاب، عفت و عزت خالی کنند. با تدبیر در این آیات غلط بودن این تفکر که بحث لباس و حجاب یک بحث غیرمهم است کاملاً واضح می‌گردد. حال بهتر متوجه می‌شویم که قرآن کتاب هدایت است و نه کتاب داستان و تاریخ و...؛ بنابراین هرچه در اوست برای هدایت آدمی و پاسخ به مسائل اصلی زندگی او تدوین شده است. پس باید خود را مخاطب آیاتش ببینیم و در آن‌ها تفکر کنیم و آیاتش را تبیین و تبلیغ کنیم و با یافتن پاسخ پرسش‌های مهم زندگی بشر، این معارف را به دیگران نیز برسانیم. این وفای به همان عهدهی است که خدا از ما گرفته است...

۱. بیانات معظم‌له در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۶.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا

لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ

الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام / ۱۱۲)

و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل، ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القا می کنند، و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند؛ پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می بافند واگذار.

**۳. حرف های خوشگل
مزخرف!**

* وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١٣﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَٰيْطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى الْبَعْضِ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٤﴾ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ ﴿١١٥﴾ أَفَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٦﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّل لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٧﴾ وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَكُمْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٨﴾ إِنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ فَكُلُوا مِمَّا دُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾



تلاوت کنیم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ کنیم

آیا ابلیس تنهاست؟

در قسمت پیشین با دقت در آیات قرآن، داستان خلقت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را با فهمی عمیق‌تر بررسی کرده و گفتیم که این داستان فقط مربوط به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ نیست و به کل داستان خلقت آدمیان برمی‌گردد. همچنین بیان شد که دشمنی شیطان، نه با شخص حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، بلکه با کل آدمیان است و او به عزت خداوند قسم خورده است که ما را بفریبد و لباس از بنی آدم برگیرد. حال سؤالی که در ادامه مطرح می‌شود دربارهٔ چگونگی این فرایند است. آیا شیطان دست‌تنهاست یا نیروهایی در هستی او را کمک می‌کنند؟ این نیروهای کمکی از جنیان و یا آدمیان‌اند؟ آیا اینان با یکدیگر مشورت فکری هم می‌کنند؟ دامنهٔ شیطنت شیاطین چه میزان است و ابزار آن‌ها در این شیطنت کدام است؟ فارغ از تقابل فردی، تقابل کلی نور و ظلمت در هستی توسط چه امت‌هایی و چگونه پیش می‌رود و نقش ما در این تقابل چیست؟

باز هم برای جواب‌دادن به سؤالات تأثیرگذار زندگی‌مان به سراغ



بشنویم

قرآن کریم می‌رویم. در قسمت پیشین با دقت در داستان خلقت آدم، روشن شد که مقابله انسان و شیطان، نزاعی همیشگی خواهد بود. به همین دلیل است که خداوند متعال در آیه ۱۱۲ از سوره مبارکه انعام که چند سطر پیش‌تر ترجمه شد، فرموده است که برای هر نبی، دشمنانی از شیاطین جن و انس قرار می‌دهد: «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ». پس خداوند، اصل مقابله انبیا عليهم السلام و امت‌های ایشان با شیطان را برنامه‌ریزی کرده است، وگرنه قدرتی بالاتر از قدرت او نیست و اگر خدا اراده می‌کرد، اینان هیچ کاری پیش نمی‌بردند: «وَأَوْشَاءَ رَبِّكَ مَا فَعَلُوهُ»؛ اما خدا شیطان را مهلتی داده تا بدین‌وسیله آزمون‌هایی را پیش پای مردم قرار دهد و عزم آن‌ها را در پیمانی که با خدا بسته‌اند، بیازماید و از این راه، مؤمن و کافر بازشناسایی شوند.

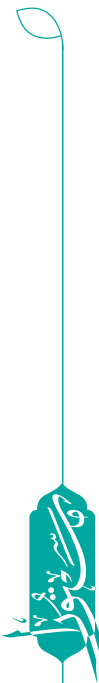
چنانکه در آیه کریمه اشاره شده است، شیطان در این منازعه تنها نیست و یاورانی دارد. اولین بخش از لشکر شیطان، شیاطین جن هستند. طبق آیات قرآن کریم، ابلیس هم ذریه دارد^۱ و هم سپاهیان و لشکریانی.^۲ اما در این آیه از شیاطین انسی هم سخن گفته شده است؛ مگر می‌شود انسانی به شیطان تبدیل شود؟ قرآن کریم در آیات مختلف، گام‌های این تغییر انحرافی را چنین بیان کرده است. اولین گام سقوط انسان، قبول وسوسه شیطان است.^۳ در گام بعدی هرکس که وسوسه

۱. الکهف / ۵۰: «...أَفْتَحِدُوهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي»

۲. الشعراء / ۹۵: «وَجُنُودٍ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ»

۳. الناس / ۵: «الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»





بر او اثر گذاشت از یاران شیطان و «إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» شده^۱ و در نهایت هم خودش شیطان می‌گردد «شَيَاطِينِ الْإِنْسِ»^۲ و به شیطنت در تقابل با مسیر پیامبران عليهم السلام و مؤمنین می‌پردازد.

شبکه به هم پیوسته شیطان

حال سؤال بعدی این است که رابطه این شیاطین جن و انس با یکدیگر چگونه است؟ آیا در یک جبهه متحدند و با هم هم‌فکری و همکاری می‌کنند؟ طبق آیه‌ای که در ابتدای این قسمت بیان شد، پاسخ باز هم مثبت است. این شیطان‌های جنی و انسی به یکدیگر چیزی القا می‌کنند: «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ»، گویا در شبکه‌ای ظلمانی، شیاطین جنی به وسیلهٔ وسوسه به شیاطین انسی وحی می‌کنند و شیاطین انسی هم برای اینکه فریب دهند یا برای اینکه خود، فریب آن را خورده‌اند آن وحی را به‌طور مکر پنهانی به همدیگر می‌رسانند.^۳ از اینجا فهمیده می‌شود مخالفان انبیا، تبلیغات درون‌گروهی داشته و روش‌های شیطنت را به یکدیگر می‌آموزند.^۴

حرف‌های باطل مزخرف

گام بعدی در فهم شبکهٔ اقدامات شیطان، محتوای این القائات شیاطین است. در قسمتی از آیهٔ بیان‌شده، محتوای این القائات را نیز در عبارت «زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» بیان کرده است: «حرف‌های باطل مزخرف»! البته

۱. الإسراء / ۲۷.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۳۳ و ۵۳۴.

۳. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۲۲.

۴. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۳۴.



باید دقت کرد ما فارسی‌زبانان کلمه «مزخرف» را بیشتر در معنای حرف باطل استفاده می‌کنیم؛ ولی در زبان عربی، به معنای «تزیین شده» است.^۱ پس «زخرف قول» آن گفتاری است که واقعیت را بر انسان مشتبه سازد و آدمی را به اشتباه بیاندازد.^۲ بنابراین محتوای القائنات شیاطین به یکدیگر، «گفتاری باطل، ولی به‌ظاهر آراسته و دلپسند» است؛ تحفه‌های سیاهی که در کاغذرنگی پیچیده شده و کلاغ‌هایی که به رنگ زرد قناری درآمده است!

با توجه به آیه و مطالب پیش‌گفته، فضای ایجادشده در ذهن مخاطب این است که خداوند متعال در مقابل هر گروه از اهل حق در طول تاریخ، حریف و مبارزی به نام گروه شیاطین قرار داده است که جن و انس می‌توانند به عضویت آن درآیند. ترفند این گروه شیاطانی این است که حرف‌های باطل به‌ظاهر زیبا القا می‌کنند. از همین قسمت، سؤال بعدی رخ می‌نمایاند که در زمانه پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این شیاطین انس که بودند و در زمانه ما که هستند و ابزارشان چیست و چه می‌کنند و ما در مقابل باید چه کنیم؟ برای پاسخ به این سؤالات باز هم به سراغ آیات نورانی قرآن می‌رویم.

قوم پای کار ابلیس

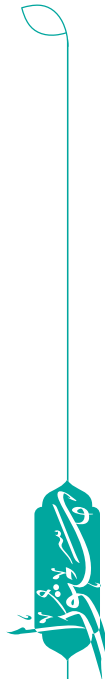
آیات بسیاری از قرآن کریم، اشاره به سرگذشت قومی عجیب دارد. قومی که خدا آن‌ها را بر دیگر اقوام برتری داد^۳ و نعمت‌هایی به آن‌ها بخشید که

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۳۲.

۲. محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۷، ص ۴۴۲.

۳. البقره / ۴۷: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»

«ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید.»



در هیچ قوم دیگری سابقه نداشت.^۱ خداوند متعال آزمون‌های متفاوتی از آن‌ها گرفت و بارها از سر تقصیرات آن‌ها گذشت تا اینکه مأمور به فتح سرزمین مقدس شدند. اما اینان به وعده نصرت خدا ایمان نیاوردند و با سرباززدن از فرمان جهاد، بهانه آوردند که در این سرزمین، گروهی سرکش وجود دارند و اگر آن‌ها بروند، ما به آن سرزمین می‌رویم! بعد هم خطاب به جناب موسی عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: «تو و برادرت بروید و بجنگید و ما اینجا نشستیم!»^۲ این عهدشکنی باعث شد تا پیامبر این قوم از آن‌ها نفرت پیدا کند و در معرض غضب خداوند قرار بگیرند، چهل سال به سرگردانی و بیابانگردی دچار شوند و به قول قرآن از «قوم برگزیده» به «قوم فاسقین» بدل گشتند!^۳

این مقدمه کوتاهی بود برای بیان سرنوشت قومی که روزگاری علم‌دار جبهه حق بودند؛ ولی با نافرمانی از ولی الهی، از ولایت الهی خارج شده و تحت ولایت شیطان قرار گرفتند. شیطان به این حد هم راضی نشد و سقوط آن‌ها در سیاهی، به حدی بود که قرآن، دشمن‌ترین امت‌ها در مبارزه با مؤمنین را همین قوم یهود و صهیونیست‌های امروز معرفی

۱. المائده / ۲۰: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ تُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»

«و [یاد کنید] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکمان و فرمانروایان ساخت، و به شما نعمت‌های ویژه‌ای داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداد.»

۲. مائده / آیات ۲۰ تا ۲۶.

۳. مائده / ۲۶: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

«[خدا] فرمود: این سرزمین مقدس [به کیفر نافرمانی از خواسته‌های حق] تا چهل سال بر آنان حرام شد، همواره در طول این مدت در زمین [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه نافرمان و بدکار غمگین مباش.»



می‌کند.^۱ آن‌ها نه تنها اسلام را به آسانی قبول نکردند، بلکه مدت‌ها در جهالت و جمود خود پافشاری کردند، مکر و خدعه به کار بردند، عهدشکنی‌ها کردند و خواهان بلا و مصیبت مسلمین بودند؛ برای همین همچون مشرکان، با لجاجت و پافشاری در استکبار، در ردیف دشمنان اصلی جبههٔ حق قرار گرفتند.^۲

امپراطوری رسانه‌ای

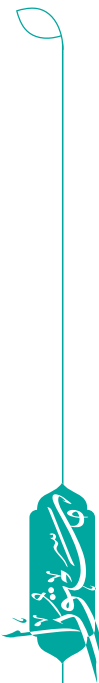
پس طبق آیات قرآن، برای مقابله با هر پیامبری، شیاطین جن و انسی گمارده شده است که با حرف‌های باطلِ تزیین‌شده، مؤمنان را به اشتباه بیندازند. همچنین بیشترین دشمنی و شیطنت در مقابل امت نبی ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، متعلق به یهود است که این شیاطین انس، با نقشهٔ هدایتِ امت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مبارزه و مقابله می‌کنند و ابزارشان نیز همان حرف‌های باطلِ آراسته است. امروزه یهودیانی که در زمرهٔ سپاه شیطان درآمده‌اند، از تمام ابزارهای امپراطوری رسانه‌ای برای فریب‌کاری و ایجاد خطای محاسباتی در جبههٔ حق استفاده می‌کنند. در بخشی از پیمان‌نامهٔ پنجم بزرگان صهیون به این مطلب اعتراف شده است:

به جای فرونشاندن احساسات و عواطف برافروختهٔ ملت‌ها، از این احساسات به نفع خود بهره‌برداری کنیم و جریان افکار و آرا را در اختیار خود بگیریم و به جای مبارزه با آن‌ها و کوشش برای ریشه‌کن کردن نشان، آن‌ها را به‌گونه‌ای که با ما و اهدافمان مناسبت

۱. المائدة / ۸۲: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَتْرَكُوا...»

«یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت.»

۲. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمهٔ سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۶، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.



داشته باشد، بازگو کنیم. هدف اصلی از این رهبری ما این است که اذهان عمومی را با انتقاد و عیب‌گیری سست و ناتوان کنیم و آن‌ها را از راه تفکر جدی و استوار که بالاخره به مقاومت در برابر ما منجر می‌شود، منحرف سازیم و فعالیت اذهان را از این راستا باز داریم و آن‌ها را به میدان جنگ‌های ظاهری که در آن‌ها سلاح نطق و خطابه است، وارد کنیم.^۱

اغوا و خطای محاسباتی

تصویرسازی غلط از واقعیت برای ناامیدی جبهه حق، در این جریان سابقه‌دار است. قرآن کریم بیان می‌کند که موقع مبارزه با فرعون و هجرت بنی‌اسرائیل، همان زمانی که جناب موسی عَلَيْهِ السَّلَام قومش را به همراه بودن خدا با آنان امیدواری می‌داد^۲، عده‌ای مدام چنین القا می‌کردند که فرعونیان به ما رسیدند و کارمان یکسره شده است!^۳ امروزه نیز صهیونیست‌های یهودی، با تسلط بر ابزار رسانه و تبلیغات و با ایجاد و حمایت از شبکه‌های مختلف رادیویی، تلوزیونی، فضای مجازی و...، باز هم واقعیت را وارونه القا می‌کند و با کادوپیچ کردن حرف‌های بی‌اساس و ایجاد خطای محاسباتی، جریان پیروز و نزدیک به قله را، ملتی ناتوان و بحران‌زده و ناامید معرفی می‌کند تا با القای ضعف، بر آن‌ها سلطه فکری و فرهنگی و سیاسی یابد. آنان همچنین خود را مصلح و ناجی بشر معرفی می‌کنند و بر جنایات اربابان

۱. عجاج نویهض، پروتکل‌های دانشوران صهیون، برنامه عمل صهیونیسم جهانی، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۵، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷.

۲. الشعراء / ۶۲: «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»

۳. الشعراء / ۶۱: «...إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»



خود پرده می‌افکنند. به بهانه حقوق بشر، حیاتی‌ترین حقوق بشر را نقض می‌کنند و حکومت چپاولگر سرمایه‌داران و اسارت و استعمار ملت‌ها را دمکراسی و لیبرالیسم و طرف‌دار آزادی می‌نامند.

رهبر معظم انقلاب این نقشه را چنین روشنگرانه برملا می‌کند:

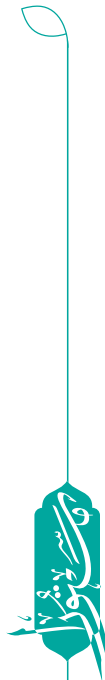
دشمنان اسلام برای جذب دل‌های افراد غافل، پرچم حقوق بشر و ضدیت با تروریسم را بلند کرده‌اند؛ این در حالی است که خود آمریکا و صهیونیست‌ها و خود این مستکبران بیشترین نقض حقوق بشر را انجام داده‌اند و دنیا را جریحه‌دار کرده‌اند...^۱ شیطان بزرگ که خود مجسمه شرارت و قساوت بر ضد بشر است، پرچم طرف‌داری از حقوق بشر را بلند کرده است...^۲ کسانی حرف حقوق بشر را می‌زنند که گوئتاناموی آن‌ها عرق شرم بر پیشانی هر انسان باشرقی جاری می‌کند...^۳ دنیای جذابی را که غربی‌ها تصویر می‌کنند - که در آن، حقوق بشر و آزادی و رأی وجود دارد - ما در طول دوران پهلوی در زندگی خود دیدیم. معنای دمکراسی و حقوق بشر آن روز را فهمیدیم. خود آمریکایی‌ها، برای ایجاد وحشتگاه‌های ساواک و شکنجه‌گاه‌ها و ابزارهای شکنجه و روش‌های شکار جوانان مردم و سرکوب ملت، با رژیم پهلوی همکاری کردند! این آن لیبرال دمکراسی‌ای است که امروز به مردم دنیا وعده می‌دهند و رادیوهایشان تبلیغ می‌کند که بشتابید به سوی این؛ ای ملت‌های جهان سوم!^۴ امروز آرایش

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، مورخ ۱۳۸۴/۲/۶.

۲. همان، مورخ، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

۳. همان، مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۴. همان، مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۴.



رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است^۱... رسانه‌های غربی با برنامه‌ریزی‌های میلیاردی، در تبلیغات رسانه‌ای خود، چه در تلویزیونشان، چه در رادیوشان... تاریخ شما را هم منکر می‌شوند؛ می‌خواهند گذشته شما را هم زیر پا لگد کنند؛ نه فقط تاریخ قدیم چند صدساله را، بلکه تاریخ بیست ساله اخیر را هم می‌خواهند زیر پا لگد کنند و آن را انکار نمایند... برای اینکه کسی را به زیر مهمیز بکشند، بهترین راه این است که بگویند تو چیزی نیستی، تو کسی نیستی و گذشته‌ای نداری؛ مفاخر يك ملت را انکار می‌کنند. برای اینکه او احساس کند چیزی نیست.^۲

خوب است مطالب این بخش را مرور کنیم:

۱. شیطان، دشمن قسم‌خورده انسان، تنها نیست و لشکریانی از جن و انس به‌همراه دارد که در شبکه‌ای ظلمانی، محتوای شیطانی را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

۲. راهبرد شیطان برای اغوا و شیطانی‌کردن انسان، تزیین حرف‌های باطل و استفاده از تمام ابزارهای امپراطوری رسانه‌ای برای فریب‌کاری و ایجاد خطای محاسباتی در جبهه حق است.

۳. قوم بنی‌اسرائیل که زمانی پرچم‌دار جبهه حق بودند، در نتیجه نافرمانی از دستورهای الهی، به لشکر شیطان پیوستند و در مقابل جریان حق صف‌آرایی کرده‌اند و همان اهداف ابلیس را پیگیری می‌کنند.

۱. همان، مورخ ۱۳۸۳/۰۲/۲۸.

۲. همان، مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۲.



ما کجای این نقشه در عالم ایستاده‌ایم؟

حال باید جایگاه و نقش خودمان در برابر این جریان شیطنت در عالم برای القای حرف‌های باطل تزیین شده و آراسته را پیدا کنیم. وظیفه ما در برابر دشمن‌ترین قوم با امت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، یعنی یهودیان و سلطنت آن‌ها بر امپراطوری رسانه‌ای و تبلیغاتی که با ایجاد خطای محاسباتی، سعی در اغوا و فریب جریان حق دارد چیست؟ در مقابل این سرمایه‌داران شهوت‌پرست، که می‌خواهند با ترویج مسائل جنسی، بشر را به عربانی و کشف حجاب بکشانند، چه اقدامی باید انجام دهیم؟ ما کجای این نقشه در عالم ایستاده‌ایم...؟

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ
أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ﴾ (روم/ ۲۱)

از نشانه‌های او این است که برایتان از نوع خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان به آرامش برسید. بین شما هم، محبت و مهربانی قرار داد. در این، برای مردمی که فکرشان را به کار بیندازند، نشانه‌هایی از یکتایی خداست.

۴. اتاق جنگ!

۱. شاید در نگاه اول این تیتربرای این آیه تعجب برانگیز باشد. اما با مطالعه کتاب متوجه خواهید شد که خانواده، بهترین سنگر برای مبارزه و جنگ با لشکریان ابلیس است.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ ﴿١٦﴾ فَسَبِّحْنَا اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ
وَحِينَ تُمْضُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
﴿١٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافُ السِّنِّتِكُمْ وَالْوَالِدِكُمْ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ
خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾



تلاوت كنيم

نكات حفظ



ترتيل



حفظ كنيم

مَوَدَّةٌ: دوستی و محبت

لَسْتُكُنُوا: تا آرامش یابید



بیاموزیم

یادداشت

A series of horizontal dashed lines for writing, spanning the width of the page below the header.

داستان بچه‌های آدم

در نخستین بخش کتاب، از قول و قرار محکمی که خداوند در خصوص فهم و تبیین کتابش از ما گرفته و از اندازی که از شکستن این پیمان می‌دهد، گفتیم و نتیجه گرفتیم برای پاسخ به سؤالات مهم زندگی باید به سراغ قرآن رفت و آن معارف روح‌بخش را برای عموم مردم بیان کنیم. سپس از دشمنی ابلیس با حضرت آدم علیه السلام، درسی همیشگی برای بشر گرفتیم و از نزاع تاریخی انسان و شیطان پرده برداشتیم. در ادامه حیلۀ شیطان برای سوءاستفاده از میل فطری انسان به حیات و قدرت جاودانه، در راستای اخراج او از بهشت را به بحث گذاشتیم و هدف شیطان برای فریب دادن آدم را طبق آیات قرآن، برکندن لباس و عریانی او بیان کردیم. سپس همکاری و هم‌فکری شیاطین جن و انس برای القای حرف‌های باطل آراسته را به عنوان راهبرد فریب او آشکار ساختیم و آیات سقوط قوم نفرین‌شده یهود و دشمنی شدید آن‌ها با مؤمنین برای ایجاد خطای محاسباتی به وسیلۀ ابزار تبلیغات و رسانه را دنبال کردیم. با این



بشنویم

توضیحات روشن شد که یکی از سیاست‌های اصلی رسانه‌های شیطان در عصر ما، تلاش برای عریانی انسان است. این امپراطوری رسانه‌ای با سردمداری یهودیان سعی می‌کند تا پوشیدگی انسان را هدف قرار دهد و با ترویج مسائل جنسی، او را از بهشت قرب حق اخراج کند.

اتاق جنگ با ابلیس

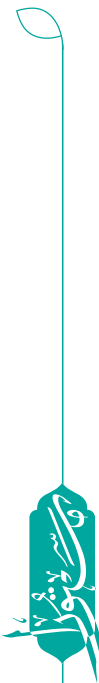
حال سؤال این است که آیا خداوند متعال، در برابر چنین لشکر مسلحی از شیاطین انس و جن، انسان را بی‌پناه رها کرده است؟ آیا هیچ طرحی برای مقابله او با شیطنت این شیاطین ارائه نفرموده و راهکاری پیش پای انسان قرار نداده است؟ باز هم برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، سراغ آیات خلقت آدم می‌رویم.

آرامش از دست رفته

در همان سوره مبارکه بقره، خداوند متعال خطاب به آدم امر می‌کند که به همراه همسرش در بهشت سُکَنی گزیند: «**اَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ**»^۱ «سُکَنی» از ریشه «سَكَنَ» و مصدر آن «سکینه» و به معنای قرارگیری در حالت آرامش و راحتی است. پس منظور از تعبیر «**اَسْكُنْ**» صرفاً اقامت‌گزیدن نیست؛ بلکه آن استقراری است که در آن آرامش و اطمینان قلبی وجود دارد. با وسوسه شیطان و خروج انسان از بهشت، خداوند هبوط انسان به زمین را همراه با آغاز عداوت و ناآرامی

۱. البقره / ۳۵: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...»

«و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید.»



بیان می‌کند.^۱ یعنی ابلیس، انسان را به خوردن از میوهٔ درخت ممنوعه و سوسه می‌کند تا با خروج از پوشیدگی و اخراج از بهشت، او را از فضای سکینه و آرامش خارج کند. در واقع، یکی دیگر از سلسله اهداف و نتایج سیاست گام به گام ابلیس، «سلب آرامش از انسان» است.

سؤال دیگر آنکه نسخهٔ خداوند برای خنثی کردن این طرح ابلیس و پدید آوردن آرامش برای انسان چیست؟ چه پدیده‌ای انسان را از پریشانی به سمت سکینه و آرامش سوق می‌دهد و این طرح ابلیس را خنثی می‌کند؟

راه نجات از پریشانی شیطان

باز به قرآن، این یگانه نسخهٔ نجات بخش بشر مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم خداوند برای نجات انسان از پریشانی و دوری از دام‌های شیطان، نهادی را مشخص کرده است. در آیه‌ای که ابتدای این قسمت بیان شد، آفرینش همسر نعمت بزرگ خدا برای سکینه و آرامش انسانی و از بزرگ‌ترین آیه‌های الهی است؛ از این رو، خانواده «بزرگ‌ترین نهاد مقابله با شیطان» است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». قرار گرفتن انسان در کنار همسرش و در نتیجه تشکیل خانواده، ایجاد نهادی برای مقابله با شیطان است که می‌خواهد با ایجاد انحراف در میل جنسی، انسان را به تشویش و ناآرامی بیاندازد. شیطان از سویی در پی سوءاستفاده از میل جنسی انسان و عریانی او و دوری‌اش

۱. البقره / ۳۶: «فَأَزْوَاجَهُمَا شَيْطَانٌ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ...»
 «پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزاید و آنان را از آنچه در آن بودند بیرون کرد و ما گفتیم: در حالی که دشمن یکدیگرید فرود آیید...»



از بهشت قرب حق و ناآرام کردن درون اوست و از سوی دیگر، انسان در چارچوب خانواده، میل فطری‌اش را به مسیر درستی هدایت کرده و با پاکدامنی، پوشیدگی و همچنین ضابطه‌مندی^۱ و کنترل هیجانات، آرامش را به دست خواهد آورد و این‌گونه می‌تواند با نقشه‌های شیطان به مقابله برخیزد.

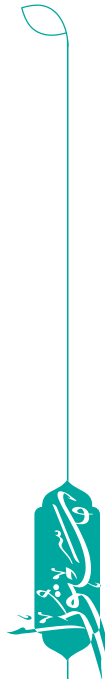
جالب اینجاست که خدا به همین نعمت همسرگزینی اکتفا نکرده و نعمت دیگری را نیز به انسان ارزانی داشته است و آن هم «مودت و رحمت» در عرصه خانواده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ یعنی خداوند برای آرامش بیشتر انسان در راستای تنظیم مثبت روابط زن و مرد و استحکام خانواده، این نهاد ضدشیطانی، مودت و رحمت را نیز در نهاد خانواده جاری کرده است. در توضیح معنای «مودت»، باید گفت مودت، خواستن و تمایل شدید برای رسیدن به چیزی است که دوستش دارند.^۲ «رحمت» نیز به معنای حالتی در دل است که فرد را وادار می‌سازد تا نقصی را رفع کند.^۳ با این توضیح، کشش و جاذبه‌ای که به همسر برای تکامل در چارچوب خانواده وجود دارد، به نوعی امداد آسمانی برای نهاد خانواده است. شاید به همین دلیل در انتهای همین آیه، خداوند بعد

۱. المؤمنون / ۵ تا ۷: «وَالَّذِينَ هُمْ يُغْفِرُوهُمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمَآذُونَ»

«و مؤمنین‌اند [آنان که نگه‌دارنده دامنشان [از شهوت‌های حرام] هستند. مگر در [کام‌جویی از] همسران یا کنیزانشان، که [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند؛ پس کسانی [که در بهره‌گیری جنسی، راهی] غیر از این جویند، تجاوزکار [از حدود حق] هستند.

۲. راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۱۴۳.

۳. ابوهلال عسکری، الفروق فی اللغة، ص ۱۸۹.



از یادآوری این نعمت‌ها، فرموده است که در آن‌ها نشانه و رموزی برای اهل تفکر قرار دارد: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱.
مرحوم علامه در توضیح آرامش ناشی از تکامل هریک از زن و مرد در چارچوب خانواده چنین فرموده است:

هریک از زوجین فی نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود، و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند، و چون بدان رسید آرام می‌شود؛ چون هر ناقصی مشتاق به کمال است، و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است.^۱

خنثی سازی پروژۀ ابلیس

با این توضیحات، سرّ سفارش و تأکیدات دینی بر ازدواج روشن می‌شود. قرآن کریم، آن‌گونه که در قسمت‌های بعدی ذکر خواهد شد، مؤمنین را به ازدواج مردان و زنان بی‌همسر در جامعه دینی امر کرده است.^۲ پسر و دختری که ازدواج می‌کنند، در حقیقت شیطان را ناامید کرده و نیمی از دین خویش را حفظ کرده‌اند.^۳ در مقابل، کسی که به عمد از ازدواج دوری می‌کند، عضوی از گروه شیطان نام برده شده^۴ و همچنین

۱. محمدحسن طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. النور/ ۳۲: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

«مردان و زنان [بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهی دستند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست»

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (کلبی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹).

۴. «تَزَوَّجَ وَالْإِفْأَتُ مِنَ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱).



بدترین گروه امت پیامبر ﷺ نیز در روایات، مجردهای گریزان از ازدواج معرفی شده‌اند.^۱

وعده فراموش شده

با توجه به عبارت «...إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» در آیه ۳۲ سوره مبارکه نور، یادآوری این نکته ضروری است که ازدواج نکردن به بهانه تنگ دستی و فقر، ترسی بی دلیل است و خود خداوند متعال وعده داده است که از فضلش می بخشد.

خانواده متلاشی

رهبر معظم انقلاب درباره ثمرات تمدنی پاک دامنی انسان‌ها و فروپاشی نهاد خانواده در غرب فرموده‌اند:

در طول چند ده سال، آنچنان فساد و بی بندوباری در غرب به وسیله آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد! امروز دل سوزان و مصلحان، انسان‌های خردمند و بانگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلو آن را بگیرند... با بی بندوباری، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد. مردی که می‌تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت کند و زنی که می‌تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، هرگز در خانواده، همسران خوب و شایسته‌ای نخواهند بود. لذا بساط خانواده متلاشی شد. امروز یکی از بزرگ‌ترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت

۱. «خِيَارُ أُمَّتِي الْمُتَأَهِّلُونَ وَ شِرَارُ أُمَّتِي الْعَرَابُ» (همان).

گرفته و آن‌ها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسئله خانواده است... متأسفانه غرب، خانواده، یعنی کانونی را که برای مرد و زن و به خصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده است. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند. بسیاری از مردان، زن موردعلاقه و موردنظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواج‌ها در اولین سال‌های پیدایش از بین می‌رود. خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کمتر در غرب دارند... زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط... بر جامعه بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد.^۱

انحطاط اخلاقی امروز غرب، طبق آمار و ارقام بر پایه زوال خانواده اتفاق افتاده است. کاهش رغبت به ازدواج و افزایش نرخ طلاق^۲، ایجاد افسردگی پس از فعالیت نامشروع جنسی و... از جمله مواردی است که جوامع غربی اکنون با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند.^۳

وقت آن رسیده از خواب گران بیدار شویم؛ چراکه شیطان از غفلت انسان‌ها بهره می‌برد و نقشه‌های خود را با لشکریان انسی و جنی خود، گام‌به‌گام اجرا می‌کند.

۱. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از زنان، مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۰.
۲. کشورهای اروپایی با آمارهای خیره‌کننده‌ای در صدر جدول نرخ جدایی در جهان قرار دارند؛ پرتغال با ۹۴ درصد و اسپانیا با ۸۵ درصد نرخ طلاق در جایگاه اول و دوم قرار دارند؛ یعنی از هر صد خانواده فقط شش خانواده متلاشی نمی‌شود که آمار خیره‌کننده‌ای است.
۳. امروزه در آمریکا، از هر ده ترک تحصیل هفت مورد، از هر ده فراری و بی‌خانمان نه مورد، از هر ده بزهارکار و جوان زندانی هشت و نیم مورد؛ از هر ده معتاد حاضر در مراکز ترک اعتیاد هفت و نیم مورد؛ از هر ده متجاوز هشت مورد، از هر ده خودکشی جوانان شش مورد و از هر ده بارداری نوجوانان هفت مورد از کسانی هستند که پدر ندارند و بدون خانواده زندگی کرده‌اند.

برای مثال در اوایل قرن بیستم، روان‌پزشکان، هم‌جنس‌گرایی را نوعی بیماری لاعلاج و از اختلالات رفتار جنسی می‌دانستند؛^۱ اما شیطان با نقشه گام به گامش برای سوءاستفاده از میل طبیعی جنسی انسان، با طبیعی‌انگاری اصل‌گرایش به هم‌جنس در برخی از افراد و با فشار پُرحجم رسانه‌ای و اجتماعی، هم‌جنس‌گرایی را از فهرست اختلالات حذف کرد و حتی اکنون این عمل شیطانی، از حقوق افراد تلقی می‌شود! و چقدر خداوند متعال آگاهانه برای مقابله با این ناآرامی، برنامه ازدواج را ارائه کرده است؛ به بیان دیگر، ازدواج و تشکیل خانواده و ایجاد محبت بین همسران راهکاری برای به‌دست‌آوردن آرامش است.

زن، زندگی، آزادی

پس آرامش انسان، مرهون اجرای برنامه الهی ازدواج در قالب نهاد خانواده است که «زندگی»، آرام و «آزادگی» را برای «زن» و مرد به همراه دارد. نسخه‌های دیگر برای «زن، زندگی و آزادی»، انحرافات هستند که آرامش دنیایی و سعادت اخروی زن و مرد را به مخاطره می‌اندازند؛ بیراهه‌هایی که توسط ابزار رسانه‌های شیاطین انسی، مدام ترویج و تبلیغ می‌شوند و با سوءاستفاده از امیال فطری بشر، هرزه‌گردی و عریانی و پریشانی و متلاشی‌شدن نهاد خانواده را برای او به همراه دارند. انهدام سنگر خانواده هم در حقیقت از بین رفتن پادگان مبارزه‌کنندگان با شیطان است....

۱. انجمن روان‌پزشکان آمریکا (APA) این مسئله را در نسخه اول راهنمای تشخیصی آماری اختلالات روانی (DSM) جزء اختلالات رفتار جنسی طبقه‌بندی کرد.



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا
يَعُصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶)

ای مؤمنان، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند.

۵. پدافند غیرعامل!

۱. پدافند غیرعامل یا پدافند ناکنش‌گر نوعی دفاع غیرنظامی است؛ و به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که به جنگ‌افزار نیاز ندارد و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات و تلفات انسانی جلوگیری نموده یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد.

سُورَةُ الرَّحْمٰنِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا حَلَّلَ اللّٰهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ وَاللّٰهُ
عَفُوٌّ رَّحِيْمٌ ① قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ مَحَلَّةَ اَيْمَانِكُمْ وَاللّٰهُ مُوَلِّدُكُمْ وَهُوَ
الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ② وَاِذَا اَسْرَ النَّبِيُّ اِلَىٰ بَعْضِ اَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَاَمَّا
نَبَاتٌ بِهٖ وَاظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَاَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَاَمَّا
نَبَاتُهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَايَ الْعَلِيْمِ الْحَيْرِ ③ اِنْ
تَوْبًا اِلَىٰ اللّٰهِ فَقَدْ صَعَتِ قُلُوْبُكُمْ وَاِنْ تَظَاهَرَ عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ
هُوَ مُوَلِّدُكُمْ وَجَبْرِیْلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ
ظٰهِيْرٌ ④ عَسَىٰ رَبُّهٗ اِنْ طَلَّقْتُمْ اَنْ يُبَدِّلَهُ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُمْ
مُّسَلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قٰنِتَاتٍ تَلْبَسْنَ عِبْدَاتٍ سَابِحَاتٍ نَّيْبَاتٍ
وَاَبْكَارًا ⑤ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا
وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ
لَّا يَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَا اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ⑥ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا لَا تَعْتَدِرُوْا الْيَوْمَ اِنَّمَا تُحْجَرُوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ⑦



تلاوت كنیم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ كنیم

نبردی به وسعت تاریخ

سخن قرآن با ما به اینجا رسید که دشمن آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، دشمن همه بنی آدم است و ما نیز باید با او دشمنی کنیم. او به دنبال فریب ماست و قسم خورده است که سر راه مستقیم خدا بنشیند و آدمی را بفریبد و در این راه، لشکری از جن و انس فراهم آورده است. چنانکه در قالب نمادگونه در داستان خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان شده است، لشکر شیطان نیز به دنبال تغییر سبک زندگی آدمی اند تا با فریب او و نزدیک کردنش به خط قرمزهای خدا، با سوءاستفاده از امیال طبیعی آدمی، گام به گام او را به عریانی و دوری از بهشت قرب حق بکشانند و این گونه آرامش انسان را سلب کنند. در مقابل، خداوند متعال به آدمی راهکاری داده است که می تواند در چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت را در این نهاد اجتماعی جاری کرده و افزون بر به کارگیری صحیح امیال فطری، مسائل جنسی را نیز مدیریت کند و به آرامشی برسد که دقیقاً نقطه مقابل نقشه شیطان در هستی است.



بشنویم

شکر نعمت

اما همان‌طور که شکر هر نعمتی واجب است، سؤال این است که در قبال نعمت آرامش در کنار همسر و همچنین جاری‌شدن مودت و رحمت در نهاد خانواده، خداوند چه انتظاری از ما دارد؟ در مقابل، شیطان برای برداشتن مانع از پیش پای نقشه‌هایش، چگونه سعی می‌کند تا سنگر مستحکم خانواده را منهدم کند؟ و آنگاه وظیفه ما برای پاسداری از این نهاد چیست؟ چگونه باید راه‌های نفوذ شیطان را سد کنیم و او را ناامید سازیم؟ و راهکار عملیاتی خداوند در این پدافند غیرعامل، برای کم‌کردن تلفات و جلوگیری از رسیدن خسارت به زیرساخت‌های نهاد خانواده چیست؟

حمله به خانواده

شیطانِ قسم‌خورده، برای فریب انسان به مانع محکمی به نام خانواده برخورد کرده است. طبیعی است که تمام قوای خود و لشکر جنی و انسی و ابزار تبلیغات رسانه‌ای‌اش را برای مقابله با این نهاد به کار گیرد تا کار را بر انسان یکسره کند. خداوند متعال از نقشه‌ای در قرآن خبر می‌دهد که شیطان انسی تمام تلاش خود را در زمین به کار می‌بندد تا حاصل خلق را بر باد دهد و نسل را قطع کند؛ اتفاقی که با انهدام نهاد خانواده در مغرب‌زمین در حال رخدادن است.

۱. البقره / ۲۰۵: «وَإِذْ أَوْفَى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»

«و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد.»

آمارهای وحشتناک

با سبک زندگی زاییده عصر مدرن، از دهه شصت میلادی به این سو، تعداد ازدواج‌ها تقریباً نصف شده است و طلاق‌ها بیش از ۲۵۰ درصد رشد داشته است.^۱ ثمره نابودی نهاد خانواده در چنین نظام اجتماعی، به‌سهولت در آمارهای معتبر جهانی مشهود است. فروپاشی خانواده، زندگی‌های انفرادی را افزایش داده و سبک زندگی انفرادی، مشکلاتی را برای افراد و جامعه به وجود آورده است. بیش از نیمی از خانوارهای سوئدی تک‌نفری هستند و حدود یک‌پنجم جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله سوئدی، تنها زندگی می‌کنند.^۲ بسیاری از افرادی که تنها زندگی می‌کنند با مشکلات روحی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مشکلات متعدد این افراد به‌حدی بوده است که در بریتانیا و اخیراً در ژاپن وزارتت را برای حل مشکلات مربوط به‌تنهایی راه‌اندازی کرده‌اند.^۳

بخشی از گزارش «نقشه جهانی خانواده»^۴ که توسط مؤسسه مطالعات خانواده^۵ منتشر می‌شود^۶ به آمارهای رسمی درباره میزان تولد

1. <https://www.unifiedlawyers.com.au/blog/global-divorce-rates-statistics/>

2. <https://www.bbc.com/worklife/article/20190821-why-so-many-young-swedes-live-alone>

3. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC5851382/>

<https://people.acciona.com/organizational-culture/ministry-loneliness/>

<https://www.gov.uk/government/publications/employers-and-loneliness-employers-and-loneliness>

4. World Family Map

5. Institute for Family Studies

۶. برای مشاهده این آمار در سال ۲۰۱۹ مراجعه کنید به:

<https://ifstudies.org/ifs-admin/resources/reports/worldfamilymap-051819-2019.pdf>



کودکان نامشروع، یعنی تولدهای خارج از چارچوب ازدواج اختصاص دارد. این کودکان در آمریکا، ۴۱ درصد، در مکزیک ۵۵ درصد، در کانادا ۳۳ درصد، در فرانسه ۵۷ درصد، در انگلستان ۴۸ درصد و در برزیل بیش از ۶۰ درصد است. بر این اساس، طبق این آمار رسمی و معتبر جهانی، یک سوم از کودکانی که در قاره اروپا متولد می‌شوند نامشروع هستند و این آمار در دو کشور فرانسه و سوئد به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد.^۱ در همین راستا، آمار افزایش بزه‌های اجتماعی چنین کودکانی و همچنین آمار تجاوزها و خیانت‌ها و بیماری‌های ناشی از آن نیز قابل بررسی و تأمل است.

این همان سبک زندگی است که غرب مدرن برای بشر به ارمغان آورده و با صحنه‌گردانی صهیونیست‌ها توسط ابزار رسانه‌ای و تبلیغاتی مدام ترویج می‌شود و به قبیله آرزوهای غرب‌گرایان عالم بدل گشته است؛ سرابی که جوامعی چشم‌بسته به دنبال آنند؛ ولی جز بر تشنگی‌شان نمی‌افزاید.

جدایه

اگر هنوز درباره نقش تاریخی صهیونیست‌ها در تلاش برای فروپاشی نهاد خانواده و امتداد امروزی آن در امپراطوری رسانه‌ای این قوم اقناع نشده‌اید، آیه ۱۰۲ از سوره مبارکه بقره را به دقت مرور کنید. خداوند متعال در حال توصیف قوم یهود، با صراحت از پیروی یهود در برنامه سحر و جادوی شیاطین خبر می‌دهد! این آیه چنین ادامه می‌یابد که یهودیان از دو فرشته‌ای که برای ابتلای مردم و تعلیم روش‌های مبارزه با جادو

1. Birth Outside Marriage

2. <https://tn.ai/1244842>



مطالبی را بیان می‌کردند، چیزهایی یاد گرفتند که به وسیله آن سحر و جادو، بین زن و شوهرها اختلاف و تفرقه ایجاد می‌کرده و نهاد خانواده را متلاشی می‌کردند. ﴿يَفْرُقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ﴾!

رسالت مهم

این همکاری و هم‌فکری شیاطین جن و انس، همان برنامه‌ای است که خداوند متعال از آن خبر داده بود؛ اما خداوند متعال برای خنثی‌سازی این حربه‌های شیطانی، حراست از نهاد خانواده را مطرح می‌کند. در آیه آغازین این قسمت، خداوند متعال دستور داده است که انسان، خود و خانواده‌اش را در پیوندی وثیق، از آتشی که شیطان آن‌ها را بدان می‌خواند، دور کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾. این دستورالعمل نشان می‌دهد، دفاع در برابر حملات شیطان باید به صورت

۱. البقره / ۱۰۲: ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفْرُقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

«و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود؛ بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می‌آموختند، کافر شدند. و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند]، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ‌کس نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می‌دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو؛ اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می‌آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌انداختند؛ در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به اذن خدا قدرت آسیب‌رساندن به کسی را نداشتند و همواره چیزی را می‌آموختند که به آنان آسیب می‌رسانید و سودی نمی‌بخشید؛ و یقیناً [یهود] می‌دانستند که هرکس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد. و همانا بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند، اگر معرفت می‌داشتند.»

خانوادگی باشد؛ انسان‌ها دست در دست یکدیگر، جمعی هرچند کوچک می‌سازند که مستحکم‌ترین سد در برابر حملات شیطان است تا بدین وسیله تلفات و خسارات اقدامات او را خنثی سازند؛ یعنی خداوند متعال سلول سازندهٔ جامعه برای رشد و تعالی و همچنین برای دوری از آفات را «خانواده» در نظر گرفته است و از این رو، انسان را به حفاظت از این نهاد مقدس امر کرده است.

دژ مستحکم

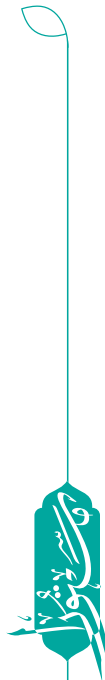
به همین دلیل است که قرآن کریم برای مرد و زنی که ازدواج کرده و متأهل شده‌اند، تعبیر «محصن و محصنة» را به کار برده است^۱ که در لغت به معنای کسی است که توسط فرد دیگری در دژ و قلعه و پناه قرار گرفته است. با این تعبیر مشخص می‌شود در منطق قرآنی، با ازدواج، زن و مرد در دژ مستحکمی قرار می‌گیرند^۲ و یکدیگر را حفظ می‌کنند. این همان پناهگاهی است که خداوند متعال در قالب ازدواج در برابر حملات شیطان تعبیه فرموده است.

اولویت‌های تمدنی

بنابراین اگر کسی و یا دولت و حکومتی دغدغهٔ نجات بشر و تعالی انسانی را دنبال می‌کند، تشویق کردن به ازدواج و تسهیل‌گری ازدواج و کمک به حفظ کیان خانواده، از والاترین اولویت‌های تمدنی اوست. در سبک زندگی، تأهل نیز باید به‌عنوان تنها الگوی تراز مدنظر باشد و

۱. مراجعه کنید به آیات مبارکهٔ نور/ ۲۳ و نساء/ ۲۴ و یوسف/ ۴۸.

۲. نک: محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۷.



افرادی که به دلایل موجهی قادر به ازدواج نشده‌اند، استثنائات زندگی بشری، و نه الگوی جایگزینی برای زندگی مشترک خواهند بود. این، قدر و اهمیت ازدواج و آرامش ناشی از انس و الفت زوجین در نگاه دینی است.

ایجاد دشمنی و اختلاف

در مقابل، طبق آیه ۵۳ سوره مبارکه اسراء، شیطان به دنبال ایجاد دشمنی و نزاع است و دشمنی‌هایش را در همین تفرقه میان سلول‌های جامعه انسانی پی می‌گیرد: **﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾** خداوند در همین آیه، راهکار مقابله با آن را نیز به مؤمنین آموزش داده است. برای کاربست این راهکار در نهاد خانواده، باید در «نحوه سخن گفتن» دقت شود. شیطان در کمین نشست است تا با کوچک‌ترین بهانه‌ای، سوءتفاهم ایجاد کند و رابطه بین افراد را برهم زند. به همین دلیل اگر بازگوکردن مطلبی، چندین روش و نحوه بیان دارد، خداوند متعال توصیه کرده است که بهترین آن‌ها را برگزینیم: **﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾**.

۱. الإسراء / ۵۳: **﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾**

«و به بندگانتم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان زشت و بی‌منطق] دشمنی و نزاع می‌افکند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.»

پاتک مؤمنین

سفارش اسلام به صلۀ رحم در آیات قرآن^۱ و روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام^۲ و توصیه اکید به نگسستن رشته خویشاوندی، نگاه کلان تری از همین شبکه نوری جمعی مقابله با شیطان، در جامعه اسلامی است. خلاصه آنکه این، طرح خداوند متعال برای نگهبانی از عنصر خانواده و همچنین اقداماتی برای شکست شیاطین جنی و انسی در فروپاشی نهاد خانواده و مانعی برای ایجاد اختلاف و درگیری و تفرقه در این عرصه است. خداوند متعال خانواده را برای رسیدن به آرامش، استفاده صحیح از امیال طبیعی، ایجاد عفت و پوشیدگی، مقابله با شیطان و رسیدن به بهشت قرب حق، برجسته کرده و به حفظ خود و خانواده به صورت جمعی دستور داده است. رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند:

یک مجموعه به هم پیوسته متواصی به حق و متواصی به صبر در درون خانواده مسلمان وجود دارد؛ لذا قرآن می‌فرماید که ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ هم خودتان را حفظ کنید، هم اهلتان را. این خطاب به مردها و زن‌ها، هر دو، است. اهل هر انسانی عبارت است از خانواده و نزدیکان او. زن شما، اهل شما مردها و

۱. برای مثال، الرعد / ۲۱: ﴿وَالَّذِينَ يَبُلُونُ مَا أَمَرَأَلَهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَعْتَفُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ «و هم به آنچه خدا به پیوند آن امر کرده [مانند صلۀ رحم و محبت اهل ایمان و علم] می‌پیوندند و از پروردگار خویش می‌ترسند و از سختی حساب [قیامت] هراس دارند.»

۲. بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۰، باب صلۀ رحم. برای نمونه نبی مکرم ﷺ فرمود: «رحم و امانت، روز قیامت در دو جانب صراطند؛ چون صلۀ رحم‌کننده و امانت‌نگهدار بر صراط بگذرد به بهشت رسد و چون خائن امانت و قاطع رحم از آن بگذرد، هیچ عملی با وجود این دو گناه سودش نبخشد و صراط در آتش سرنگوش کند.»

مرد شما، اهل شما زن هاست. هم خودتان را از غلتیدن در آتش حفظ کنید، هم اهلتان را حفظ کنید. افزون بر این، حفظ عناصر اصلی داخل کانون خانواده، به حفظ خود انسان هم کمک می‌کند. همسران؛ زن‌ها، مردها را و مردها، زن‌ها را می‌توانند از لبه پرتگاه دوزخ نجات دهند و به بهشت بکشانند.^۱ مسأله محرم و نامحرم و حجاب و نگاه کردن و نگاه نکردن و معاشرت‌های ناسالم و مضرت، این چیزهایی که در اسلام این قدر تأکید شده و در بعضی از کشورها و جاهایی که از اسلام دورند، این‌ها رعایت نمی‌شود، این‌ها اگر چه یک محدودیتی برای زن و مرد به وجود می‌آورد، اما این‌ها را شارع مقدس برای حفظ خانواده، برای ماندگار شدن این بنای مهم تحکیم و تشریح کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند، حکمت‌های بسیار بزرگی را خواهد دید.^۲ آن آقایی که با زنان نامحرم سروکار دارد، دو جا برای او امکان اشباع غرایزش در سطوح مختلف وجود دارد، این دیگر به زن خودش آن جور پایبند نیست... اینکه می‌گویند زن باید خودش را در محیط‌های اجتماعی با نامحرم مخلوط نکند، برای این است که این زن، دلبستگی‌اش به مرد خودش باشد و الا اگر زن کارش به جایی رسید که مرد خودش برایش عادی شد، مثل وضعیتی که الآن در جوامع غربی می‌بینید که اصلاً این مرد برای زن اهمیتی ندارد، می‌گوید حالا شد، شد، نشد هم نشد. می‌گوید طلاق می‌گیریم، تمام می‌کنیم تو برو دنبال کارت، من

۱. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵.

۲. خطبه عقد جاری شده توسط رهبر معظم انقلاب، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

هم می‌روم دنبال کارم. این بد است. بعضی از خانم‌ها امروز تلاش می‌کنند که وضع زنان را این‌جوری کنند. این به ضرر زن‌هاست به نفع زن‌ها نیست!^۱

پس شیطان یا بهتر بگوییم شیاطین انسی و جنی، درصددند دژ مستحکم خانواده را به ابتذال و انهدام بکشانند. آن‌ها برای رسیدن به هدف خود از ابزار رسانه بهره می‌برند تا زن و مرد را به ورطهٔ اختلاط و اختلاف بکشانند و از این طریق، نهاد خانواده که در حکم سلول‌های حیاتی جامعه هستند، از بین ببرند. آنچه در این مسیر به شیاطین کمک می‌کند، سوءتفاهم‌های بین همسران است که با اندکی خردورزی ازسوی هر دو، حل‌شدنی است؛ از این روست که خداوند متعال راه مقابله با این ترفند شیطانی را همراهی گروهی در خانواده برای انجام فرامین الهی از جمله رعایت مسئلهٔ محرم و نامحرم و حفظ حجاب و شیوهٔ بیان صحیح و سالم می‌داند.

۱. خطبهٔ عقد جاری‌شده توسط رهبر معظم انقلاب، مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۹



﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا
بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء، ۷۰)

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در
خشکی و دریا [بر مرکب] سوار کردیم، و به آنان
از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر
بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

۶. جنس درجه یک!

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا
 نَجَّكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمْنُكُمْ
 أَنْ يَخْشِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبَانَهُ
 لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ وَكَيْلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمْنُكُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً
 أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ
 ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي
 آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
 وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا
 كُلَّ أَنَسٍ بِإِمْمِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ
 يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ
 فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾ وَإِنْ
 كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ
 عَلَيْهِنَا غَيْرَهُ ۗ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ
 لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ
 الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾



تلاوت كنيم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ كنيم

کَرَمْنَا: کرامت بخشیدیم

فَضَّلْنَاهُمْ: برتری دادیم آنان را



یادداشت

A series of horizontal dashed lines for writing notes.

نقطه‌آماج حملات لشکر شیطان

در قسمت‌های پیشین، نقشه شیطان‌های جنی و انسی در فریب دادن انسان و تغییر سبک زندگی او برای برکندن لباس و سلب آرامشش بررسی شد. یکی از نقاط آماج حملات لشکر شیطان و حرف‌های به ظاهر آراسته او، خانواده بود که حافظ مهمی برای انسان در مقابل پریشانی، عریانی، انحراف و سقوط به شمار می‌رفت؛ از همین رو، خداوند متعال عنایت ویژه‌ای به نهاد خانواده داشت و افزون بر توصیه به حفظ خانواده و دوری از اختلافات، امداد غیبی خود را نیز در قالب مودت و رحمت متوجه خانواده می‌ساخت.



زن مظلوم

با این حال، هم‌فکری و مکر سپاهیان جنی و انسی شیطان همچنان ادامه دارد. «زن» به‌عنوان رکن مهمی که نقش همسری و مادری و مدیریت عواطف را در خانواده به دوش می‌کشد، در معرض تهاجمات بی‌امان دستگاه‌های یهودسالار تبلیغاتی و رسانه‌ای است. سوءاستفاده

از زیبایی‌ها و جذابیت ذاتی زنان برای جذب نگاه‌های هوس‌آلود، باعث شده تا محصولات رسانه‌ای و تبلیغات آلوده به عناصر تحریک جنسی، به عنصر مهمی از رسانه‌های رایج دنیای غرب تبدیل شود. امروزه کمتر فیلم و سریال و حتی تبلیغ کالایی است که از صحنه‌های شهوانی و روابط ناسالم خالی باشد.

متهم اتهام‌زننده

تعجب برانگیز اینکه برخلاف این اوضاع، دستگاه تبلیغاتی ابلیس انگشت اتهام را در مسئله زنان به سمت جوامع دینی و سالم‌تر گرفته و با سوءاستفاده از الفاظی برآمده از فطرت انسانی، چونان آزادی، برابری، حقوق انسانی، توسعه و نفی تبعیض، این جوامع و روابط انسانی درون آن را متهم می‌سازد و حتی حرکت‌های تندروی فمینیستی^۱ را در آن‌ها آغاز یا حمایت می‌کند.

نقطه کانونی و ادعای اصلی این انتقادهای و اعتراضات، نبود تساوی حقوق زن و مرد در جوامع دینی و سنتی و در نگاه‌های غرب‌گرایانه‌ترش، لزوم حرکت به سمت نفی مطلق جنسیت و دوگانه امر زنانه‌مردانه است. این حرکت تا آنجا پیش رفته است که حتی مادر و پدر بودن را نه برآمده از آفرینش طبیعت نر و ماده در هستی، بلکه امری برآمده از تعلیمات

۱. فمینیسم (به فرانسوی: Féminisme) گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی زنان است. فمینیست‌ها بر این باورند که جوامع، دیدگاه مردان را در اولویت قرار می‌دهند و با زنان در این جوامع به صورت منصفانه‌ای رفتار نمی‌شود. تلاش‌ها برای تغییر این وضعیت شامل مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و تلاش برای فراهم‌آوری موقعیت‌های تحصیلی و شغلی برابر با مردان برای زنان است (دانشنامه ویکی‌پدیا).

اجتماعی غلط می‌داند و همان‌طور که خداوند در قرآن کریم از عمل شیطان خبر داده است، در جهت تغییر خلق خدا برمی‌آید! نتیجه آنکه، این فرایند مفهوم خانواده را نیز دست‌خوش تغییراتی می‌کند تا آنجا که دو مرد یا دو زن با هم تشکیل خانواده دهند و نقش پدری و مادری را اعتبار صرف بدانند!

حالا آن‌ها با چنین منطق و چنین رفتاری، مدعی حقوق زنان در جهان و پیشتازان حرکت‌های اصلاحی شده‌اند. بدون مطالعه، از نظریات اسلام دربارهٔ زنان، پهلووانی پوشالی می‌سازند و در رسانه‌هایشان بارها او را زمین می‌زنند و به این هم‌آوردی می‌بالند! به عقیدهٔ آن‌ها، نگاه اسلام به زن، نگاه جنسیتِ درجه دوم است که به دنبال خلقت مرد و برای رفع نیازهای او و خدمت به او آفریده شده و ناشی از تفکرِ غلط مالکیت در دوران نخستین زندگی بشر، بخشی از اموال شوهرش و جزء دارایی‌های او شمرده می‌شود؛ از این رو، باید مانند سایر اموال، در پستوی خانه‌ها یا در پوشش لباس‌ها پنهان شود تا در معرض دستبرد قرار نگیرد! بنابراین او هیچ حقی برای رسیدن به امیال و خواسته‌های خودش ندارد و تنها وظیفه‌ای که بر دوش او گذارده شده، ایجاد زندگی بهتر برای شوهر و اطاعت از اوامر اوست. شواهدی هم از آیات قرآن یا تفاوت احکام زن و مرد در باب دیه و قصاص و شهادت و قضاوت و... ذکر می‌کنند تا نقصان جنسیت زن در نگاه دینی را پُررنگ جلوه دهند.

۱. النساء / ۱۱۹: «...وَلَا مَنِّ لَهُمْ فَاَلْعَمْرَنَ خَلَقَ اللَّهُ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا»
 «و [من شیطان] فرمانشان می‌دهم که آفرینش خدایی را تغییر دهند و هرکس شیطان را به جای خدا سرپرست و یار خود گیرد، مسلماً به زیان آشکاری دچار شده است.»

انسانیت، جنسیت بردار نیست

حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا به‌راستی خدا چنین نگاهی به زن داشته است؟ و او را صرفاً برای مرد آفریده است؟ و برای خود او هیچ غایت و فضیلت و سعادت‌ی جز به‌جا آوردن خواسته‌های مردان متصور نبوده است؟ به‌عبارتی، نگاه جنسیت درجه دوم به زنان داشته است؟ نیکوست که برای پاسخ به این سؤالات نیز به سراغ قرآن کریم برویم.

خداوند متعال در آیه آغازین این قسمت، همه فرزندان آدم را دارای «کرامت ذاتی» می‌داند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾. کرامت در معنای لغوی‌اش دقیقاً در مقابل اهانت و پستی قرار دارد. این آیه صراحتاً فارغ از جنسیت آدمیان، آن‌ها را دارای کرامت اولیه‌ای می‌داند که ازسوی خداوند در خلقتشان به آن‌ها داده شده است. این موهبت الهی، ازسوی هیچ قانون دیگری قابل منع یا حتی اعطا نیست؛ یعنی کرامت و بزرگواری انسان، ملازم همیشگی اوست و هیچ قانون و قدرتی نمی‌تواند او را از این موهبت سلب کند. این کرامت مختص به مردان هم نیست و حتی تقدیمی هم برای مردان در این باره ذکر نشده است. اینجا به آدمیت انسان، فارغ از جنسیتش نگاه شده است و اصلاً بحث انسانیت، جنسیت‌بردار نیست و زن و مرد در این باره تفاوتی ندارند که یکی «انسان‌تر» از دیگری باشد!

۱. رهبر معظم انقلاب: «نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه دو است؛ نگاه اول و درجه یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد...» بیانات معظم له در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ «من متأسفم که گاهی خود خانم‌ها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان می‌دهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟ خب بله، در خیلی از مسائل هیچ تفاوتی نیست. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست.» بیانات معظم له در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور ۱۳۹۳/۱/۳۰

چه مرد باشد، چه زن

بنابراین هر حکمی که به خود انسانیت انسان برگردد، میان زن و مرد در آن احکام تفاوتی نیست؛ مثلاً «آزادی» و «اختیار» و مفاهیمی از این دست برخاسته از خلقت انسانی ماست و از این جهت زنان و مردان اختلافی ندارند. حتی اوج‌گرفتن روحی و رسیدن به کمالات معنوی نیز همچنین است و مطابق آیات قرآن کریم، ارتباطی به جنسیت ندارد. خداوند در چهار سوره تأکید فرموده است که اگر مؤمنی اهل عمل صالح باشد، هیچ فرقی ندارد چه مرد باشد و چه زن، عاقبتش زندگی پاکیزه است و بهشت ابدی: ﴿مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ﴾^۲

۱. الأحراب / ۳۵: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِمِينَ وَالْقَائِمَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ وَالْعَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾
 «مسلماناً خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکبیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان حفظ‌کننده خود از پلیدی‌های جنسی، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، آموزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.»

۲. النساء / ۱۲۴: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظَلُمُونَ نَفْسًا﴾
 «و کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، پس اینان وارد بهشت می‌شوند، و به اندازه گودی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند.»

النحل / ۹۷: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

«از مرد و زن، هرکس کار شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم.»
 غافر / ۴۰: ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

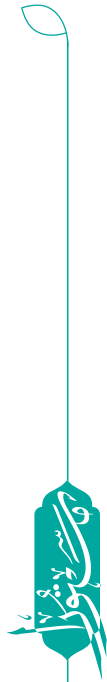
«هرکه بدی کند جز به مانند آن کیفر نیابد، و از مردان یا زنان کسانی که کار شایسته انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، آنان در بهشت درآیند و در آن بی حساب روزی یابند.»

الگوی همهٔ مؤمنان

اگر زن از دیدگاه اسلام دارای نقصان ذاتی بود، هیچ زنی نمی‌توانست به درجهٔ کمال برسد؛ در حالی که در آیات پایانی سورهٔ مبارکهٔ تحریم، زنانی را به‌عنوان الگوی همهٔ مؤمنین (حتی مردان) برمی‌شمرد که از رشد باطنی آن‌ها در مسیر کمال انسانی حکایت می‌کند: ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِرْعَوْنَ...﴾ الگوی همهٔ مردان و زنان مؤمن، آن زن آزادی است که با وجود اینکه می‌توانست نزد فرعون به‌عنوان ملکهٔ مصر، هرچه را اراده می‌کرد، بیابد، اما زندگی واقعی را بر زندگی فانی این دنیا ترجیح داد و از خداوند آزادی از فرعون و عملش را خواست.^۱ روایات ما نیز تصریح می‌کنند که برخی زنان به درجهٔ کمال رسیده‌اند^۲ و چه الگویی والاتر از وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام.

پس روشن شد در نگاه دینی و در چارچوب خلقت انسانی، مفهومی به نام جنس درجهٔ یک و برتر یا جنس درجهٔ دو و پست‌تر وجود ندارد و ناشی از کرامت ذاتی انسان، زن و مرد از این جهات و سایر خصوصیات است که به انسانیت آن‌ها مرتبط است، با یکدیگر تفاوتی نمی‌کنند.

آل عمران / ۱۹۵: ﴿...إِنِّي لَأَاضِيعُ عَمَلٍ عَابِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ نَفِي...﴾
«یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند، تباه نمی‌کنم»
۱. التحریم / ۱۱ و ۱۲: ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...﴾
«و خدا برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل زده است... و [نیز] مریم دختر عمران را»
۲. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷۷.



ملاک برتری

اما این رویکرد، دلیل بر این مطلب نیست که زن و مرد از جهت فیزیکی و نقش‌های اجتماعی و فروع احکام دینی و تکالیف عرصه‌های زندگی و اموری از این دست نیز کاملاً یکسان باشند. بنا بر منطق قرآنی بیان شده در آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات، خداوند متعال برای ایجاد پیوند میان آحاد بشر، تفاوت‌هایی را در جنسیت و رنگ و نژاد و ملیت و گروه‌های اجتماعی و... قرار داده است؛ اما در ادامه همین آیه صراحتاً اعلام می‌کند که این تفاوت‌ها مایه برتری یک جنسیت و یک رنگ پوست و یک نژاد و یک قبیله و گروه بر دیگری نیست و بلکه پرهیزکاری، ملاک برتری آدم‌هاست.^۱

نگاه رحیمانه و مهربانانه خدا

جمع دو رویکرد پیش‌گفته چنین است که زنان و مردان در ویژگی‌هایی که به خلقت انسانی آن‌ها برمی‌گردد، تفاوتی ندارند؛ اما آنجا که به مسئولیت اجتماعی و نقش آن‌ها در جامعه و خانواده و... برمی‌گردد طبیعتاً تفاوت‌هایی در خلقیات و احکام و حقوق و تکالیف دارند که البته این تفاوت‌ها ناشی از برتری یک جنس بر دیگری نیست. برای مثال مهم‌ترین نقش اجتماعی بانوان، تربیت نسل‌ها و سرمایه‌انسانی جامعه و تاریخ است؛ بنابراین هرچند اموری چون علم‌آموزی جزء حقوق

۱. الحجرات / ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است»

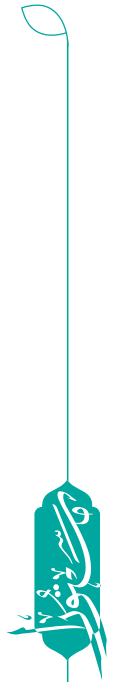


و حتی تکالیف انسانی اوست، خداوند بار وظایف اقتصادی را از دوش زنان برداشته و زن وظیفه‌ای برای حضور اقتصادی تمام‌وقت در اجتماع و درآمدزایی برای رفع احتیاجات خودش ندارد و این بار و مسئولیت، در قالب وجوب پرداخت نفقه، به عهده شوهر او گذاشته شده است. همچنین این نقش زن، لزوم عاطفه و احساسات بیشتر در وجود زنان را طلب می‌کند که طبیعتاً خود همین مطلب، تفاوت‌هایی را در سایر احکام به همراه دارد.^۱ این نه تنها بی‌احترامی و نگاه تحقیرآمیز به زن و نفی حقوق او نیست، بلکه نشان‌دهنده نگاه رحیمانه و مهربانانه خدا و از سر لطف بی‌حد خداوند و ناشی از نقش‌های متفاوت زن و مرد در عرصه خانواده و اجتماع است. سایر امور متفاوت در فروع احکام شرعی نیز تبیینی این چنین دارند.

سوغات غرب برای زنان

اما اربابان رسانه‌های پُرسروصدای غربی، که زن را به‌عنوان کالا و نیروی کار ارزان‌قیمت، روانه بازار کرده و به جذابیت جنسی او طمع دارند، هزاران مشکل درست کرده‌اند؛ به‌بهانه استقلال اقتصادی، آزادی، برابری و مفاهیمی از این دست، او را از خانه به ویتترین صنایع کشاندند و طلاق، تجاوز و سوءاستفاده‌های جنسی، افسردگی، خودکشی، مشکلات روحی و... تنها مشت‌های خروارها دستاوردهای این تغییرات برای زنان است. برای مثال در ایامی که شعار فریبنده غرب در دفاع از حقوق زنان گوش دنیا را کر کرده است، به گزارش خودشان، در میان سال‌های ۲۰۰۰

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر آیه ۱۸ سوره مبارکه زخرف، ج ۱۸، ص ۹۰.



تا ۲۰۱۶، با وجود اینکه آمار خودکشی در مردان نیز به میزان ۲۱ درصد در حال افزایش بود، افزایش این آمار برای بانوان نزدیک به ۵۰ درصد یعنی ۲ برابر مردان بوده است. طی ۳۵ سال گذشته در آمریکا، شادی کلی ذهنی در میان زنان، هم به طور مطلق و هم به طور نسبی، نسبت به شادی مردان کاهش یافته است. از هر پنج زن آمریکایی بیش از یک نفر در طول زندگی خود به بیماری روانی مبتلا می‌شود. همچنین زنان دو برابر بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند.^۱ در انگلستان و ولز، از هر پنج نفر دختر یا زن شانزده سال به بالا، یک نفر نوعی تجاوز جنسی را تجربه کرده است.^۲ ظلم بزرگی که یکی از نتایج اصلی این موج از فمینیسم بود، تحمیل بار اقتصادی زندگی بر دوش زنان بود. اکنون بار تأمین مالی نیمی از خانواده‌های آمریکایی بر دوش زنان است؛ بلایی که فمینیسم بر سر زنان غربی آورد این بود که به اسم آزادی و برابری زنان برخی از حقوق آن‌ها را حذف کرد. برای مثال حجم ساعات کاری یا شرایط خاصی که به نفع زنان در برخی کشورها وضع شده بود، به ضرر زنان تغییر کرد. طبق برخی قوانین، اجبار نیروی کار زن به برداشتن و جابه‌جایی بار بیش از وزن معینی ممنوع بود؛ اما به اسم برابری زن و مرد این امتیازات زنان لغو شد.

حالا غرب با چنین کارنامه‌ی مفتضحانه‌ای که در عرصه‌ی زنان و خانواده برجای گذارده است، در کمال وقاحت، مدعی حقوق زنان شده و ما را متهم به نفی حقوق زنان می‌کند! در حالی که ما خودمان اولین مدعی

1. npr.org/sections/health-shots/2018/06/14/619338703/u-s-suicides-rates-are-rising-faster-among-women-than-men

2. The Guardian (23 Feb. 2018.)



نهی حقوق زنان و خانواده در غرب هستیم؛ ولی سیطرهٔ یهودیان بر رسانه‌ها، با تغییر واقعیت و تزئین حرف‌های باطل و تکرار آن در قالب تکنیک‌های رسانه‌ای، اجازهٔ شنیده شدن صدای حق را نمی‌دهد.

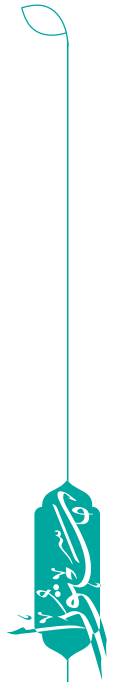
این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟

این قسمت را با بیاناتی از رهبر معظم انقلاب دربارهٔ نگاه اسلام به زنان به پایان می‌بریم که چنین فرموده‌اند:

نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند...
مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش‌های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفهٔ امر به معروف مشترک است، وظیفهٔ خدمت مشترک است، وظیفهٔ جهاد فی سبیل الله [برای] هر کدام به نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند که خدای متعال به خاطر اداء همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آن‌ها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده. بنابراین این نگاه اسلام و نگاه جمهوری اسلامی به زن است، و ما به این نگاه افتخار می‌کنیم؛ ما سرتاپا اعتراض به منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زنیم؛ معتقدیم آن‌ها به زن دارند ظلم می‌کنند.^۱ وقتی که مرد در تمدن غربی، جنس برتر است و تمدن، تمدن مردسالار است، زن سعی می‌کند الگوی خودش را مرد قرار بدهد و مرد می‌شود الگوی زن؛ زن دنبال کارهای مردانه حرکت

۱. بیانات معظم‌له در ارتباط تصویری با مداحان، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵.





می‌کند.^۱ دنیای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روش‌های غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به‌زور به ذهن دنیا فرو کنند. زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد؛ بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غرب مس‌ت دیوانه از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دست‌های صهیونیستی، این را به‌عنوان تجلیل از زن عَلم کرد؛ یک عده هم باور کردند.... در قرآن به‌عنوان نمونه ایمان همه بشر، دو زن را مثال می‌زنند.... یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است. این‌ها نشانه‌هایی است که منطق اسلام را نشان می‌دهد.^۲

۱. بیانات معظم‌له در دیدار اقشار مختلف بانوان، مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴.

۲. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، مورخ ۱۳۸۹/۲/۱.



﴿وَقُرْآنَ﴾

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ
وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب، ۳۳)

و در خانه های تان قرار و آرام گیرید، و مانند زنان
دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با
زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر
می شدند] ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات
بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید. همواره
خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت
برطرف نماید، و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۷. برج آزادی...

* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا
 أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَنْسَاءَ النَّبِيُّ
 لِسَانًا كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَىٰ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ
 فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ
 فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
 الصَّلَاةَ وَءَاتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
 يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
 تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَأذْكَرَن مَائِتَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ
 آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾
 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
 وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
 وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِمِينَ وَالصَّالِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ
 فُرُوجَهُمُ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا
 وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾



تلاوت كنيم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ كنيم

محرمانه

در قسمت‌های پیشین، با قرآن حجاب از نقشهٔ محرمانه شیطان برداشتیم. دشمن قسم‌خورده‌ای که کمر به فریب و عریانی انسان بسته است. بیان نمادین دشمنی او با انسان، داستان خوردن آدم عليه السلام از میوهٔ درخت ممنوعه، عریانی او، اخراجش از بهشت و هبوطش به زمینی دور از آرامش بود که درس‌های مهمی برای رویارویی همیشگی انسان با سپاه ظلمت داشت. هم‌فکری و همکاری لشکر شیطان‌های جنی و انسی، در قالب حرف‌های باطل ولی به‌ظاهر زیبا، آرامش انسان را هدف گرفته بود و می‌خواست با تغییر سبک زندگی او، هدف برهنگی و اخراج او از بهشت قرب حق را دنبال کند. در این میانه، خانواده به‌عنوان منبع آرامش انسانی، کنترل‌گر امیال انسانی و نماد عفاف و پوشش به شمار می‌رفت و مهم‌ترین مانع بر سر راه نقشهٔ شیطان بود؛ بنابراین نهاد خانواده، آماج بیشترین حملات رسانه‌ای و تبلیغاتی صهیونیست جهانی به‌عنوان بازوی شیطان قرار گرفت. این امپراطوری رسانه‌ای با



سوءاستفاده از امیال طبیعی انسان، سعی در ارائه تفسیری وارونه از واقعیت با الفاظی مانند برابری و حقوق زن و آزادی داشت. ما به توصیه خداوند متعال برای یافتن پاسخ برخی سؤال‌های اساسی‌مان، به سراغ آیات قرآن کریم رفتیم و تا حدودی مسئله برابری زن و مرد، به عنوان مسئله محوری مخالفان، در منطق قرآن برایمان واضح شد. حال وظیفه داریم پای میثاقی که خداوند متعال از ما گرفته است بمانیم و این آیات نوربخش را برای مردم بیان کنیم.^۱

منع دین از حضور اجتماعی زنان!!!

مسئله مهم دیگری که در سخنان مخالفان به چشم می‌خورد، ادعای «منع دین از حضور اجتماعی زنان» است. به گمان آنان، در نگاه دین به زن، او موجودی ناقص تصویر می‌شود که به واسطه جذابیت‌هایش، عامل به‌گناه‌افتادنِ عده‌ای بیمار دلِ شهوانی است و باید در حجاب و در بستوی خانه‌ها پنهان بماند؛ بنابراین دین، مسیر پیشرفتی برای آن‌ها ترسیم نکرده و به بهانه مسائل جنسی و حجاب، آزادی‌های طبیعی و حتی زیبایی‌های جسمی آنان را محدود کرده است. اما آیا به‌راستی چنین است...؟

وظایف تمدنی و اجتماعی زنان

با مروری سریع به آیه آغازین این قسمت، نکات مهمی قابل استفاده است. بعد از اینکه در ابتدا خداوند به وظیفه اصلی زن در چهارچوب

۱. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الذَّكَرِ أَنْ نُؤْتِيَ الْكِتَابَ لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْفُرُونَهُ فَبَيَّنَّ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَاهُ بِهِنَّ مِمَّا قَلِيلًا فَيَسَّرَ مَا يَشْتَرُونَ» (آل عمران / ۱۸۷)



خانه اشاره می‌کند، به اقامه نماز و پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول الله امر شده است؛ «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» در حالی که برپایی و اقامه نماز امری اجتماعی و متفاوت از صرف نماز خواندن است. اضافه بر اینکه در خود قرآن اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، «وظیفه اجتماعی» کسانی است که در زمین قدرت و مکتبی یافته‌اند.^۱ در سوره مبارکه توبه نیز همین امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه اجتماعی مشترک مردان و زنان برشمرده شده است.^۲ پس در آیه مورد بحث و آیات دیگری از قرآن کریم، سخن از وظایف اجتماعی بانوان اعم از اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و مواردی از این دست است که ماهیتی جمعی دارند و از ارکان تمدنی تشکیل حکومت و جامعه اسلامی به شمار می‌روند.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب طبق این آیات، «همه مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده‌اند. ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم.

۱. الحج / ۴۱: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

«همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و امری دارند و از کارهای زشت بازمی‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.»

۲. التوبة / ۷۱: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

«مردان و زنان باایمان اولیای یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند.»

مسئولیت ادارهٔ جامعهٔ اسلامی و پیشرفت جامعهٔ اسلامی بر دوش همه است: هم بر دوش زن و هم بر دوش مرد؛ هرکدامی به نحوی برحسب توانایی‌های خودشان.»^۱

بیعت زنان با پیامبر

آیات سورهٔ ممتحنه نیز به ماجرای بیعت زنان با نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌کند که یکی از مفاد آن، سرپیچی نکردن از فرامین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و خود، نشاندهندهٔ مشارکت زنان در امور عمومی مسلمین در زمان حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.^۲ آیهٔ دیگری از همین سوره به کنش سیاسی اجتماعی زنانِ قدرتمندی اشاره می‌کند که از جامعهٔ شرک و حتی همسر بی‌ایمان خود جدا شده و به سمت جامعهٔ تراز نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهاجرت می‌کنند.^۳

۱. بیانات معظم‌له در دیدار بانوان نخبه در آستانهٔ سال‌روز میلاد حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳.

۲. الممتحنة / ۱۲: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَازِينَنَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهَتَّانِ بَقَرِيَّةٍ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِمْنَكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِفْنَ **لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**»

«ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آیند تا [بر پایهٔ این شرایط] با تو بیعت کنند که: چیزی را با خدا شریک نگیرند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام‌زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان نبندند، و در هیچ کار پسندیده‌ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آموزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

۳. الممتحنة / ۱۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمَ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ **عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ...**»

«ای مؤمنان، هنگامی که زنان با ایمان هجرت‌کنان [از دیار کفر] به سوی شما می‌آیند، آنان را [از جهت ایمان] بیازمایید؛ البته خدا خود به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را با ایمان تشخیص دادید، آنان را به سوی کافران [که همسرانشان هستند] باز مگردانید، نه این زنان بر کافران حلال‌اند، و نه آن کافران بر این زنان حلال‌اند...»



زن میدان

تاریخ اسلام از زمان خدیجه ع.ا.س. و سمیه و زینب ع.ا.س. و بانوان حماسه‌حسینی، تا غیورزنان انقلابی و مجاهد و دانشمندان خوش‌نام نهضت خمینی رضه‌ع.ا.و.، پُر است از حرکت‌های تأثیرگذار و تاریخ‌ساز زنانی که با افتخارآفرینی، نام خود را در صفحه‌ی نورانی تاریخ نگاشته‌اند. رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند:

ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به‌طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمی‌داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پُرمحنت پیروز نمی‌شدیم.^۱

پس چگونه می‌توان سخن از زندانی‌کردن زن در پستوی خانه‌ها راند؟

حجاب، حضور سالم و ضابطه‌مند زن در اجتماع

بر اساس آنچه در قسمت پیشین گفتیم، فارغ از تساوی زن و مرد در امور مرتبط به خلقت انسانی، تفاوت نقش زنان با مردان عمدتاً در مدیریت خانواده و ایجاد آرامش و تربیت فرزند با مهر مادری آشکار می‌شود؛ اما پذیرش این وظیفه، مانع از حضور زن در واجبات عرصه‌ی علم^۲ و فرهنگ و سیاست و... نیست. اتفاقاً خداوند متعال برای حفظ آرامش و سلامت روانی و ایمانی جامعه و دوری از انحرافات که امروزه

۱. بیانات معظم له در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۱.

۲. «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: طَلَبَ الْعِلْمُ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.»

«علم‌آموزی بر هر مرد مسلمان و بر هر زن مسلمان واجب است» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷).

تمدن بی‌پروای غرب نیز به آن دچار شده است، قانون حجاب را در راستای حضور سالم و ضابطه‌مند زن در اجتماع تدارک دیده است. در حقیقت، حکم حجاب برای این وضع شده که زن، در معرض آسیب‌های بیماردلان نباشد و نگاه ناپاکی او را از مسیر صعودش باز ندارد. به واسطهٔ قانون حجاب، بدن‌مندی زن کنار رفته و «نگاه انسانی» جایگزین «نگاه جنسی و جنسیتی» به زنان می‌شود و این‌گونه زمینهٔ حضور سالم او در جامعه فراهم می‌گردد.

برای همین خداوند متعال در قرآن کریم، قواعدی را برای حضور اجتماعی زنان بازگو می‌کند؛ برای مثال در سورهٔ مبارکهٔ احزاب، زنان از نرمش در گفتار و طنازانه سخن‌گفتن به‌گونه‌ای که بیماردلان به طمع افتند، برحذر داشته شده‌اند و بلکه امر شده‌اند که به نحو نیکو سخن بگویند.^۱ در آیهٔ دیگری از همین سوره، امر به حجاب به این هدف صورت گرفته که زنان سالم در جامعه نیز به پاکدامنی شناخته شوند و از گزند بیماردلان مصون بمانند.^۲ جالب‌تر اینکه شأن نزول این آیه نیز برای حمایت از بانوانی است که برای حضور اجتماعی‌شان، در مسیر

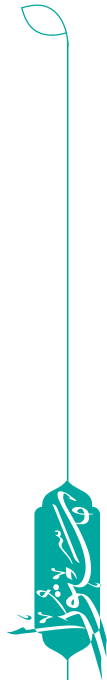
۱. الأحزاب / ۳۲: ﴿...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾

«...در گفتار خود، نرمی و طنازی نداشته باشید تا کسی که بیماردل است طمع کند، و سخن پسندیده و شایسته گویند.»

۲. الأحزاب / ۵۹: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِ كَ وَنَاتِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

«ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [ازسوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.»





نمازجماعت در معرض آزار هوس‌بازان قرار می‌گرفتند و خداوند قانون حجاب را برای ادامه حضور سالم بانوان در اجتماع اعلام نمود.^۱

برج نشو

در آیه دیگری از همین سوره، چنانکه در ابتدای این قسمت بدان اشاره شد، خداوند متعال بعد از اینکه زنان را امر می‌کند تا ابتدا به وظیفه اصلی مادری و همسری در چارچوب محیط خانه و خانواده بپردازند ﴿وَقَوْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾، در ادامه، قاعده «عدم تبرج» را برای حضور اجتماعی آنان وضع می‌کند: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾.

برای فهم این قسمت از آیه، معنای دقیق کلمه «تبرج» را بررسی می‌کنیم. بُرج به ساختمان‌هایی گفته می‌شود که به جهتی، مثلاً ارتفاع بلند، از دیگر ساختمان‌ها متمایز و در معرض توجه بینندگان است.^۲ بنابراین قرآن، زنان را از اینکه خود را شبیه برج کنند برحذر داشته است! به عبارت دیگر در این آیه حضور متمایز زنان در اجتماع به هر نحوی که موجب جلب توجه و دقت دیگران شود، نهی شده است و این را از سنت‌های «جاهلیت اولی» برشمرده است. حال آنکه بشر در «جاهلیت مدرن» نیز هنوز گرفتار همین مصیبت‌هاست!

دستورهای خدا در سوره مبارکه نور نیز در همین راستاست؛ او بانوان را امر فرموده به اینکه پاکدامنی پیشه کنند، چشم خویش را از نگاه

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲. «الأصل الواحد في هذه المادة، هو الظهور والجاهلية، فكل شيء ظاهر جالب متفوق فهو برج. وبهذا الاعتبار يطلق على القصر المرتفع... والمرأة المتزينة الحسنة التي أظهرت محاسنها للأجانب و نفذت فيهم» (شیخ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۴۳).



آلوده در ساحت اجتماع حفظ کنند، زینت‌های پنهان و گردن و بدنشان را آشکار نکنند و به‌گونه‌ای راه نروند که زینت‌هایشان هویدا شود و جلب توجه کند.^۱ این‌ها همه در همان لفظ «عدم تبرج» خلاصه می‌شود.

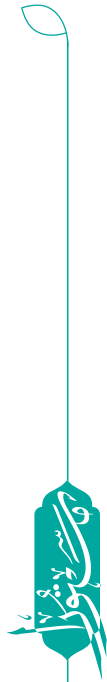
عدالت یا مساوات؟!

کوتاه سخن آنکه در رجوع به قرآن برای یافتن پاسخ اتهاماتی که درباره حقوق و برابری زن به اسلام وارد می‌کنند، برای ما مشخص شد که زن و مرد در خلقت انسانی و اموری که ناشی از این خلقت است، برابرند؛ اما اقتضای زندگی جمعی روی زمین، موجب تفاوت‌هایی می‌شود که خداوند در جنسیت و رنگ و ملیت و... قرار داده و البته این‌ها را مایه برتری گروهی بر دیگری نمی‌داند. این تفاوت نقش‌ها، تمایزاتی در خلقت فیزیکی و روحی و تکالیف و وظایف به‌همراه دارد که خداوند آن‌ها در قالب قوانین شریعت وضع و اعلام کرده است. برای مثال زن را مایه استحکام خانواده و آرامش آن و مسئول تربیت فرزند و موظف به بذل مهر مادری کرده است و از این رو در خلقت جسمی و روحی زن، جذابیت و لطافت و جمال را بیشتر به کار برده است. قانون حجاب نیز برای منحصربودن این زیبایی‌ها و لطافت‌ها به محیط خانواده و حفظ آرامش زن در عرصه اجتماع است.

۱. النور / ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَفْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...»

«و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را فروبندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مگر مقداری که [طبیعتاً] پیدا است آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند... و نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن‌گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود...»





در مقابل، لشکر جنی و انسی شیطان نیز برنامه دارد تا خانواده را منهدم سازد و با ابزار رسانه و سوءاستفاده از امیال طبیعی انسان، آدمی را اغوا کند. به همین دلیل، آزادی و برابری و حقوق زن و مسائلی از این دست را بهانه می‌کند تا زن، سنگر خانواده را رها کند و با وانهادن پوشش، عریان در عرصهٔ جامعه حاضر شود. از سوی دیگر، مرد را در سیاستی گام به گام می‌فریبید تا نگاه آلودهٔ شهوانی را مقدمهٔ فجایع بعدی سازد. این‌گونه او نیز با نگاه و دامنی آلوده، امیال فطری‌اش را در مسیر ناصحیح هوس‌بازی پیگیری کرده و از خانواده دور می‌شود.

بنابراین واضح شد که چگونه دلبری‌کردن، آرایش‌کردن و حتی صحبت‌کردن و راه‌رفتن و هر کنش غیرمعمولی که به جلب توجه دیگر مردان منجر شود و نگاه آلوده به جان بخرد، تلاشی در راستای پیاده‌سازی نقشهٔ شیطان و مورد نهی و مجازات خداوند است. این همان «تبرج» مذمومی است که در آیات قرآن بدان اشاره شد. برجی که گمان می‌شود «برج آزادی» است، ولی در حقیقت برج بندگی و سرسپردگی شیطانِ درون و استعمار و بردگی طواغیت و شیطان برون است...

فرماندهٔ خانه

کلام را در این قسمت با فرمایشی از رهبر معظم انقلاب به پایان می‌بریم:
بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه؛ البته که می‌تواند، شکی در این نیست. نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند. بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همهٔ چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون



از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه می‌کنیم. من می‌گویم مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد؛ اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بی‌قراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.^۱

۱. بیانات معظم‌له در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳.



﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ

الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ

أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾ لَئِنْ لَمْ
يَنْتَهُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
لَئِنَّكَ بِهِمْ تُؤْمَرُونَ لَا يُجَاوِزُونَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿احزاب، ٥٩ و ٦٠﴾

ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران مؤمنین
بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند؛ این کار به اینکه
[به پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در
نتیجه [ازسوی فاسقان] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛
و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۹). اگر
منافقان و بیماردلان و آنانکه در مدینه شایعه‌های
دروغ و دلهره‌آور پخش می‌کنند دست نکشند، تو را
علیه آنان برمی‌انگیزیم، آنگاه در این شهر جز مدتی
کوتاه در کنار تو نخواهند ماند (۶۰).

۸. حرام سیاسی

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِيءِ آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا
 أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَمْلُوكَاتِ
 أَيْمَانِهِمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
 ٥٥ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ٥٦ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
 مُّهِينًا ٥٧ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ
 مَا كُتِبَ لَهُمْ فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ٥٨
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
 يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ آذَنِي أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا
 يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٥٩ *لَيْنَ لِمَنْ يَنْتَهَىٰ الْمُنَافِقُونَ
 وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
 لِنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ٦٠ مَلْعُونِينَ
 أَيَّمَا تَقْفُوا أَلْخِذُوا وَقْتِكُمْ لِقَاتِكُمْ ٦١ سُنَّةَ اللَّهِ فِي
 الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ٦٢



تلاوت كنيم

نكات حفظ



ترتيل



حفظ كنيم

شیاطین چه در سردارند؟

در قسمت‌های پیشین بیان شد که چگونه از آغاز نزاع دیرینه شیطان با آدم، طرح کلان ابلیس با هدف عریان کردن آدم و سلب آرامش او دنبال می‌شد. امروزه نیز همین نقشه توسط پیاده‌نظام لشکر ابلیس، یعنی صاحبان یهودی امپراطوری رسانه‌ای در غرب دنبال می‌شود تا با محصولات رسانه‌ای و سوءاستفاده از امیال طبیعی انسان، به دگرگون‌سازی واقعیت در قالب الفاظ و قالب تزئین‌شده و مقابله با نهاد خانواده و ضربه به زن برخیزند. در چنین تمدنی در عوض پیشرفت انسان‌مدار، زن با شعارهای عوام‌فریبانه‌ای همچون «زن، زندگی، آزادی» و برابری و حقوق زنان و... گام‌به‌گام از نعمت مادری و همسری و آرامش نهاد خانواده محروم شده و به کالایی جذاب و نیروی کار ارزان بازار و برطرف‌کننده امیال شیطانی مردان هوس‌باز تبدیل شده است.

در این میان عده‌ای ساده‌باورانه، فقط رویی‌ترین سطح ماجرا را تحلیل می‌کنند و از بررسی عقبه‌های فکری و سیاسی آن غافلند. آن‌ها



عامدانه و یا جاهلانه، طرح و نقشه‌ای را که اتاق فکرهای دشمن برای نابودی خانواده و عریانی جامعه کشیده‌اند، نفی می‌کنند و انتخاب آزاد زنان و دختران را از روی عقلانیت زمانه‌شان تنها عامل تغییر در سبک زندگی و پوشش و ازدواج و... می‌دانند.

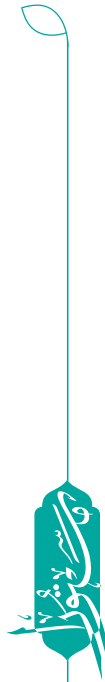
صرفاً فرهنگ!

اما سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود آن است که آیا مقولهٔ حجاب، صرفاً مقوله‌ای فرهنگی و در حد انتخاب افراد است؟ در زمان خود پیامبر ﷺ چه منطقی ازسوی مخالفان برای مقابله با احکام اسلام دربارهٔ خانواده و زن وجود داشت؟ آیه‌هایی که بانوان را به حجاب امر می‌کرد، در چه فضای اجتماعی نازل شد؟ این آیات در چه سوره‌ای و در میانۀ چه آیاتی و با چه گفتمانی قرار گرفته است؟ و سؤال پُرتکرارمان اینکه بازتاب این آیات در قرآن، به‌عنوان سند راهبردی حیات انسان تا روز قیامت، و دعوت خداوند متعال به مطالعه و تدبیر مداوم در آن، چه نکته‌ای برای جامعهٔ امروز ما دارد؟ باز هم برای پاسخ به این سؤال‌ها به سراغ قرآن کریم می‌رویم.

فضای نزول آیهٔ حجاب

در آیاتی از سورهٔ مبارکهٔ احزاب که در آغاز این قسمت بیان شد، خدای متعال به ضرورت حفظ حجاب توسط زنان مؤمن جامعهٔ اسلامی اشاره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرِّجَالِكُمُ الْبُرُجُ وَ لِّلنِّسَاءِ الْيُحُورُ مَا مَلَآتُهُنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ»؛ اما بررسی فضای نزول سورهٔ احزاب، به فهم ابعاد ماجرا کمک می‌کند.





پس از تشکیل حکومت اسلامی، کفار و مشرکین در قالب جنگ‌های مختلفی به مقابله با اسلام پرداختند. شکست در این نبردها، دشمنان را به سمت جنگی همه‌جانبه و ترکیبی، با امکانات و نفرات بی‌سابقه سوق داد که اولین مرحله آن، اتحاد همه مخالفین با جمعیتی قریب به ده هزار نفر در مقابل جمعیت سه هزار نفری مسلمانان در جنگ «احزاب» بود. سختی این نبرد و خیانت برخی قبیله‌های اطراف، آن قدر طاقت‌فرسا بود که غربال خوبی برای مؤمنین به حساب می‌آمد و انعکاس چهره‌های ترسیده برخی مؤمنین و تزلزل روحی‌شان در آیات این سوره، شاهدی بر همین مطلب است.^۱

جنگ نرم

در چنین آزمون سختی، جامعه اسلامی دو دسته شد. از سویی گروه مؤمنین با پایداری بر ایمان خویش افزودند و به مدد الهی بعد از مدت‌ها محاصره، شکست سخت و غیرمنتظره‌ای به دشمن چشانند.^۲ از سوی دیگر، نیز عده‌ای به بازوی رسانه‌ای دشمن تبدیل شده و با تخریب شخصیت نبی مکرم ﷺ، سعی در به‌هم‌زدن صف مؤمنین داشتند.^۳

۱. الأحزاب / ۱۰ و ۱۱: ﴿إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَوَسَّوْا بِاللَّهِ الظَّنُونَا. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾

«زمانی که از بالا و از پایین [شکرگاه] آن به سویتان آمدند، و نگاه که دیده‌ها [از شدت ترس] خیره شد و جان‌ها به گلو رسید، و به خدا آن گمان‌های [ناروا] را می‌بردید (۱۰). آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و به تزلزل و اضطرابی سخت دچار شدند (۱۱).»

۲. الأحزاب / ۲۲: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ

إِلَآئِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾

«هنگامی که مؤمنان گروه‌های دشمن را دیدند گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما وعده داده‌اند و خدا و پیامبرش راست گفته‌اند، و [جنگ خندق] جز برای ایمان و تسلیم آنان نیفزود.»

۳. الأحزاب / ۱۲: ﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾



این گروه پس از پیروزی مسلمانان و ناامیدی از «جنگ سخت»، فاز جدیدی از نبرد را در قالب «جنگ نرم» کلید زدند. دشمن در این فاز از مقابله، از دو حکم الهی در حوزه خانواده که برخلاف رسوم جاهلی بود برای برانگیختن احساسات مردم استفاده کرد.

بر اساس این دو حکم و برخلاف رسم جاهلی، دیگر کسی اجازه «طلاق ظهار»^۱ نداشته و نمی‌توانست با همسر خویش از این طریق متارکه نماید. همچنین فرزندخوانده، حکم فرزند اصلی را نداشته و احکام مرتبط با فرزند، مانند بهره‌مندی از ارث، حرمت ازدواج با همسر سابق او و... در خصوص فرزندخوانده جاری نبود.^۲ در چنین فضایی خداوند متعال به صرف اعلام احکام جدید بسنده نکرده و به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که برای تثبیت این حکم، به‌صورت علنی با همسر سابق فرزندخوانده‌اش ازدواج نماید.^۳

«و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند.»

۱. طبق فرهنگ جاهلی، مرد با کلماتی خاص، همسرش را به منزله مادرش به شمار آورده و بر خود حرام می‌کرد.

۲. الأحراب / ۴: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا

جَعَلَ أَدْعِيَاءَ كُرْأِيَاءَ كُرْذَلِكُمْ قَوْلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ»

«خدا برای هیچ مردی در درونش دو قلب قرار نداده، و همسران‌تان را که با آنان [ظهار] می‌کنید مادران شما نگردانیده، و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما ننموده است. این سخن [باطل و بی‌پایه] شماست که به زبان شما [جاری] است، و خدا همواره حق را می‌گوید، و همواره راه [درست] را می‌نمایاند.»

۳. الأحراب / ۳۷: «... فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا»

«پس هنگامی که "زید" نیاز خود را از همسرش به پایان برد [و او را طلاق داد] وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسرخوانده‌هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند، سختی و حرجی نباشد؛ و همواره فرمان خدا شدنی است.»



اجرای این دستور توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که حاکم جامعه اسلامی بود، دست‌مایه تبلیغات دشمنان و به‌خصوص منافقان علیه ایشان شده و جامعه اسلامی را به فتنه سخت دیگری می‌اندازد تا آنجا که برخی از خانواده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در معرض خطر قرار می‌گیرند. در این فضا است که خداوند متعال دستورهایی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جریان‌های نزدیک ایشان و عموم مؤمنین و زنان مؤمن می‌دهد که هرکدام قمستی از این جنگ ترکیبی را خنثی می‌نماید.

سفارش ویژه به زنان

در این طرح الهی، اولاً رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی وظیفه دارد تا احکام الهی را به‌صورت تام و کامل اجرا نموده و در برابر فشار دشمنان، اصلاً کوتاه نیاید.^۱ جریان‌های نزدیک به رهبر جامعه و مخصوصاً زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز وظیفه دارند تا بیشتر مراقب رفتار و ارتباطات خویش باشند.^۲ در مقابل، عموم مؤمنین هم وظیفه تبعیت محض از احکام الهی و دستورهای رهبر جامعه اسلامی حتی در موارد مخالفت با آداب و رسوم غلط اجتماعی را دارند.^۳

۱. الاحزاب / ۱ و ۲: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَأَتَّبِعْ مَا

يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝﴾

«ای پیامبر، بر تقوای الهی ثابت قدم و استوار باش، و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خدا همواره دانا و حکیم است (۱) و آنچه را که از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن؛ قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (۲)»

۲. الاحزاب / ۲۸ تا ۳۴.

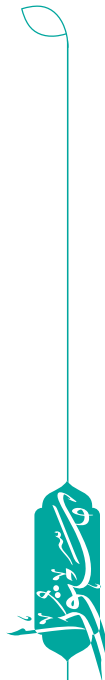
۳. الاحزاب / ۳۶.

دقت در آیات این سوره نشان می‌دهد با توجه به حساسیت ذاتی موضوع خانواده و همچنین اهمیت سیاسی موضوع در فضایی که دشمنان در حال موج‌سواری بر مسائل زن و خانواده هستند، قرآن سفارش‌های جداگانه و ویژه‌ای برای بانوان دارد: «قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ». بر اساس آیه‌ای که در آغاز این قسمت اشاره شد، بانوان یاور پیامبر ﷺ و وظیفه دارند تا بیش از پیش از حجاب خود محافظت نمایند تا سیاه‌لشکر دشمن و بازیگر نقشه‌های شوم سیاسی و فرهنگی او نباشند: «يَذُنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَائِبِهِنَّ». سپس آرامش بیشتر این زنان عقیف از آزار و اذیت دشمنان را دستاورد این اقدام می‌داند: «ذَلِكَ أَذُنِي أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ».

تهدید جدی منافقان و بیماردلان و شایعه‌پراکنان

اگر گمان می‌کنید حجاب همچنان یک دستور فرهنگی یا یک حکم شرعی فردی است، آیه بعدی را بنگرید که خداوند متعال چگونه از دلالت سیاسی این احکام در چنین فضایی سخن می‌گوید. در این آیه خداوند متعال، منافقین و بیماردلان و کسانی که در جامعه با دستگاه تبلیغاتی‌شان وظیفه دل‌سردی و ناامیدی مؤمنان را بر عهده دارند، مدنظر قرار داده و آنان را در صورت ادامه دشمنی، تهدید به مقابله‌های سختی از جمله اخراج و تبعید می‌کند: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»^۱ اکنون که از این زاویه، سوره مبارکه احزاب را بازخوانی کردیم، این نکته شایسته تأمل است که آیات قرآن چگونه نقشه و راهبردهای شیطان را





از پیش برای ما رسوا ساخته است؟ قرآن چه نگاهی به مقولهٔ حجاب دارد و اموری از این دست چه جایگاهی در نظام اندیشهٔ دینی دارند؟ آیات کتاب خدا چگونه دلالت‌های سیاسی احکام شرعی را بحث کرده و سطح مقابلهٔ جامعهٔ اسلامی با این‌گونه اقدامات را چگونه تعریف کرده است؟ چه جریان فکری و رسانه‌ای و سیاسی و با چه هدفی پشت چنین مقابله‌هایی با احکام الهی وجود دارد؟ وظیفهٔ مؤمنین و به‌خصوص بانوان در این‌گونه امور چیست؟ چگونه جریان نفاق و بیماردلان و رسانه‌های پمپاژکنندهٔ ناامیدی در جامعهٔ «مُرْجُفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» به هم دست همکاری داده‌اند و چه عقوبتی در انتظار آنان خواهد بود؟

تکمیل پازل دشمن

این‌گونه است که نادیده‌انگاشتن حجاب و دیگر احکام شرعی مانند آن، فارغ از اهمیت‌شان در چارچوب احکام فردی و اخلاقی و خانوادگی، نوعی هماهنگی با دشمنان برای مقابله با جامعهٔ دینی به شمار می‌رود. ازسوی دیگر، لشکر رسانه‌ای شیاطین با همکاری منافقان داخلی در آتش این فتنه می‌دمند تا با استفاده از کلمات و تعبیری فریبنده و ترکیبش با آنچه هنر تبلیغات و رسانه می‌نامندش، جنگ احزابی علیه مؤمنین به راه اندازند و جامعهٔ دینی را که در «جنگ سخت» سربلند بوده است، در «جنگ نرم» به زانو درآورند.

حرام سیاسی

با این نگاه، سورهٔ احزاب را می‌توان سند فهم مفهوم «حرام سیاسی» دانست که در آن سرپیچی از احکام الهی، هم‌گرایی با دشمنان برای



ضربه‌زدن به پیکرهٔ جامعهٔ اسلامی شمرده شده است؛ بنابراین تلاش دشمنی که بارها از ضربهٔ نظامی به ایران عزیز مأیوس شده است، در قالب هجومهٔ رسانه‌هایی که بانوان را در اجرای احکام الهی مقابل حکومت اسلامی قرار دهند، واضح می‌شود. در این «جنگ احزاب»، دشمن همهٔ نیروها را بسیج می‌کند تا برای نابودی جامعهٔ اسلامی، آخرین ضربه را با آخرین توان به او وارد سازند. قرار است به دستور اربابان غربی و به کمک دلارهای مرتجعان منطقه و آموزش‌های تروریسم صهیونیستی، گُسل‌های اجتماعی و دوگانه‌های زن‌مرد، شیعه‌سنی، کردفارس، مرکزپیرامون، باحجاب‌بی‌حجاب و... فعال شوند تا در کنار حضور طیف‌های متنوعی از منافقین، تروریست‌ها، گُردهای معارض، اپوزسیون خارج‌نشین، شئی‌مذهب‌های افراطی، بازیگران و ورزش‌کاران فراری، تلاش شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی و... کار را به گمان خودشان یکسره کنند. عده‌ای «مُرجف» نیز مأموریت فضاسازی روانی را در داخل بر عهده دارند تا با القای یأس و ناامیدی و شکست، جامعهٔ ایمانی را به عقب‌نشینی مجبور کنند.

به‌عنوان راهکار خروج از این وضعیت، خداوند به سیاست‌گذاران این جامعه دستور اجرای محکم دستورهای الهی و به گروه‌های میانی نیز دستور حمایت و تبعیت از حاکم جامعهٔ اسلامی داده است. طبق آیاتی که مرور شد زنان باورمند و مؤمن نیز وظیفه دارند تا بیش از پیش، حجاب را حفظ کنند و این‌گونه به «افسران جنگ نرم» تبدیل شوند. منافقین و بیماردلان و ترسوه‌های القاکندهٔ شکست هم به مجازات‌های



سنگینی، چون تبعید تهدید می‌شوند و حسابشان از فریب‌خوردگان جداست. این درس‌های سوره‌ احزاب برای چنین فتنه‌هایی است که غافلانش دیدار منافقین با نتانیا هو یا مسیح علی‌نژاد با مکرون را نمی‌بینند، دوره‌های آموزش نزاع و مقاومت شهری را تحلیل نمی‌کنند، تلاش‌های کشورهای معارض منطقه را رصد نمی‌کنند و از چرخه امنیتی و سیاسی و اقتصادی پشت ماجرا اطلاعی کسب نمی‌کنند تا با صدای شلیک دشمن از خواب بپرند!

اگر بدانند پشت این قضایا چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند

این فصل را با تبیینی از «حرام سیاسی» در فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب درباره اتفاقات پاییز سال ۱۴۰۱ به پایان می‌رسانیم:

در اغتشاشات گذشته، این‌ها مسئله زن را بهانه کردند، هیاهو راه انداختند؛ پشت قضیه هم دستگاه‌های جاسوسی دشمن‌ها بودند، [یعنی] دولت‌های غربی؛ آن کشورهایی که خودشان در مسئله زن به شدت متهمند... یک عده‌ای هم در داخل فریب [خوردند] به نظر بنده اغلب فریب خوردند به تبع دشمن خارجی و افراد خائن خارج‌نشین که آن‌ها تحریک می‌کردند، شعار آزادی زن را دادند. اینجا هم هوچیگری کردند؛ مثل خیلی از موارد دیگر، به جای استدلال منطقی و حرف صحیح و متین که بشود گوش داد، بشود جواب داد، بشود حرف زد، هوچیگری کردند... کشف حجاب هم «حرام شرعی» است، هم «حرام سیاسی» است. خیلی از کسانی که کشف

۰۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به «بیانیه تبیینی مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه»

حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که این‌ها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از این‌ها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تصرّفند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت این سیاستِ رفعِ حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند.^۱

۱. بیانات معظم‌له در دیدار مسئولان نظام، مورخ ۱۴۰۲/۱/۱۵.



﴿وَالْمُؤْمِنُونَ
وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ
سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱)

مردان و زنان باایمان ولیّ یکدیگرند؛ به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

**۹. حق برادری در پرتوی
واجب فراموش شده!**

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا
 وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ
 كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ
 كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ الْمَرِيَّاتِهِمْ
 نَبَأَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
 إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُظِلِّمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
 وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾



تلاوت كنيم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ كنيم

پنجه در پنجه شیطان!

در بخش سوم بیان شد که چگونه خداوند متعال بر اساس سنت‌هایش، در مقابل جبهه حق به سردمداری انبیا علیهم‌السلام، لشکری از شیاطین جنی و انسی قرار داده است که این لشکر شیطانی با یکدیگر هم‌فکری و همکاری دارند. ابلیس قسم خورده است همه آدمیان را بفریبد و در این مسیر، تمام تلاش خود را در دشمنی با انسان به کار می‌گیرد. حمله‌های بی‌امان او و سپاهیان‌ش، تمام ابعاد زندگی انسانی را درمی‌نوردد و لحظه‌ای غفلت، سقوط و بندگی شیطان و خروج از ولایت الهی را به همراه دارد؛ برای مثال بیان شد که هجمه رسانه‌ای لشکر شیطان چگونه موجب فتنه‌هایی با موضوع بانوان و خانواده شده است.



خانواده‌ای به وسعت ایران

اما سوآلی که به دنبال این فتنه‌ها مطرح شده و اهمیت یافته آن است که وظیفه سایر مؤمنین در مقابل این حملات شیطان و احتمال سقوط

اطرافیان چیست؟ آیا مؤمنین باید برای تقویت وحدت و یکدستی جامعه، در برابر اشتباه دیگران سکوت کنند؟ آیا باید تمام همت خود را فقط صرف خود و خانواده خودشان کنند؟ یا در خصوص لغزش‌های فکری و عملی دیگران نیز وظیفه و مسئولیتی دارند؟ مبنای مسئولیت عمومی مؤمنین در برابر دیگران چیست؟ آیا امر به معروف، باعث ایجاد دوقطبی و دودستگی در جامعه نمی‌شود؟ و ...

برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها باز هم سراغ آیات قرآن می‌رویم. در نبرد همه‌جانبه شیطان و انسان، خداوند متعال از سر رحمتش انسان را بی‌پناه رها نکرده و در مقابل چنین دشمن تائین دندان مسلحی، توانایی جمعی مقابله و مبارزه را در وی به‌ودیعه نهاده است. یکی از ابزارهای انسان در این مقابله، نهاد خانواده است که در قسمت‌های پیشین، درباره جایگاه آن و دستور خداوند به نگهداری این سنگر در مقابل حملات شیطان گفت‌وگو کردیم؛ بر این اساس به انسان دستور داده شده است تا از سر شفقت و مهربانی به خانواده‌اش، از آن‌ها در برابر سقوط در دام‌های آتشین شیطان نگهبانی کند.

جالب اینجاست که همین الگوی مراقبت جمعی در نهاد خانواده، در ابعاد بزرگ‌تری در جامعه نیز تسری می‌یابد؛ بر این اساس، مانند خانواده‌ای گسترده، مؤمنین با یکدیگر برادرند^۱ و سایه پدري رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم السلام را بر سر خویش دارند.^۲ این رابطه

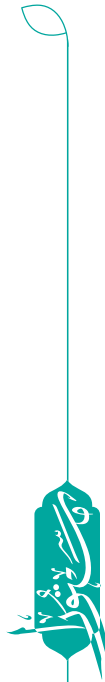
۱. الحجرات / ۱۰: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»

«جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند»

۲. «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ «من و علی، پدران این امتیم» (شیخ صدوق،

علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۷).





برادری بین مؤمنین که از آن به «اخوت ایمانی» و «ولایت بین مؤمنین» تعبیر می‌شود، وظایفی را برای هریک از آن‌ها در پی دارد که بی‌توجهی به مسائل دنیایی و آخرتی یکدیگر را نفی می‌کند؛ یعنی خانواده به‌عنوان سنگر مبارزه با شیطان، در ابعاد بزرگ‌تری در رابطه برادری بین مؤمنین نیز بازسازی شده است.

به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید مؤمنان

به بیان دیگر قرآنی، هر دو جریان نور و ظلمت، در قرآن کریم به دو درخت مثال زده شده است؛ یک سو درخت ناپاکی است که بی‌ریشه است و پایداری و استقامت زیادی ندارد و در سوی مقابلش، درخت پاکی است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌های پُرمروش در آسمان است.^۱ با دقت در این تمثیل روشن می‌شود که چگونه ارتباط ناگسستنی مؤمنین با یکدیگر در شبکه ولایی، رابطه هر شاخه را با تنه و ریشه برقرار می‌سازد و بر ثمره‌های این درخت روزبه‌روز می‌افزاید.

ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هرچه بیشتر

۱. ابراهیم / ۲۴ تا ۲۶: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلُمَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۚ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ إِذْ تُبَازِغُ الشَّمْسُ وَنَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِنْهُمْ مِيثَاقًا كَبِيرًا ۚ وَتَمَثَّلَ لَهَا كَلِمَةً خَبِيثَةً كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۚ﴾

«آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک مانند درخت پاک است؛ ریشه‌اش استوار و پابرجا و شاخه‌اش در آسمان است. (۲۴) میوه‌اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می‌دهد. و خدا مثل‌ها را برای مردم می‌زند تا متذکر حقایق شوند. (۲۵) و مثل کلمه ناپاک مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه‌کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)»

افراد این جبهه باید به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر، خودشان را جدا و کنار بگیرند؛ چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت.^۱

ولایت رابطه‌ای دوسویه است که هم به صورت طولی و عمودی در رابطه فرد با امام جامعه، همان تنه اصلی درخت، رخ می‌نماید و هم به صورت عرضی در رابطه ولایی بین مؤمنین، شاخه‌های شجره طوبی، با یکدیگر تبلور پیدا می‌کند.

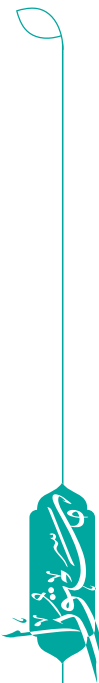
ولایت عرضی

آیه آغازین این قسمت، همین رابطه «ولایت عرضی» میان مؤمنین را بیان می‌کند که در آن مؤمنین هرکدام ولی یکدیگرند: «**الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ**». جالب آنکه چند آیه پیش‌تر، رابطه میان منافقین با الفاطی شبیه به همین بیان شد، بدون آنکه از واژه «اولیاء» استفاده شده باشد.^۲ این نکته بیان‌کننده این حقیقت است که هرچند غیرمؤمنین نیز کارهای به ظاهر جمعی دارند، روح ولایت میانشان وجود نداشته و آن‌ها صرفاً مانند دانه‌های پراکنده‌ای گرد هم آمده‌اند؛ به همین دلیل هرگاه منافع شخصی آن‌ها در تعارض با منافع جمعی قرار گیرد، خیانت ورزیده

۱. سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن.

۲. التوبة / ۶۷: «**الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيحُهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ**»

«مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگرند، به کار بد فرمان می‌دهند و از کار نیک باز می‌دارند و از انصاف در راه خدا امساک می‌ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را از لطف و رحمت خود محروم کرد؛ یقیناً منافقانند که فاسقند.»



و همدیگر را تنها می‌گذارند.^۱ افراد این جامعه به سبب تعارض منافی که با یکدیگر دارند در به کناره راندن یکدیگر برای جلب منافع شخصی بیشتر سعی می‌کنند. در چنین رابطه‌ای، شخصی که مسئولیت خود در ولایت عرضی را به‌جا نیاورد، رابطه طولی ولایت خدا و ولی الهی را نیز نپذیرفته و نمی‌تواند از عهده وظایف خویش در خصوص عبودیت خدا و اطاعت از ولی او بریاید. بر این اساس، آن‌ها خدا را فراموش کرده‌اند و خدا نیز آن‌ها را از رحمت خود محروم می‌فرماید.

تقویت اخوت و برادری

در مقابل، مؤمنین مقید به تثبیت و تقویت رابطه ولایت طولی و عرضی در شبکه نوری ولایی‌اند. از آنجا که هر جا سخن از ولایت می‌شود، پای وظایف و حقوقی نیز در میان است، در همان آیه آغازین بحث پس از آنکه از ولایت مؤمنین بر یکدیگر سخن رفته است، وظایف جمعی برادران مؤمن در این شبکه نوری ولایی نیز بیان شده است. در نتیجه، تثبیت و تقویت ولایت الله از طریق نماز، تثبیت و تقویت رابطه میان مؤمنین از طریق «امر به معروف و نهی از منکر»، پرداخت واجبات مالی و اطاعت از خدا و ولی الهی ممکن می‌شود که در نهایت رحمت الهی را به همراه دارد: «**أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ**».

حق برادری

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات مهم الهی است که با تعریف مسئولیت ایمانی در حوزه عمومی، نقش ویژه‌ای در اصلاح لغزش‌ها و

۱. الحشر / ۱۴: «**تَخْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى**» «تو آنان را متحد می‌بینی ولی دل‌هایشان پراکنده است.»

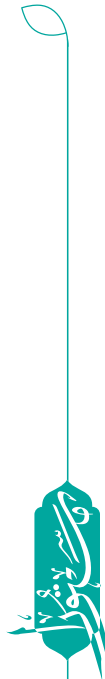


ترمیم اختلال‌های ایمانی دیگر افراد جامعه ایفا می‌کند. در مقابل این بازار کنترل اجتماعی، شیطان نیز بی‌کار ننشسته و ترفندهای مختلفی را برای خنثی‌سازی آن به‌کار می‌بندد. متأثر از وسوسه‌های او، برخی این واجب الهی را ترک کرده یا کارویژه بودن آن را باور ندارند. به عقیده آنان، التزام به این واجب الهی، جامعه را چندقطبی می‌کند و نوعی دخالت در امور دیگران به حساب می‌آید. این افراد در خصوص شخصی که خلافی انجام داده یا مرتکب گناهی می‌شود، چنین باور نادرستی دارند که او خودش به تنهایی در قبال قانون یا در مقابل خدای متعال پاسخ‌گوست و دیگران وظیفه‌ای در خصوص او ندارند. آنان هم خود، این واجب مهم را ترک کرده‌اند و هم از دیگر مؤمنینی که قصد امر به معروف دارند ممانعت می‌کنند و به برخی دلایل واهی یا برداشتهای ناصحیح از ضرب‌المثل‌ها^۱ نیز تمسک می‌جویند.

طرح ابلیس

اما طرح آسمانی برای مقابله جمعی مؤمنین با شیطان، دقیقاً نقطه مقابل چنین دیدگاهی است. چنانکه بیان شد رابطه ولایی میان مؤمنین، خود را در مسئولیت رفتاری آنان در خصوص یکدیگر نشان می‌دهد که در امر به معروف و نهی از منکر متبلور است. انسان مؤمن لغزش هرکدام از اعضای جامعه ایمانی را ضربه‌ای به پیکره امت اسلام و آفتی به شاخه‌های این درخت تناور می‌داند و در مقابل ترک امور شایسته و یا انجام کارهای

۱. برای مثال: «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، «هرکس را در قبر خود می‌گذارند»، «نرود میخ آهنین در سنگ»، «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو»، «با یک گل بهار نمی‌شود»، «آب که از سرگذشت، چه یک وجب چه چند وجب».



ناشایست توسط هریک از اعضای این خانواده بزرگ، ساکت نمی‌ماند. دل‌سوزی و خیرخواهی برای برادران، باعث می‌شود مؤمنین در خصوص یکدیگر احساس مسئولیت کرده و در مراقبت جمعی، یکدیگر را از سقوط در آتش برحذر دارند.

امر به معروف و دو قطبے سازی!

بر اساس آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران ایجاد الفت و برادری میان مؤمنین، نعمتی از سوی خداوند متعال در مسیر رهایی جامعه ایمانی از آتش است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» خداوند متعال در آیه بعد نیز بلافاصله دستور امر به معروف و نهی از منکر می‌دهد: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» که در حقیقت شکر عملی آن نعمت «برادری ایمانی» بوده و خودش مجدداً سبب تقویت رابطه ولایی و ایجاد وحدت و انس بیشتر میان افراد جامعه می‌شود. جالب است که در آیه بعدی در پرتو آیه امر به معروف باز خداوند مؤمنان

۱. آل عمران / ۱۰۳ و ۱۰۴: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكَانَ عَلَيَّ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰۴﴾ وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۵﴾»
«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده و گروه‌گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید؛ پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد. در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید؛ ولی شما را از آن نجات داد. خدا این‌گونه، نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید (۱۰۳) و باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند و اینانند که یقیناً رستگارند (۱۰۴).»



را از اختلاف و دودستگی بازمی‌دارد.^۱ با این توضیح در منطق قرآنی، امر به معروف نه تنها عامل تفرقه و دوقطبی شدن نیست، بلکه لازمه وحدت و یکپارچگی امت اسلامی به شمار می‌رود؛ از همین روست که ترک این وظیفه و سکوت مؤمنین در مقابل فعل ناپسند فردی که در حال سوراخ کردن کشتی جامعه ایمانی است، «عقوبت الهی» را به همراه خواهد داشت و حتی «مذمت و مؤاخذة عقلایی» نیز در پی دارد که از قدیم گفته‌اند:

چومی‌بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است بر اساس همان آیه ۶۷ سوره توبه که بیان شد، مسئولیت عمومی و امر و نهی اجتماعی حتی در میان منافقین نیز رواج دارد؛ با این تفاوت که آنان در مسیر مقابله با جامعه دینی، یکدیگر را امر به بدی‌ها و نهی از نیکی‌ها می‌کنند. پس اصل اثرگذاری این پدیده اجتماعی، حتی مورد قبول و عمل منافقین نیز است؛ با این حال، امروزه اوضاع تمدن غرب به عنوان جامعه‌ای که افراد آن غالباً احساس مسئولیتی در قبال یکدیگر ندارند، پیش روی ماست. آمارهای تکان‌دهنده بزه‌های اجتماعی و انحطاط اخلاقی، محصول ترک مسئولیت افراد در قبال گام‌های سقوط، و جایگزینی فرهنگ ناصواب «عافیت‌طلبی» به جای «مسئولیت اجتماعی» است.

واجب فراموش شده

پس در جامعه‌ای که مؤمنین با یکدیگر برادرند، بر اساس خیرخواهی، امر به معروف و وظیفه دینی و عقلی همگانی محسوب می‌شود که با

۱. آل عمران / ۱۰۵: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

تقویت رابطه ولایت عرضی مؤمنین، وحدت را به ارمغان آورده و رابطه طولی ولایت را نیز تثبیت و تقویت خواهد کرد. رهبری معظم درباره این «فریضه فراموش شده» چنین فرموده‌اند:

من می‌خواهم این واجب فراموش شده اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر^۱. هرچند فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا ﷺ و امیر مؤمنان علی‌السلام و دیگر امامان علیهم‌السلام دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خرد سالم، ستایش نمی‌کند؟... عمل به این وظیفه، تضمین‌کننده دوام و استحکام حکومت صالحان است و رها کردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه‌ساز سلطه اشرار و نابکاران^۲. نگذاریم «منکر»، «معروف» و «معروف»، «منکر» شود.... یک نفر بگوید، دو نفر بگویند، ده نفر بگویند؛ بالاخره طرف مجبور می‌شود ترک کند؛ یعنی اگر بارها گفته شد، روحاً مغلوب می‌گردد. من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را، ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی، واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم.^۳ هیچ اجتماع بشری

۱. بیانات معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم قم، مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲. پیام معظم له به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۳.

۳. بیانات معظم له در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۴.

نیست که در آن، فساد به وجود نیاید. بعضی کسان تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند «پس مسئولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!». ... محیط جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که اگر در آن فساد پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود. مثل جریان‌های عظیم آب... عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می‌کنند، نوار بد درست می‌کنند، حرف‌های بد درست می‌کنند، شعر بد می‌گویند، داستان بد می‌نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می‌کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می‌دهند... با این همه،... توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌گذارد دشمن پیروز شود.^۱

بر اساس مطالب پیش‌گفته، هدف اصلی شیطان در لابه‌لای تمام وسوسه‌هایش، از بین بردن آرامش انسان است؛ آرامشی که خداوند متعال در ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده است. بر این اساس، خانواده‌کانون‌های بی‌امان شیطان قرار گرفته است. اگر شیاطین انسی امروزی با ابزار رسانه و تبلیغات بتوانند فرهنگ برهنگی و ابتدال را گسترش دهند، با انهدام خانواده‌ها روبه‌رو می‌شویم. همچنین از طرفی اعضای خانواده در قبال اعمال یکدیگر مسئول هستند و اگر عضوی عملی ناپسند انجام داد شایسته و بایسته نیست که دیگران سکوت کنند. از طرف دیگر، جامعه ایمانی به‌منزله خانواده‌ای است در مقیاس بزرگ‌تر؛ پس حق برادری در نجات دیگران از مسیرهای انحرافی باید ادا

۱. بیانات معظم‌له در دیدار روحانیون و مبلغان، مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۶.



شود و این حق برادری، مسئولیت بزرگ و مهم «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. هر چه قدر اخوت و برادری و ولایت بین مؤمنین در جامعه تقویت شود، اثرگذاری امر به معروف بیشتر و هر چه امر به معروف بیشتر، برادری و دوستی بیشتر.



﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ
 يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا
 فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
 يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ
 يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
 بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ (نور، ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از حرام] فرو
 بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان
 پاکیزه‌تر است. قطعاً خدا به کارهایی که انجام
 می‌دهند، آگاه است (۳۰) و به زنان باایمان بگو
 چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و
 شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مگر
 مقداری که [طبیعتاً] پیدا است [در برابر کسی] آشکار
 نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های
 خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند... (۳۱).

۱۰. زدست دیده‌ودل...

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا
غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلِ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُونَ
أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾
وَقُلِ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ
بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعُولَتِهِنَّ
أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ
الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ
وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا
إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾



تلاوت کنیم



نکات حفظ

ترتیل



حفظ کنیم

ایستاده بجنگ

هنوز سخن از دشمنی و عداوت شیطان با انسان ادامه دارد. بیان شد که چگونه ابلیس و سپاهیان جنی و انسی او هم‌فکری و همکاری می‌کنند تا با القائات رسانه‌ای، سبک زندگی آدمی را تغییر دهند و با سوق دادن او به سمت عریانی، آرامش را از انسان سلب کنند. آن‌ها سعی می‌کنند تا امیال طبیعی انسان را به انحراف کشیده و از طریق انهدام نهاد خانواده، جوامع انسانی را نیز به انحطاط بکشانند؛ اما در مقابل، خداوند نیز با مستحکم کردن پیوند ایمانی در قالب خانواده و اخوت ایمانی، شبکه‌ی نوری مبارزه با سپاهی‌های شیطان را ایجاد و تقویت می‌کند.



بشنویم

طرح کلان آسمانی

اما سؤال این است که بالاخره نسخه‌ی عملی خداوند متعال برای کنترل میل جنسی چیست و چگونه انرژی فراوان این میل طبیعی، در عوضی ویرانی باید در مسیر سالم و کنترل‌شده‌ای در خدمت جامعه‌ی انسانی قرار

گیرد؟ آیا مؤلفه‌هایی که در قسمت‌های پیشین در قالب نعمت خانواده و برادری دینی و همچنین ابزار امر به معروف و نهی از منکر بحث کردیم، به تنهایی می‌تواند پاسخ‌گوی تأمین و کنترل امیال طبیعی انسان در جامعه باشد؟ یا این طرح کلان آسمانی، عناصر تأثیرگذار دیگری نیز دارد؟ چگونه انسان باید از گام‌های اولیه تبعیت از شیطان در این باره آگاه شود و از آن بپرهیزد؟ این پرسش‌ها و سؤال‌هایی از این دست، لزوم سخن از محتوای این بخش و قسمت آینده را گوشزد می‌نماید.

باز هم برای یافتن پاسخ پرسش‌های پُراهمیت زندگی بشر، به سراغ آیات قرآن و این بار سوره مبارکه نور می‌رویم. این سوره در فضایی نازل شده است که امور جنسی و مقابله با فحشا و تهمت‌های جنسی و...، مسئله روز جامعه اسلامی شده است. حالا خداوند متعال برای رسیدن به جامعه و تمدنی عفیف و نورانی که برخاسته از خانه‌های نورانی است، شش گام راهبردی را ذکر می‌کند.

شش گام راهبردی سوره مبارکه نور برای تثبیت عفاف و حجاب

- اولین گام راهبردی جامعه عفیف، عرصه «قضائی» و تأکید بر اجرای علنی حدود الهی است.^۱
- دومین گام، مقابله «امنیتی و انتظامی» با فتنه‌گرانی است که فضای بی‌حیایی را در فضای عمومی و رسانه‌ها، عادی‌سازی و ترویج می‌کنند و قصد دارند مانع اجرای حدود الهی شوند.^۲

۱. نور، آیه ۲ تا ۱۰: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...»

۲. نور، آیه ۱۱ تا ۲۰: «إِنَّ الدِّينَ جَاوِزٌ إِلَّا فِكْرَ عُصْبَةِ مَنْكُمْ...»



- راهکار «اقتصادی» سومین بُعد این نقشه جامع الهی است که به لزوم فقرزدایی در جامعه و مقابله با بهانه‌تراشی‌های برخی مؤمنین پول‌دار می‌پردازد.^۱
 - چهارمین گام راهبردی، مربوط به نهاد خانواده و حفظ حریم خصوصی است.^۲
 - کنترل نگاه، حفظ دامن و رعایت پوشش مناسب، پنجمین راهبردی سوره نور است.^۳
 - و آخرین و ششمین گام هم بسیج عمومی برای امر ازدواج دادن جوانان است.^۴
- این شش گام مهم و راهبردی سوره مبارکه نور برای کنترل و تنظیم امور مرتبط با میل جنسی است که در آیه ۶۲ همین سوره، از آن به‌عنوان یکی از مصادیق «امر جامع» یاد می‌کند.^۵ امر جامع امری است که همه افراد

۱. نور، آیه ۲۲: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيُعْطُوا وَيُصْفَحُوا...»

۲. نور، آیه ۲۷ تا ۲۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا...»

۳. نور، آیه ۳۰ و ۳۱

۴. نور، آیه ۳۲ و ۳۳: «وَأَكْبَحُوا أَيَّامِيَ مُنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِمِ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»

۵. النور/۶۲: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا مِنْهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُغِضَ شَاتِرَهُمْ فَأَذَنْتَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

«مؤمنان فقط آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که بر سر کار مهمی [که طبیعتاً مردم را گرد هم می‌آورد] با پیامبر باشند تا از او اجازه نگیرند [از نزد او] نمی‌روند. به راستی کسانی که [برای رفتن] از تو اجازه می‌گیرند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس هنگامی که برای برخی از کارهایشان از تو اجازه می‌خواهند، به هر کدام از آنان که خواستی اجازه بده و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

نگاه و پوشش

و نهادهای اجتماعی برای تحقق آن باید به میدان بیایند و با تمام توان خود جهاد نمایند. ما به تناسب، در این قسمت از راهکار پنجم و در قسمت آتی از راهکار ششم گفت‌وگو خواهیم کرد.

چنانکه اشاره شد، پنجمین راهکار خدا در این سوره، بیان احکام مرتبط با نگاه و پوشش و رابطه با نامحرمان است. مواجهه با این آیات از این سؤال آغاز می‌شود که چرا مردان و زنان دیگر، نامحرم محسوب شده و نباید به آنان نگریست؟ محدوده نگاه به نامحرمان چیست؟ تا چه حد آن‌ها باید خود را بیوشانند و تا چه مقدار آنان نباید نگاه کنند؟ آیا احکام نگاه مختص به مردان است یا شامل زنان خداپاور هم می‌شود؟ حفظ رابطه زن و مرد چقدر باید به اقتضای فهم خود آن دو باشد و چه مقدارش توسط خداوند قانون‌گذاری شده است؟ زیبایی چهره زنان و مردان یا میزان سلامت روانی هریک، تا چه اندازه در این قوانین تأثیرگذار است؟ نقش حکومت اسلامی در تنظیم این رابطه چیست؟ و...

تمام راز فاجعه در اولین نگاه بود

در ابتدای این بخش ذکر شد که خداوند متعال در آیات ۳۰ و ۳۱ احکام پوشش و نگاه را برشمرده است؛ خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که به مؤمنین بگوید چشمانشان را فرو بندند و دامنشان را نیالیند: **«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»**. بیان متوالی این دو گزاره، نکته لطیفی در فلسفه حفظ نگاه دارد؛ گویی حفظ نگاه، مهم‌ترین عامل «پیشگیری» بوده و رابطه مستقیمی میان پاک‌ی چشم و پاک‌ی دامن

وجود دارد. انسانی که چشم‌های ناپاکی دارد، ورودی‌های ذهن خود را آلوده کرده و طبیعتاً خاطری شهوانی و آلوده دارد که آرامش را از او سلب کرده است^۲ و او را به کارهای ناشایست جنسی فرامی‌خواند. به همین دلیل گفته‌اند:

ز دست دیده و دل هردو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد
با این توضیح، اولین دستور خداوند در این باره «غَصْ بصر» است. با دقت در معنای این کلمه و تفاوتش با «غمض» مشخص می‌شود که اولی به معنای به زیر انداختن نگاه و دومی به معنای بستن چشم است. خداوند متعال از مؤمنین نخواست است که با چشمانی بسته در جامعه حضور پیدا کنند؛ بلکه دستور فرموده است نگاه خویش را از حرام کوتاه کنند که در حقیقت مایه پاک‌ی روان جامعه و مقابله با آلودگی‌ها از سرمنشأ آنهاست. به عبارت دیگر، مقابله با شیطان در نگاه آلوده، پیروی نکردن از گام‌های اولیه انحرافی در دعوت به ناپاکی‌هاست که در آیه ۲۱ همین سوره بیان شده است.^۳

۱. «عن النبی ﷺ: وَإِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَىٰ وَ يُؤَلِّدُ الْعُقَلَةَ» (ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۳۱۳).

۲. از هرزه چشمی و چشم‌چرانی بپرهیزید؛ زیرا که نگاه، هوس (و شهوت) را می‌رویاند و موجب غفلت می‌شود.
۳. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَطْلَقَ ظَرْفَهُ كَثُرَ أَسْفُهُ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۳).
«آنکه کنترل چشم را از دست بدهد، حزن و اندوه او بسیار گردد.»

۳. النور: ۲۱/ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»
«ای مؤمنان، از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ و هرکه از گام‌های شیطان پیروی کند (هلاک می‌شود) زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می‌دهد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خدا هرکه را بخواهد پاک می‌کند؛ و خدا شنوا و داناست.»

نکته شایان ذکر دیگر اینکه هر قانون‌گذار برای وضع قانون، همه مخاطبان را در نظر گرفته و مطابق توانایی‌ها و محدودیت‌های آنان قانون‌گذاری می‌کند. برای مثال توانایی افراد در رانندگی و کنترل وسیله نقلیه را در کنار خطرات سرعت زیاد و همچنین کیفیت جاده‌ها و مسائلی از این دست را در نظر گرفته و محدودیت سرعتی معینی را برای جاده‌ها قرار می‌دهد. در این صورت کسی نمی‌تواند به بهانه مهارتش در رانندگی و یا کیفیت خوب وسیله نقلیه‌اش و جاده، با سرعتی بیشتر براند و قانون را زیر پا بگذارد. درباره حجاب نیز همچنین است که خداوند متعال با علم به جوانب زندگی بشر و محدودیت‌ها و توانایی‌های او و خطرات انحراف از مسیر، قوانینی را در پوشش و نگاه و ارتباط وضع کرده است. افراد نمی‌توانند به بهانه سلامت روان، کنترل نفس، اطمینان از محیط پاک و مسائلی از این دست، قوانین نگاه و پوشش را نقض کنند و بر این قوانین بتازند. برای همین است که در این آیات، میان «ایمان» و «کنترل نگاه» تلازم بیان شده است: **﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوٓا۟﴾**.

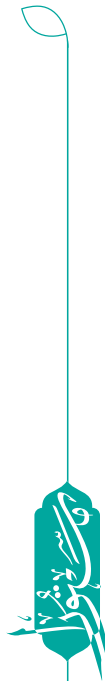
ازک

باید دانست که خداوند متعال این قوانین را بدون دلیل و برای به سختی افکندن ما وضع نکرده است؛ بلکه هدفی را دنبال می‌کند که در اینجا طهارت جان و تن آدمی و پاکی جامعه بشری است.^۱ در همین آیه نیز بعد از دستور به کنترل نگاه و دامن مؤمنین، فرموده که این برای

۱. المائدة / ۶: ﴿...مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ...﴾

«خدا نمی‌خواهد [با احکامش] بر شما سختی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را [از آلودگی‌ها] پاک کند.»





خودشان پاک تر است: **«ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ»**. ریشه واژه «ازکی» در زبان عربی به معنای پیراستن و جدا کردن متن سالم از اضافات است. بنابراین، این ترکیب حاوی این معناست که احکام نگاه و پاک دامنی، در حقیقت درون آدمی، رفتار او و جامعه او را از آلودگی‌ها پاک می‌کند. نگاهی به آمار طلاق و فروپاشی خانواده، تجاوز، انحرافات جنسی، افسردگی، خودکشی و... در جوامعی که آزادی نگاه و پوشش در آن‌ها به انحطاط و زوال اخلاقی انجامیده است، بیان‌کننده همین حکمت احکام الهی است. همچنین سه‌گانه کنترل چشم، حفظ دامن و ازکی بودن («يَعْتَصُوا، يَحْفَظُوا، أَزْكَىٰ»)، از این حکایت می‌کند که کنترل چشم، عامل طهارت معنوی و در مقابل، چشم‌چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان است.

وظیفه مشترک

آغاز آیه بعدی، بیان حکمی است که شاید کمتر به آن توجه شده است. اینکه کنترل نگاه، فقط مخصوص آقایان نبوده و بلکه طبق این آیات، حکم مشترک میان زنان و مردان است و هر دو باید نگاه خویش را در مقابل نامحرم کوتاه کنند: **«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»**. مانند مردان، کنترل نگاه برای زنان نیز پاک دامنی به همراه دارد.

حکم اختصاصی زنان و رمز و راز آن

اما افزون بر حکم پیش‌گفته، حکمی دیگر برای بانوان به صورت اختصاصی بیان می‌شود: حکم حجاب و روابط در چارچوب. تفاوت احکام زن و مرد در این قسمت فقط به دلیل همان تقسیم نقش‌های اجتماعی است که در قسمت‌های پیشین بیان شد. رأفت و رحمت مادری و ایفای

نقش همسری باعث شده است تا جنس زن از لطافت روحی و رفتاری و همچنین جذابیت‌های جسمی بیشتری برخوردار باشد که عامل استحکام نهاد خانواده است؛ اما باید این جمال و زیبایی را محدود به مرزهای خانواده کند و بیرون از این محدوده، فقط با جنبهٔ انسانیت خود و نه جنسیت خود حضور داشته باشد. فلسفهٔ حکم پوشش و حجاب برای بانوان، همین خطر سقوط به واسطهٔ کشش امور جنسی است. به همین دلیل در انتهای آیهٔ ۳۱، آنانی که توانایی امور جنسی ندارند یا پسرانی را که هنوز اطلاع از این امور ندارند از حکم حجاب بانوان استثنا کرده است: «**أَوِ التَّابِعِينَ غَمْرًا أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِي لَمْ يَطْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ**».

بنا به محتوای این آیات که با آیات «ممنوعیت تبرج» هم‌گراست، با توجه به علم بی‌پایان خداوند به تمایلات انسان‌ها و خطر سوءاستفادهٔ شیطان از این گرایش‌ها، جلوه‌گری زنان در جامعه ممنوع است: «**وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ**». در میان انواع پوشش‌ها، پوشش سر و گردن و سینه نیز اهمیتی مضاعف دارد: «**وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُوهِهِنَّ**». پوشش، گفتار، رفتار و هر عملی که موجب جلب نظر نامحرمان و طمع بیماردلان گردد، حتی اگر در نحوهٔ راه‌رفتن باشد و سبب آشکار شدن زیور و زیبایی‌های زن شود، جایز نیست: «**وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ**».

عالم محضر خداست

ابتدا و انتهای آیهٔ سی‌ام، حاوی نکتهٔ بسیار مهم دیگری است. خداوند متعال بعد از اینکه به کنترل نگاه و دامن دستور داده است، انسان را



متوجه این نکته می‌کند که «عالم محضر خداست» و او شاهد و عالم بر همه خلوت‌های انسان است: «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»

وظیفه حاکمیت

بنابراین انسان باید با ابزار کنترل درونی، نگاه و شرمگاه خود را پاک نگاه دارد؛ اما خداوند متعال به این ابزار درونی اکتفا نکرده است. دقت در ابتدای آیه نشان می‌دهد که امر به کنترل نگاه و دامن، مستقیماً خطاب به خود مؤمنین نیست، بلکه به پیامبر ﷺ امر کرده است که او به مؤمنین چنین دستور بدهد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ». با تدبیر در این قسمت از آیه واضح می‌شود که در کنار ابزار کنترل درونی، ابزار کنترل حاکمیتی نیز در خصوص پوششش موضوعیت دارد. بر این اساس، حاکمیت وظیفه دارد تا در مقابل رواج آلودگی بصری و ناهنجاری در پوشش ورود کند و اقداماتی برای کنترل و اصلاح آن انجام دهد.

افتخار زنان

در پایان این قسمت نیز به تناسب، بخش دیگری از فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب درباره پوشش را مرور می‌کنیم.

ببینید چقدر حیا اهمیت دارد و چقدر فاجعه‌بار است سیاستی که امروز در دنیا به وسیله عوامل قدرت‌های ضدبشری برای زدودن حیا رایج است... وقتی می‌خواهند حیا را بردارند، از راه‌های مختلف وارد می‌شوند. مسئله اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله پوشش زن و مرد یک مسئله است. چیزهایی که تحت عنوان حقوق زن



بیان می‌شود، یکی از این پنجره‌های شیطانی است... دنیا این جور نبوده که امروز هست. حتی انسان آثار هنری و ادبی اروپایی‌ها را که نگاه می‌کند، تا ۱۵۰ سال پیش، ۲۰۰ سال پیش مطلقاً این خبرها در اروپا نبوده؛ این فساد و این تهتک و این تهتر را عمدتاً از وقتی که صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها بر امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مسلط شدند، به تدریج رایج کردند؛ انگیزه‌هایی هم دارند، اهدافی دارند... این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است^۱ [در عرصه فعالیت‌های اجتماعی] اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسئله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا داشته باشند... برای اینکه محیط، سالم و دارای امنیت باشد، زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته اسلام است.^۲ هم برای آنجا [آخرت]، هم برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور، وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیدات و پایبندی را خانم‌ها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب

۱. بیانات معظم‌له در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله «حیا»، مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳.

۲. بیانات معظم‌له در اجتماع زنان خوزستان، مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه عفاف، ملاحظه حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است؛ اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانم‌ها خیلی باید مراقبت کنند مسئله حجاب را، مسئله عفاف را؛ وظیفه آن‌هاست، افتخار آن‌هاست، شخصیت آن‌هاست.^۱



۱. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲.

﴿وَأَتَّكِحُوا الْآيَاتِ
مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ
إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ بُغْنَهُمَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ
اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور، ۳۲)

[مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان
شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهی دستند، خدا
آنان را از فضل خود بی نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار
عطا کننده و داناست.

**۱۱. شهری بر
دامنه آتش فشان...**

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ
 يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾
 وَلَيْسَتَّعَفُوفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ
 وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ بِمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَبِتُوهُمْ إِنْ
 عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ وَأُوهُم مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ وَلَا تَنْكُرُوهُ
 فَتَيْتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصَّنَا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا
 مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾ *اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
 الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
 لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ
 تُوِّرُّ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَضَرِبَ اللَّهُ الْاَمْثَالَ
 لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِي يَوْمٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ
 وَيَذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾



تلاوت كنيم

نكات حفظ



ترتيل



حفظ كنيم

مهندس ابلیس

در قسمت پیشین و در ادامه پاسخ به طرح عملیاتی خدا در خصوص حفاظت بشر از نقشه شوم لشکر جنی و انسی شیطان که عریانی آدم و سلب آرامش انسان را پی می‌گرفت، به بررسی آیات سوره نور پرداخته شد. فضای نزول سوره نور بررسی شد و شش راهبرد عمده خداوند متعال در خصوص کنترل صحیح مسائل جنسی در جامعه بازبینی و درباره آن تدبیر شد. در پنجمین راهبرد بیان شد که چگونه خداوند متعال دستورهایی برای پوشش و سلامت چشم و دامن مؤمنین و طهارت درونی و پاکی محیط جامعه صادر فرموده و ضمانت اجرایی آن را منوط به کنترل درونی فرد و همچنین تنظیم کردن آن توسط حکومت اسلامی کرده است. این‌ها همه نقش سیل‌بندی را داشت که قطره‌های غریزه انسانی را از سرچشمه کنترل کرده و اجازه نمی‌داد به سیلی ویرانگر بدل شوند. به بیان دیگر، راهکارهای سلبی خداوند متعال، کنترل چشم دامن و پوشش و همچنین مراقبت در موارد ارتباط با نامحرمان بود.



بشنویم

شهری بر دامنه آتش فشان غریز

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود آن است که راهکار ایجابی خداوند متعال برای طهارت فرد و پاکی جامعه چیست؟ نمی‌شود خداوند حکیم، میل و طلب و تشنگی را در انسان ایجاد کرده و در مقابل، فقط به فرمان خود نگهداری و کارهای سلبی بسنده کرده باشد. خداوند برای شهری بر دامنه آتش فشان غریز، باید مجرای صحیح اطفای میل جنسی را بیان کرده و با رفع موانع آن، راهکارهای اجرایی آن‌ها را نیز ارائه فرموده باشد.

راه حل خداوند «ازدواج کردن» نیست

آیه ۳۲ سوره نور، اختصاص به همین ارائه راهکار ایجابی خداوند در این زمینه دارد. با دقت در ابتدای این آیه روشن می‌شود که راه حل خداوند متعال «ازدواج کردن» نیست...؛ بلکه «به ازدواج درآوردن» است. آغاز این آیه امر به مؤمنین است که بی‌همسرانتان را به ازدواج درآورید: **«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ»** با این ملاحظه ازدواج از امر شخصی، به نهضتی عمومی و وظیفه‌ای جمعی تبدیل خواهد شد؛ به عبارت دیگر، مؤمنین برای پاک‌سازی فضای جامعه و برای طهارت برادران و خواهران ایمانی خود، وظیفه‌ای دارند و آن هم به ازدواج درآوردن آنان است.

مخاطب امر **«أَنْكِحُوا»** در ابتدای آیه، من و شما و همه مؤمنین و دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی و دینی و حاکمیتی و... هستیم. هرکس می‌خواهد کاری در راستای تعالی جامعه و رهیدن او از دام‌های شیطان انجام دهد، چندان نیازی به اتاق فکرهای تودرتو و تصمیم‌های عجیب‌غریب نیست. راهکار خداوند، به ازدواج درآوردن بی‌همسران

است تا با کنترل امیالشان، نیمی از ایمان ایشان محفوظ شده و این‌گونه از دسترس شیطان دور شوند. این مسیری است که خداوند متعال برای طهارت فردی و پاکی جامعه روشن ساخته است.

دو بال سلبی و ایجابی برنامه خدا

بنابراین جامعه‌ای که نیمی از دستور خداوند مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر و دستور پوشش و نگاه و پاک‌دامنی و... را پُررنگ کرده و برای آن متولی و دستگاه و بودجه و قوانینی قرار داده است، ولی در مقابل برای نهضت عمومی ازدواج جوانان و تسهیل این مهم گام‌های عملی مؤثری برنداشته است، کاریکاتورگونه، بخشی از دین را پذیرفته و بخشی را پس زده است. طبیعی است که نظام دینی در این صورت کارویژه صحیح خود را انجام نمی‌دهد و همان اقدامات حجاب و پوشش نیز کارایی لازم را ندارد. «يُعْضُوا» و «يَحْفَظُوا» در کنار «أَنْكَحُوا» دو بال سلبی و ایجابی برنامه خداوند در کنترل کشش‌های طبیعی انسانی است و تمسک به هریک بدون دیگری، مصداق منطق ناصحیح «تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ»^۱ است.

البته در مقابل نیز جوانانی که در معرض ازدواجند باید صلاحیت زندگی مشترک را در خود پدید آورند: «وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»؛ یعنی افزون بر پاک نگه داشتن خویش تا زمان ازدواج، هر دو طرف (زن و مرد) وظیفه دارند پیش از ازدواج، مهارت‌ها و توانمندی‌های زندگی مشترک و عبور از گردنه‌های آن را تا حدودی کسب کرده و شایستگی

۱. نساء، آیه ۱۵۰.

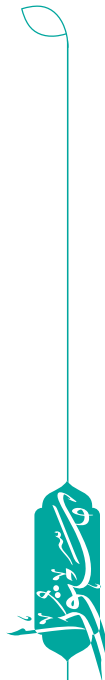
زوجیت را پیدا کنند. این دستور خداوند ثمر دیگری هم دارد و آن اینکه وقتی جوانی ببیند برای در معرض ازدواج قرار گرفتن، باید در زمره صالحین باشد، سعی می‌کند تا پیش از ازدواج، لغزش‌های خود را به حداقل رسانده و به وجهه و اعتبار اجتماعی خویش آسیبی نرساند. خود این مسئله نیز یکی دیگر از ابزارهای کنترل‌کننده دینی برای طهارت محیط جامعه است.

باور غلط

البته باید دقت داشت برخلاف باور غلط رایج، ثروتمند نبودن، انسان را از صلاحیت ازدواج خارج نمی‌کند: **«إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِمِ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»** نه ثروت، مایه فخر و مباهات است و نه نبود آن، مایه سرافکنگی است. غریزه و امیال طبیعی در دارا و ندار و در برده و آزاد و... تفاوتی ندارد که یکی در معرضیت بیشتری برای ازدواج باشد! به همین دلیل است که خداوند متعال سه فقره **«مِنْكُمْ عِبَادِكُمْ - إِمَائِكُمْ»** را آورده و حتی قید **«إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ»** را هم اضافه فرموده است تا چنین باور اشتباهی شکل نگیرد.

شریک جرم

کسانی که باورها و رسوم غلط در زمینه ازدواج را ترویج می‌کنند و بر آن پافشاری دارند، دانسته یا نادانسته در مسیر طرح و نقشه شیطان برای دوری از ازدواج گام می‌گذارند. قراردادن شروط عجیب اقتصادی و غیراقتصادی برای عروس و داماد، خرج‌های بیهوده مراسم ازدواج و قبل و بعد آن، سخت‌گیری در مهریه و جهیزیه و... همه و همه جامعه و



به خصوص جوانان مجرد را از مسیر صحیح اطفای امیال طبیعی، به سمت ناهنجاری‌ها و انحطاط اخلاقی ناشی از طوفان غرایز سوق می‌دهد. با اصرار بر این باورهای غلط، روزبه‌روز به تعداد زخم‌خورده‌های مجرد افزوده‌ایم و به دستور الهی مبتنی بر به ازدواج درآوردن بی‌همسران، بی‌اعتنایی کرده‌ایم و امر خدا را سبک شمرده‌ایم. این چنین است که -پناه بر خدا- ما نیز در لغزش‌ها و گناهان آن جوانان شریکیم و دامن این آلودگی‌ها، کم‌کم دامن جامعه و بلکه خانواده ما را نیز خواهد گرفت... .

بنابراین نقشه اصلی ایجابی خدا برای رهایی از جامعه شیطانی، به ازدواج درآوردن است و چنانکه پیش‌تر هم بیان شد موارد مجرد، هرچند از سر ناچاری و عذرهایی باشد، تنها استثنای این قاعده کلی‌اند. این موارد استثناء ملزم به سرلوحه قرارداد عفاف در زندگی خود هستند؛ البته در ادامه، خدای متعال امید به فضل الهی را همچنان در دل ایشان زنده نگاه داشته است.^۱

ازدواج آسان

پس به شهادت ابتدای آیه مورد بحث، مؤمنین وظیفه تسهیل‌گری در ازدواج بی‌همسران را دارند؛ به عبارت دیگر برداشتن موانع ازدواج مجردها، بر عهده سایر اعضای جامعه دینی است. با این توضیحات، تسهیل‌گری در ازدواج، از بالاترین اولویت کارهای فرهنگی و حتی بسیج عمومی

۱. النور / ۳۳: «وَلَيْسَتَفْتِيْبِ الدِّينِ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُفْتِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»
«و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد»



هیئت‌ها و مراکز دینی و ائمه جمعه و خطبا و افراد تأثیرگذار و صداوسیما و رسانه‌هاست. همچنین از بهترین مصارف نذورات و وقف‌ها و هدایای بانیان خیر و متمولین جامعه اسلامی، ایجاد خیریه‌های مرتبط با ازدواج و تشویق جوانان به این مهم و تسهیل ازدواج آنان و کمک به ایشان در این زمینه است. به خصوص در سال‌هایی که آمار تجرد قطعی در کشور در حال افزایش است.^۱

گفت‌آسان گیر بر خود کارها

رهبر معظم انقلاب نیز بارها به این مهم تأکید و اصرار فرموده‌اند و حتی سیره شخصی ایشان نیز اصرار بر ساده برگزارکردن مراسم‌های ازدواج و مهریه و... بوده است. برای نمونه این بیانات را مرور کنیم:

یک [مسئله] هم ازدواج مجزّدان است. «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» این الان واقعاً لازم است. [گاهی دخترهایی بدون آوردن نام یا گاهی هم با نام، به من نامه می‌نویسند که طالب ازدواجند و برایشان فراهم نمی‌شود. یکی از دعا‌هایی که بنده دائم می‌کنم برای ازدواج دخترها و پسرهایی است که مایل به ازدواجند و امکان ازدواج ندارند.^۲ البته یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت‌کردن برای ازدواج دخترها،

۱. ایرنا: براساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، تجرد قطعی که در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱.۳۴ درصد و برای زنان ۱.۱۹ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲.۲۶ درصد برای مردان و ۳.۷۳ درصد برای زنان رسیده است؛ این آمار نشان می‌دهد، روند افزایشی تجرد قطعی در زنان، بسیار بیشتر از مردان بوده به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان، حدود ۲ برابر شده اما برای زنان بیش از سه برابر بوده است.

۲. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از فعالان و کارشناسان حوزه خانواده، مورخ ۱۳۹۸/۵/۲۴.

متأسفانه کم‌رنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند...
 پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده دختر معرفی می‌کنند؛ دخترهایی
 را می‌شناسند، به خانواده پسر معرفی می‌کنند، تسهیل می‌کنند و
 آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را؛ این کارها را بکنند. هرچه که ما بتوانیم
 در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع
 دنیا و آخرت جامعه ماست؛ به نفع دنیا و آخرت کشور ماست...
 من همین‌جا به پدرها و مادرها تذکر می‌دهم؛ من خواهش می‌کنم و
 تقاضا می‌کنم از شماها که یک خرده امکانات ازدواج را آسان کنید.
 پدر و مادرها سخت‌گیری می‌کنند؛ هیچ سخت‌گیری لازم نیست.^۱ چرا
 سن ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده ساله، هجده ساله،
 نوزده ساله، احتیاج ندارد به اطفاء نیاز جنسی و غریزه جنسی؟... ما
 نباید تصوّر بکنیم که حتماً بایستی یک نفری یک خانه ملکی داشته
 باشد، یک شغل درآمد داری داشته باشد، بعد ازدواج بکند؛ نه، «ان
 یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله»؛ این قرآن است [که] با ما دارد
 این جور حرف می‌زند.^۲ البته موانع اقتصادی، بخشی از مشکل است.
 عمده، موانع فرهنگی است: عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و
 هم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها. این‌هاست که یک مقدار نمی‌گذارد
 آن کاری که باید انجام گیرد، صورت پذیرد... اساس ازدواج در
 اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب نیز همین‌طور بود؛ منتها
 متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک خرده کار را

۱. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از دانشجویان، مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۰.

۲. بیانات معظم‌له در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف

جامعه»، مورخ ۱۳۹۲/۸/۶.

مشکل کرد. ^۱کما اینکه در مورد خود ما هم همین طور بوده است. در موارد معدودی که بوده - دو تن از فرزندان من ازدواج کرده‌اند - به‌کلی این معنا مورد نظر نبوده است. ^۲ازدواج جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رائج شده. مهریه‌های سنگین... یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرج‌های زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شنود. این‌ها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، به خصوص صداوسیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند. ^۳

۱. بیانات معظم له در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۲. بیانات معظم له در دیدار جمعی از بانوان اندیشمند و سخنان بانوان در این دیدار، مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۸.

۳. بیانات معظم له در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.



﴿مَا كَانَ لِشَيْءٍ
أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
وَالنَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادَ آلِي مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ
الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ (آل عمران، ۷۹)

هیچ انسانی را نسزد که خدا به او کتاب و حکمت و نبوت دهد، سپس به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید. بلکه [تکلیف الهی و انسانی او اقتضا می کند به مردم بگوید: از آن روی که کتاب آسمانی را به مردم می آموزید و نیز درس می گیرید، ربانی و الهی باشید و در عبادت و بندگی او سخت بکوشید.

۱۲. من اگر بنشینم...
تو اگر بنشینم...

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُونُ أَسِنَّتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ
 مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ
 وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ
 الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ
 تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ
 إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَآءَ آتَيْتُكُمْ
 مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا
 مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ
 عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ
 مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْمَ مِنْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾



تلاوت كنيم

نكات حفظ



ترتيل



حفظ كنيم

أَنْ يُؤْتِيَهُ: که به او بدهد

رَبَّانِيَيْنَ: دانشمندان الهی مسلک



بیاموزیم

یادداشت

Handwriting practice lines consisting of 15 horizontal dashed lines.

آلام دردهای بشر

در نخستین بخش، دربارهٔ عهدی که خداوند از کسانی که به آنها کتاب داده شده، گرفته است، بحث کردیم. از آن رو که پاسخ مهم‌ترین سؤال‌های بشر در هر دوره، انعکاس‌یافته در کتاب آسمانی آن پیامبر است، خداوند متعال از مؤمنین انتظار دارد که خود را مخاطب آیات کتابش بدانند، آن را بخوانند، بفهمند و برای دیگران نیز تبیین کنند. به همین دلیل او به توبیخ اهل کتابی پرداخته بود که محتوای کتاب را کتمان کرده‌اند و پیمان الهی در خصوص کتاب را پشت‌سر انداخته‌اند.



بشنویم

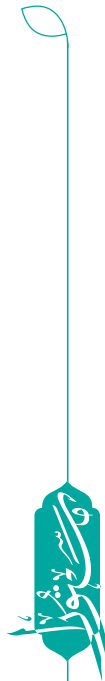
وفابه پیمان خدا

با این مقدمه که قرآن تا روز قیامت، کتاب راهنمای مسیر بشر و پاسخ‌گوی همهٔ مسائل مهم زندگی آنان خواهد بود، ما نیز به‌مثابهٔ امت پیامبر ﷺ، برای آنکه مشمول این توبیخ الهی قرار نگیریم، باید به پیمان الهی در خصوص کتاب آسمانی‌مان، قرآن، وفا کنیم، آیاتش را

بخوانیم، در آن‌ها تدبر کنیم، مطالبش را بفهمیم، به دست دیگران نیز برسانیم و مقصود الهی را در قالب «جهاد تبیین» روشن کنیم؛ چراکه برای حل مسئله‌های واقعی جوامع، تنها راه‌حل همان الگوی زندگی است که از سوی خداوند و به واسطهٔ انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام به دست بشر رسیده است. راه‌حل‌های جایگزین دیگر، جز بر حیرت و ضلالت بشر نمی‌افزاید و چنانکه در عمل نیز ثابت شده است، قادر نیست پاسخ مناسبی برای سؤال‌های اساسی بشر ارائه دهد و او را به سعادت دنیوی و اخروی نزدیک کند.

نزاع تاریخی شیطان برای برکندن لباس

با این توضیح، در ادامه برای تمرین انس با قرآن، سعی کردیم به صورت مسئله‌محور برخی آیات قرآن را بازخوانی کرده و به قدر توانمان به برخی از ابعاد موضوعی که جامعهٔ ما امروزه بیشتر با آن درگیر است، یعنی زن و خانواده پپردازیم و از دل آیات قرآن برای سؤالاتمان پاسخی آسمانی بیابیم. این منظومهٔ کوچک فکری، با بررسی نزاع تاریخی شیطان با آدم عَلَيْهِ السَّلَام در ماجرای خلقت آغاز شد. عداوت شیطان با آدم به فریبی انجامید که ابلیس با سوءاستفاده از امیال طبیعی آدم و به هدف عریانی او برنامه‌ریزی کرده بود. شیطان با وسوسه برای آدم قسم خورد و حیات و قدرت جاودانه را در خوردن از میوهٔ درخت ممنوعه عنوان کرد. این چنین هبوط آدم شکل گرفت و آرامش بهشت جای خودش را به پریشانی و عداوت زمینی داد....



معرکه‌گردانۀ دشمن‌ترین دشمنان با ابزار رسانه

به اشاره خود آیات قرآن، این داستان در لایه دیگری، ماجرای کل بشر را تصویر می‌کند. لشکری متشکل از شیاطین جنی و انسی در مقابل هر کدام از انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، هم‌فکری و همکاری می‌کردند تا با تغییر سبک زندگی مؤمنانه، انسان را به سمت عریانی و دوری از قرب حق و تشویش بکشانند. ابزار شیطان در این اغواگری، حرف‌های باطل تزیین‌شده است که امروزه نیز با معرکه‌گردانی دشمن‌ترین دشمنان مؤمنان، یعنی صهیونیست‌ها و به‌وسیله ابزار رسانه منتشر می‌شود. این هجمه رسانه‌ای با هدف قراردادن زن و خانواده، در قالب الفاظ زیبایی چون آزادی و برابری و حقوق زنان و... در سیاستی گام‌به‌گام سعی در عریانی بشر مدرن دارد. همچنین سرپیچی از احکام الهی، ازسوی دشمنان به‌نوعی مبارزه سیاسی علیه حکومت اسلامی به شمار می‌رود و پشت‌صحنه‌های سیاسی می‌یابد. به همین علت است که هر اقدامی برخلاف جریان حق، در حقیقت تضعیف حاکمیت اسلامی و نوعی حرام سیاسی نیز به شمار می‌رود.

حمله به زن

یکی از اقدامات این لشکر شیطانی، تبلیغات سوء و تغییر واقعیت درباره مسائل زنان بود. رسانه‌های آنان وضعیت زنان در غرب را بزرگ کرده و با چشم‌بستن بر فجایعی که در غرب به نام آزادی بر زنان می‌رود، زنان مسلمان را به دلیل حجاب و تعهد به نقش همسری و مادری به سخره گرفته و عقب‌مانده و محدود و جنس دوم و موجودی صرفاً برای خدمت به مرد در خانه و رفع احتیاجات او تصویر می‌کنند. از سوی دیگر،



آیات قرآن زن و مرد را دارای کرامت ذاتی و در ویژگی‌های انسانی‌شان یکسان تصویر می‌کند؛ البته حکمت خداوند اقتضا داشته که برای ایفای نقش متفاوت همسری و مادری در خانواده که مهم‌ترین وظیفهٔ زنان است، او را در ویژگی‌هایی مانند رأفت و محبت و لطافت و جذابیت جسمی و رفتاری، متمایز از مردان قرار دهد؛ اما هم‌زمان او را دستور داده تا این ظرافت‌ها و زیبایی‌ها را فقط در راستای تحکیم خانواده به کار بندد و از آشکارکردن آن‌ها در برابر دیگر مردان نامحرم بپرهیزد. با این توضیح، آرایش و عشوهرگری و طنزازی و دلبری و هر نوع رفتار و کنشی در صحبت کردن و راه رفتن و ارتباط برقرارکردن و... که بیماردلان را به طمع اندازد یا زن را متفاوت از دیگران جلوه داده و جلب نظر نامحرمان کند، ممنوع شده است. این همان فلسفهٔ حجاب از دید اسلام است که برای تأمین امنیت زنان و فعالیت اجتماعی آنان، نگاه جامعه به زن را نگاهی انسانی و نه جنسی می‌خواهد.

خانواده‌ای به وسعت ایران

خداوند متعال در برابر این هجمه‌ها و تلاش‌های شیطان، نهاد خانواده را به‌عنوان سنگر مقابله با شیطان، مجهز به مودت و رحمت کرده و انسان را نیز به نگاهبانی از خانواده در مقابل خطر سقوط در آتش امر کرده است. همین الگوی دل‌سوزی و خیرخواهی و مراقبت از خانواده، در نگاهی کلان‌تر به رابطهٔ برادری و اخوت مؤمنانه نیز تسری می‌یابد. این همان شبکهٔ ولایی نوری در عالم است که مؤمنین را برادر دانسته و حقوق و وظایفی نسبت به سایرین برای انسان باورمند تعریف می‌کند. از جمله مهم‌ترین وظایف



مؤمنینی که دارای ولایت نسبت به یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر است که جامعه را از گزند آسیب‌ها مصون می‌دارد.

حرام سیاسی

با تدبیر در سوره مبارکه احزاب حرام سیاسی بودن کشف حجاب را فهم کردیم. تلاش دشمنی که بارها از ضربه نظامی به ایران عزیز مایوس شده است، در قالب هجمه رسانه‌هایی که بانوان را در اجرای احکام الهی مقابل حکومت اسلامی قرار دهند، واضح شد. واضح شد چه طور سرپیچی از احکام الهی، تکمیل پازل دشمن و هم‌گرایی با دشمنان برای ضربه‌زدن به پیکره جامعه اسلامی است.

شش راهبرد اساسی

ابعاد حرکت الهی برای خنثی‌سازی شیطینت‌های شیاطین، در سوره مبارکه نور و در قالب شش راهبرد اساسی منعکس شده است. یکی از راهکارها نگهداری چشم از حرام بود که بر همه مؤمنین و مؤمنات الزام شد و مقدمه پاک‌دامنی قرار گرفت. آیات این سوره همچنین مؤمنان را در فرمانی همگانی، به واسطه‌گری و تسهیل ازدواج بی‌همسران جامعه اسلامی دستور داده است تا طهارت درونی و پاکی محیط جامعه را به ارمغان داشته باشد.

تنها میان میدان

مطالبی که به‌اختصار از محتوای فصول گذشته بیان شد، اغلب در مقام تحلیل مسئله و تجویز بودند؛ اما سؤال مهم اینجاست که مدل رسیدن



به چنین اهدافی چگونه ترسیم شده است؟ آیا نبی و ولی الهی باید یک‌تنه به میدان بیاید؟ اگر چنین است دیگر توبیخ همه اهل کتاب در آیه اول به چه علت است؟ آیا فقط حاکم اسلامی باید خودش متولی ازدواج جوانان و بی‌همسران شود؟ یا آنکه مدل اجرایی دیگری مدنظر قرآن است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال از خود آیات قرآن کمک می‌گیریم.

ربانے شو

بر اساس آیه‌ای که در این قسمت از محضرش کسب نور می‌کنیم، انبیا علیهم‌السلام پس از آنکه کتاب و حکمت و نبوت به آن‌ها داده شد، هیچ‌کدام برنامه‌ای برای دعوت مردم به سوی خویش به نحوی که بخواهند آن‌ها را بنده خود کنند نداشتند. بلکه به مردم چنین می‌گفتند که به سبب آنکه شما آیات کتاب الهی را فرا می‌گیرید و یاد می‌دهید، «ربانی» شوید: **﴿وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ﴾**. شما خودتان به دلیل انس با کتاب خدا، «رنگ خدایی» گرفته‌اید و اکنون نوبت آن است که با رساندن پیام الهی به دیگران، وجود و زندگی آن‌ها را نیز به رنگ خدا درآورید؛ و چه رنگی بهتر از رنگ خدا...!

هرکس به مقدار بهره‌ای که از آموزه‌های قرآن برده است، نسبت به رساندن این پیام به دیگران و ایجاد تحول در زندگی آنان مسئولیت دارد؛ وگرنه طبق ادبیات قرآنی، «کتمان» آیات الهی کرده است و مشمول همان توبیخ آیه نخستین این کتاب خواهد شد: **﴿لَتَنبِئَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ﴾**.

۱. البقرة / ۱۳۸: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»

«رنگ خدا را [انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش‌کنندگان اویم.»



طبیعی است اگر هرکسی چیزی را بهانه کند و از این مسئولیت شانه خالی کند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تنهایی کاری از پیش نخواهد برد و آموزه‌های کتاب هدایت او دچار نسیان و تحریف و کتمان خواهد شد. نوری که امروزه در دستان ماست، محصول جانبازی‌ها، جان‌فشانی‌ها و تحمل سختی‌هایی است که ازسوی مجاهدین حق در طول تاریخ صورت گرفته است. ما نیز در مسیر تبیین و تبلیغ کتاب الهی، چنین وظیفه تاریخی داریم.

قرآن شو

با این حساب، مدل حرکت انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای گسترده‌شدن پیام هدایتشان روشن شد. در هر دوره، عده‌ای به‌عنوان «حلقه‌های میانی» در اطراف انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارند که رابط ایشان و دیگر مردمانند. یک دست در دست پیامبر و آموزه‌های وحیانی او دارند و از او درس می‌گیرند؛ دستی دیگر نیز در میان مردم دارند و این تعالیم را به آن‌ها می‌آموزند: **﴿بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾**. در حقیقت این حلقه میانی، بازوان اجرایی هر پیامبر برای انتشار کلام خداوند هستند.

حلقه‌های میان

این جریان حلقه خواص، ویژگی‌های دارند که قرآن در سوره آل عمران به مدح آن پرداخته است: **﴿وَكَلَّيْنَا مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾**^۱ مطابق این آیه، چه بسیار پیامبرانی

۱. آل عمران / ۱۴۶: **﴿وَكَلَّيْنَا مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾**

بوده‌اند که «ریون» و مردانی الهی‌مسلك در كارزار نبرد به‌همراه داشته‌اند. ویژگی برجسته این مجاهدین چنین است که در راه حق، خسته و دل‌زده و ملول و افسرده نمی‌شوند و با نگاه به قله‌ها، هیچ‌گاه در اندیشه عقب‌نشینی و قبول شکست نیستند. پیامبران عليهم‌السلام به‌مدد چنین اطرافیان پای‌کار و مسئولیت‌پذیری است که از پس مأموریت الهی خویش برمی‌آیند.

بنیان مرصوص

این چنین روحیه مبارزه و خستگی‌ناپذیری به‌همراه روشنگری و بصیرت، که ما دست‌کم مثال‌های فراوانی از آن در سرگذشت علما و شهدای زمان خودمان خوانده و شنیده‌ایم بسیار محبوب خداوند است. سوره مبارکه صف، بیان احوالات چنین مردانی است. قرآن پس از تشبیه صفوف به‌هم‌پیوسته و نفوذناپذیر آنان در عرصه نبرد به سازه‌ای پولادین «**بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ**»، آنان را محبوب خدا برمی‌شمرد و چنین روحیه‌ای را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند!

انصار الله شویم

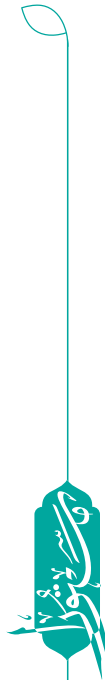
سپس در آیه آخرین این سوره، حواریون حضرت عیسی عليه‌السلام را به‌عنوان الگوی موفق از حلقه میانی در کمک به پیشبرد اهداف انبیا عليهم‌السلام معرفی

«و چه بسیار پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی‌مسلك به‌همراه آنان جنگیدند؛ پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.»

۱. الصف / ۴: «**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ**»

«خدا کسانی را دوست دارد که صف‌زده در راه او جهاد می‌کنند؛ گویی بنایی پولادین و استوارند.»





کرده و از ما نیز دعوت می‌کند تا شبیه آنان از یاران خدا و از «انصارالله» شویم. در این آیه، حواریون عیسی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از درخواست نصرت از سوی او، لیبیک‌گویان به کمکش شتافتند. پیامردی این گروه، نصرت الهی را به همراه داشت و در نهایت پیروزی را برایشان رقم زد. اینان یاوران ولی الله بودند: «**مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ**» و از این مسیر، یاران الله «**نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ**» گشتند و مشمول تأیید و امداد حضرت حق برای پیروزی بر باطل شدند!

قوت قلب و یار نبی

چنین گروه یک‌دست، قوی، بانگیزه و مقاومی واقعاً برای هر پیامبری نعمتی بوده است که خدا به‌عنوان امداد او در مسیر مأموریتش در کنار او قرار داده است. خداوند متعال در سوره مبارکه انفال دو بار با فاصله کمی در آیه ۶۲ و ۶۴ با پیامبرش درباره این نعمت گفت‌وگو کرده و دل او را به چنین یارانی گرم کرده است. اهمیت این حلقه میانی و خواص پیرامون نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پیشبرد اهدافش چنین است که خداوند به پیامبرش فرموده است: «**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**» (من و این گروه مؤمنین، برای تو کافی هستیم!)^۲.

۱. الصف / ۱۴: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّتِهِ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ قَامَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ**»

«ای اهل ایمان، یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خدا ایم. پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ در نتیجه کسانی را که ایمان آوردند، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند.»

۲. الأنفال / ۶۴

«ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند برای تو بس است»



پاد رکاب باشیم

شایسته است لحظه‌ای خلوت کنیم و با تعریف نسبتمان با نبی مکرم ﷺ، محدودهٔ اثر و جایگاه خودمان در تاریخ بشر را مشخص کنیم. خداوند نتیجهٔ این تأمل را در سورهٔ مبارکهٔ صف بیان کرده و به مؤمنین بشارت داده است. اگر با انجام وظیفهٔ الهی خود، در جانب پیامبر ﷺ بایستیم و مجاهده کنیم، پیروزی در دو دنیا نصیب ماست. از سویی با گناهای آمرزیده وارد بهشت و جایگاه نیکویی می‌شویم که بُرد حقیقی اوست. همچنین پیروزی موردعلاقه‌مان در این دنیا نیز به ما خواهد رسید؛ اما اگر روی سیاه سکه را انتخاب کنیم و از لشکر پیامبر ﷺ جدا شویم، با دست خودمان به هلاکت افتاده‌ایم؛ در حالی که به جریان الهی هیچ آسیب و نقصانی از نبود ما وارد نشده است. طبق وعدهٔ الهی، عدهٔ دیگری نقش ما را در این صحنه بازی خواهند کرد و با نصرت جریان الهی به پیروزی خواهند رسید؛ و این ماییم که بازندهٔ دو دنیا باشیم... ۲.

۱. الصف / ۱۰ تا ۱۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ۖ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۗ يُغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۗ وَآخِرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝»

«ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ (۱۰) به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ اگر معرفت و آگاهی داشتید، این برای شما [از هر چیزی] بهتر است؛ (۱۱) تا گناهتان را بیمارزد، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و خانه‌های پاکیزه در بهشت‌های جاویدان درآورد؛ این است کامیابی بزرگ. (۱۲) و نعمت‌های دیگری که آن را دوست دارید [و به شما عطا می‌کند] یاری و پیروزی نزدیک از سوی خداست. و مؤمنان را مژده ده. (۱۳)»

۲. المائدة / ۵۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَىٰ

رهبر معظم انقلاب، دربارهٔ وظیفهٔ امروز ما چنین فرموده‌اند:

زحمات و مجاهدت‌ها و سختی کشیدن‌ها و گرسنگی خوردن‌های ده‌سالهٔ رسول اکرم ﷺ و یارانش، باعث شد که نیم قرن بعد از رحلت آن حضرت، بیشتر از نیمی از دنیا در اختیار مسلمانان باشد. سختی‌های زیادی در زمان پیامبر ﷺ تحمل شد. سرگذشت اصحاب صُفّه را که می‌دانید. لباس قرض دادن به یکدیگر را که شنیده‌اید. آن‌ها در آن زمان، با یک خرما در میدان جنگ مقاومت می‌کردند...؛ اما بعد از آنکه پایه محکم شد، آن مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها و اخلاص‌ها و تربیت‌ها، موجب شد که این حرکت آنچنان سریع ادامه پیدا کند... در آن زمان چنین بود و امروز هم همان‌گونه است.^۱ در چنین شرایطی که دشمن شمشیر را از رو بسته، ... ما همه وظیفه داریم؛ نخبگان وظیفه دارند؛ هسته‌های انقلابی وظیفه دارند؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزوی، صاحبان جایگاه‌های اجتماعی به‌ویژه کسانی که مردم حرف آن‌ها را می‌شنوند، این‌ها وظیفه دارند؛ وظیفه این است که ایمان‌ها را تقویت کنند، امیدها را تقویت کنند، شبهه‌ها را برطرف کنند، شیوه‌های دشمن در شبهه‌آفرینی و یأس‌آفرینی را خنثی کنند.^۲ شیاطین کوچک و بزرگ درصد اغوای مردمند؛ [همان جور]

الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَبَ عَلَى الْكَافِرِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَتَخَفُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

«ای اهل ایمان، هرکس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی‌رساند] خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هرکس بخواهد می‌دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.»

۱. بیانات معظم‌له در دیدار اқشار مختلف مردم، مورخ ۱۳۶۸/۸/۲۴.

۲. بیانات معظم‌له در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۴.

که رئیسشان گفت: «لَاغْوَيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ به وسیله این رسانه‌ها... البته هدف این است که توده‌های مردم مورد اغوا قرار بگیرند؛ اما وسیله اغوای توده‌های مردم، اغوای خواص است... یکی از سنگین‌ترین جنگ‌های نرم تاریخ کشور ما امروز در همین زمینه در جریان است... خب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین! اگر امام شجاع نبود، اگر می‌ترسید، اگر ناامید می‌شد، اگر خسته می‌شد، اگر تنبلی می‌کرد، این حادثه به این عظمت اتفاق نمی‌افتاد... مردم هم شجاعت به خرج دادند و نترسیدند و وارد میدان شدند و به معنای واقعی کلمه حضور پیدا کردند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ لِسَبِيلِنَا»؛ وقتی مجاهدت بندگانش ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آن‌ها خواهد داد؛ علاوه بر هدایت الهی، موقفت و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَهُمْ مَاءً غَدَقًا». «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و زلال که مفسرین می‌گویند کنایه از حل همه مشکلات زندگی است.^۲ در این هیچ تردید نکنید که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» همت ما باید این باشد که ان تنصروا الله را تأمین کنیم... این کار را دنبال کنید؛ این جدیت‌ها را دنبال کنید؛ آینده مال شماست. دشمنان اسلام و مسلمین هم در زمینه امنیتی و نظامی شکست خواهند خورد، هم به توفیق الهی در زمینه‌های اقتصادی و زمینه‌های فرهنگی؛ به شرط اینکه ما کار کنیم. ما پایه‌رکاب باشیم.^۳

۱. بیانات معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹.

۲. بیانات معظم له در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹.

۳. بیانات معظم له در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۵.



